

هان ای مستضعفان جهان  
بناجره‌ها را بگشاید  
که نسیم فتح همراه با بادیهاری  
از جبهه‌های ایران، لبنان، خونین  
مصر و ... بسوی شما می‌وزد

فَارَافِعَ الْمُسْتَرْتَبَاتِ  
إِزْمَعِ الْمُسْتَرْتَبَاتِ  
**لاه مجاهد**  
در راه خدا بپوشید، در جبهه‌ها بپوشید و سربازان  
نخربیه نهضت مجاهدین خلق ایران  
سال پنجم - شماره ۳۵ - بهار ۶۰ ریال  
فروردین و اردیبهشت ماه ۱۳۶۵

**پرسی**  
اصل فقهی **تکلیف الهی**  
و  
**طاعت بشر**  
۲۷ ص

**رابطه**  
**فتوا**  
و  
**مبارزه**  
۴ ص

**در راه آزادی قدس**  
وسيله هدف نگرود  
شعار آزادی قدس از طریق کربلا بقدری اصل است  
که دشمن در مرحله شعار دادن آن نیز روی مافشار میگذارد  
بطوریکه هدف را فراموش کرده و وسیله را هدف قرار دهیم  
کربلا بجای قدس؟  
نفت بجای کربلا و قدس؟  
۴ ص

**سرمقاله**  
**در راه آزادی قدس و خودکفایی**  
آخرین توطئه هماهنگ امپریالیسم و صهیونیسم و ارتجاع عرب، محروم کردن جمهوری اسلامی از درآمد نفت است.  
این توطئه هماهنگ سه وجه آشکار به شرح زیر دارد:  
الف: کاهش فاحش قیمت نفت، توطئه هماهنگ جناحها  
ب: کاهش تولید و جلوگیری از صدور نفت  
ج: با ابرودن هزینه تولید هر بشکه نفت  
\* \* \*  
کاهش فاحش قیمت نفت، توطئه هماهنگ جناحها

**شیوه‌های اصولی**  
**دکتر مصدق**  
۵ ص

**خط امام**  
**قیام ضعیف در عراق**  
نیاز مرحله‌ای انقلاب عراق  
۷ ص

**نفت در خدمت خط مشی آزادی قدس**  
در رابطه با "قدس" و "نفت" سه خط مشی وجود دارد. بر-  
آیند تا به شرح مختصر آن بپردازیم، به این امید که مفید  
طراحان خط مشی در ایران و منطقه قرار بگیرد.  
الف: "نه قدس، نه نفت"  
ب: "یا قدس، یا نفت"  
ج: "هم قدس، هم نفت" - "نفت در خدمت قدس"  
۳ ص

**نخلیلی از انقلاب افغانستان ۲**  
بررسی توطئه‌ها  
۲۹ ص

**تبریک و تسلیم به امام و امت به مناسبت**  
\* شهدای فتح آفرین عملیات والفجر ۸ و ۹  
\* شهید والامقام مطبوعات برادر سید حسن  
شا هجرائی و سایر شهدای جنایت هواپی عراق  
\* شهید مهدی آرزومند ارشادی عضو نهضت مجاهدین  
\* مجاهدین شهید علی باکری، علی میهن دوست  
ناصر صادق، محمد بازرگانی، علی صفر  
منتظر حقیقی، مصطفی جوان خوشدل، کاظم  
ذوالانوار، مجید شریف و آقای

**در صفحات دیگر:**  
\* دعای صبح روز عاشورای امام حسن (ع) ۳۲ ص  
\* توشه گیری از نهج البلاغه ۳۱ ص  
\* اسلام و تمدن ۲۸ ص

\* اخبار راندن لوزیک و ولایت فقیه  
\* انقلاب اسلامی و تحول در مدل‌سازی غرب ۹ ص  
\* روش شناخت امام خمینی دستهای مرموز ۱۰ ص  
\* اخبار جنگ اسلام و کفر  
\* عملیات والفجر ۸-۹ و توطئه تعدیل شعار آزادی  
قدس از طریق کربلا ۱۰ ص  
\* "حفظ و نگهداری فا" و عمل صالح نیروهای اسلام ۱۰ ص  
\* پیشنهاد عملیات نفوذی گسترده ۱۱ ص  
\* راهبان برپایی اقتصاد قدس ۱۱ ص  
\* نزدیک شدن به یک جناح غرب برای سرنگ-  
ساختن صدام ۱۱ ص  
\* شعار آزادی قدس و مشکلات انقلاب عراق، ص ۱۲، ۱۳  
\* اخبار داخلی و اقتصادی  
\* شیوه مقاومت در برابر سرمایه‌داری ۱۴ ص  
\* شیوه برخورد با مشکلات احتمالی ۱۴ ص  
\* نفت و حاکمیت انقلابیون ۱۵ ص  
\* اخبار درون انقلاب - مبارزه با دستهای مرموز  
\* محورهای سخنرانی سید حسین قاضی زاده ص ۱۷، ۱۸  
\* افشای دکتر مظفر بقایی ۱۸ ص  
\* نگاهی به مواضع دکتر محمود گاشانی و احمد گاشانی  
ص ۱۹، ۲۰، ۲۱  
\* بررسی دیدگاهها و مواضع دکتر سید حسین نصر  
ص ۲۲، ۲۳، ۲۴  
\* نفت  
\* نظراتی بر امون صدور نفت ۲۴ ص  
\* اخبار منطقه، لبنان و فلسطین  
\* حوش خون سلیمان خاطر و شکستن ثبات اسرائیل  
غاصب ۲۵ ص  
\* عرب مسلحان ضد صهیونیست خواهان حکومت اسلامی  
ص ۲۵  
\* خواست امپریالیسم سرکوب نهضت به دست ما ۲۵ ص

**نفت در خدمت خط مشی آزادی قدس**  
در رابطه با "قدس" و "نفت" سه خط مشی وجود دارد. بر-  
آیند تا به شرح مختصر آن بپردازیم، به این امید که مفید  
طراحان خط مشی در ایران و منطقه قرار بگیرد.  
الف: "نه قدس، نه نفت"  
ب: "یا قدس، یا نفت"  
ج: "هم قدس، هم نفت" - "نفت در خدمت قدس"  
۳ ص

**نخلیلی از انقلاب افغانستان ۲**  
بررسی توطئه‌ها  
۲۹ ص

**تبریک و تسلیم به امام و امت به مناسبت**  
\* شهدای فتح آفرین عملیات والفجر ۸ و ۹  
\* شهید والامقام مطبوعات برادر سید حسن  
شا هجرائی و سایر شهدای جنایت هواپی عراق  
\* شهید مهدی آرزومند ارشادی عضو نهضت مجاهدین  
\* مجاهدین شهید علی باکری، علی میهن دوست  
ناصر صادق، محمد بازرگانی، علی صفر  
منتظر حقیقی، مصطفی جوان خوشدل، کاظم  
ذوالانوار، مجید شریف و آقای

**در صفحات دیگر:**  
\* دعای صبح روز عاشورای امام حسن (ع) ۳۲ ص  
\* توشه گیری از نهج البلاغه ۳۱ ص  
\* اسلام و تمدن ۲۸ ص

بنیادهای صفا  
و صبویست‌ها بر سر سقوط جمهوری اسلامی  
و یا تضعیفی در حد سقوط وانگهی تعدیل  
توافق نموده‌اند .

در تاریخ معاصر خودمان هم دیده‌ایم  
که همه جناح‌های غربی و شرقی علیه  
حرکت مردم در قیام‌های ۲۰ تیر و ۲۵ -  
۲۷ مرداد و ۱۵ خرداد به توافق رسید  
بودند .

ب : کاهش تولید و  
جلوگیری از صدور نفت با فشار  
نظامی

نقش نظامی ای که صدام در این توطئه  
ایفا کرد این بود که از طریق بمباران‌های  
هوایی بر روی اسکله‌ها، مخازن، خط لوله  
ها، تلمبه‌خانه‌ها و جاه‌های نفتی، تلاش  
مذبحانه‌ای نمود تا جلوی صدور نفت خام  
را بطور کامل بگیرد و باین حد اقل ممکن  
برساند . فرانسه نیز در این توطئه نظامی  
دست داشت و با دادن سلاح‌های پیچیده  
سوپراتاندارد صدام را تشویق کرد . جالب  
آنکه در آن لحظاتی که میتران دول بود  
توصیه‌ها و تحلیل‌های رجعی او را در جهت  
تحويل سلاح‌ها به بغداد به قاطعیت  
رساند .

## آزادی قدس و خودکفایی

توطئه‌های هولناک حاضر است که به ما  
سلاح‌های پیچیده بدهد .  
از طرف دیگر عضویت مادر اوک ، با وجود  
اینکه تولید کم و قیمت کم و هزینه بالا ، موجب  
شده است که ناخود آگاه ما تابع پادشاهی  
سعودی ، این مهره آمریکا شویم و در -  
نهایت به ساز آنها برقصیم و با همه حقانیت  
خود تابع باطل گردیم .

امپریالیسم در برابر و خطر  
خود کفایی  
بانفت ملی

آیا وقت آن نرسیده که ضمن حفظ عضویت  
در اوک ، با اتخاذ خط مشی خود کفایی و  
یک سیاست قهرآمیز ، اعضای وابسته اوک را  
تابع خود گردانیم .  
دشمن در مقابله با ملت‌های منطقه در  
برابر و خطر قرار دارد .  
خطر اول : اداره اقتصاد خود کفایی در  
برابر امپریالیسم  
خطر دوم : خلع ید استعمار از نفت و  
دیگر منابع

ج : بالا بردن هزینه تولید هر شکه  
نفت

هزینه تولید از دو طریق افزایش می‌یابد :  
۱ - وقتی میزان تولید کم شود هزینه  
هرواحد تولید طبعاً بالا می‌رود .  
۲ - بمباران‌های صدام ، هزینه حفاظت  
برای هر شکه نفت خام را بالا می‌برد .  
این هزینه فوق العاده بعنوان مثال :  
- هزینه حفاظت در برابر هواپیما -  
نفت کش‌ها  
- هزینه حفاظت از طریق ضد هوایی  
- هزینه پرسنل نظامی و تدارکات  
- هزینه احداث اسکله و خط لوله‌های  
جدید  
- هزینه تعمیر و ترمیم ناشی از بمباران‌ها

کودتای خزنده در وجه اقتصادی

اقتصاد "تک محصولی بر  
پایه نفت" متکی به "هوا"  
و "دریا" است . ولی اقتصاد  
خود کفایی ، متکی به تلاش  
انسان‌های مومن و انرژی  
خورشید و آب و زمینی است  
که در خاک خودمان قرار  
دارد .

آیا وقت آن نرسیده که  
ضمن حفظ عضویت در اوک  
با اتخاذ خط مشی خود کفایی  
و یک سیاست قهرآمیز ،  
اعضای وابسته اوک را  
تابع خود گردانیم .

حماسه نوروز :  
کارمندان و کارگران صنعت نفت با  
جان برکفی الهام گرفته از جنبه‌های جنگ  
و این نهضت حسینی به رهبری خمینی ،  
علیرغم توطئه‌ها به تعمیر و ترمیم ضایعات  
ناشی از بمباران‌ها پرداخته و نفت را صادر  
کردند ، تا جائیکه دشمنان رابه شکست  
آورده و حتی مسعود رجوی که از توصیه  
کنندگان بمباران خارک به صدام و آمریکا  
بود ، گفت : واقعیت این است که جمهوری  
اسلامی موفق شده ، نفت را صادر نماید  
و نمیتوان صادرات آن رابه صفر رساند .  
حماسه نوروز یک نمونه از جان برکفی‌های  
کارکنان صنعت نفت را نشان میدهد که بنوبه  
خود انقلابی در صنعت بشمار می‌رود .  
معمولاً در یک مأموریت صنعتی اگر امکان  
مرگ و میر باشد ، باید آن مأموریت را  
متوقف ساخت و هیچ مهندس و کارگری ،  
مسئولیت آنرا به عهده نمی‌گیرد ، در حالیکه  
کارگران ما با علم به شهادت ، در دریای خن  
شفا کردند به ساحل نجات رسیده و جهان  
را به لحاظ فنی به شکست آوردند .

نتیجه اینکه دشمن میخواهد ، با کاهش  
قیمت نفت و کاهش تولید و افزایش هزینه تولید  
کاری کند ، که صدور نفت خام به ضرر ما باشد  
و از این طریق اقتصاد ما را اوک و تو خالی کند  
و به زعم خویش زمینه بحران‌هایی چون سال  
۵۵ را فراهم آورد . این توطئه همان وجه  
اقتصادی از خط مشی کودتای خزنده ای  
است که آیت . . . منتظری بارها بعنوان  
اصلیترین خطر از آن نام برده‌اند .

خط مشی اساسی دشمن این است که ما را  
به فکر خود کفایی نیانداخته تا بدین طریق  
اقتصاد ما را اوک و تو خالی نگاه دارد .  
آیت . . . منتظری بارها گفته‌اند : اصلی  
ترین توطئه دشمن این است که انقلاب را از  
درون خالی و پوک نماید و فقط ظاهرش  
قانونی و اسلامی از آن باقی بگذارد .  
غریب‌زاینکه اقتصاد ما متکی به نفتی باشد  
که ضررمان از صدور هر شکه اش بیشتر از  
نفع ما باشد ، خوشحال است . آن هم نفتی  
که ثبات و امنیت آن به دریا و هوا وابسته  
است و میدانیم که در شرایط فعلی نسه  
در منطقه برتری هوایی داریم و نه دریایی  
عالم برتری دریایی داریم و نه دشمن با این

داشتند ، آنها نتوانستند قانون ۲۰٪ دکتر  
مصدق را که بنفع مستضعفین روستا بود ،  
فلج کنند .

الته فتودالها از حمایت روحانیت  
غیر مبارز نیز برخوردار بودند .

ما می بینیم امام هیئت مرکب از آیت  
۱ . مشکینی ، برای بررسی بند "ج" تعیین  
کرده آنها به لحاظ مذهبی تقسیم زمین به  
نفع مستضعفین روستا را مشروعیت دادند بند  
"م" را تا بید نمودند که این امر امتیاز  
بزرگی نسبت به صدق به شمار می‌رود .  
علاوه بر این در  
شرایط فعلی عشاریه تنها مسئله‌ای برای  
انقلاب نیستند ، بلکه در جنبه‌های جنگ  
هم شرکت فعال دارند ، در حالیکه  
، در دوران نهضت ملی عشاریه گاه و بیگاه  
شورش میکردند .

دشمن نفت ملی را به این دلیل میزدیرد  
که دیگر ملت‌ها بگویند که بعنوان مثال :  
ایران باتکیه به درآمد نفتش توانست انقلاب  
نماید و نمیتواند الگویی برای ما باشد .

اگر عزم سیاسی ملتی برخوردار کفایی قسرا  
گیرد ، توطئه‌های دشمن شکل نظام - سیاسی  
و برانداز به خود خواهد گرفت .

اقتصاد "تک محصولی بر پایه نفت" تازه  
اگر برای "نفت" تقاضا باشد ، متکی به  
هوا و دریاست ، ولی اقتصاد خود کفایی  
به تلاش انسان‌های مومن و انرژی خورشید  
و آب و زمینی است که در خاک خودمان  
قرار دارد .

در راه خود کفایی و بررسی مسائل آن

نیل به خود کفایی در ایران از یک  
نقطه قوت برخوردار است و آن اینکه ، یک  
بار ملت ایران چنین تجربه‌ای را بطور  
موفقیت آمیز پشت سر گذارد . مرحوم  
مصدق توانست علیرغم توطئه‌ها ، اقتصاد  
متعادل و خود کفایی بدون نفت را تحقق  
دهد و حتی دشمن از طریق قرارداد بانک  
بین المللی می خواست از حکومت مردمی و  
قانونی وقت نفت بخرد تا مبادا اقتصاد  
خود کفایی شکل بگیرد . و بصورت الگویی برای  
ملت فقیر در آید . ( به سر مقاله راهمجاهد  
شماره ۲۵ ، پیرامون سفر گنشر مراجعه  
شود )

مقایسه انقلاب اسلامی و نهضت ملی

یکی از موانع نهضت خود کفایی قیاس نا  
درست وضع موجود با شرایط نهضت ملی  
است .

چنین گفته میشود که ، در دوره مصدق  
جمعیت کم ، عده جمعیت در روستاها ،  
اقتصادمان کشاورزی ، وابستگی به درآمد  
نفت به این شدت نبود . . .

برای رفع این مشکل ذهنی باید گفت  
امتیازات انقلاب اسلامی جهت نیل به  
خود کفایی از نهضت ملی بسیار بیشتر  
می باشد .

امتیازات انقلاب اسلامی

رهبری واحد سیاسی و مذهبی  
اولاً ، انقلاب اسلامی از نعمت رهبری  
امام خمینی و رهنمودهای آیت . . . منتظری

خط مشی آمریکا تکیه بر منافع ملی و بقدر نیاز طلب است که عمیقاً حافظ "نیت نفعی" بوده و از این موانع در مقابل حرکت‌های انقلابی و قهرآمیز ایستادگی میکند

برخورد ار است . رهبری انقلاب و مرجع مذہبی یکی است و اگر در جهت خودکفایی حکم بدهند از پشتوانه مذہبی ، فتوایی برخوردار بوده و به سرعت جزو زندگی مردم میگردد . در صورتیکه در دوران نهضت ملی ، رهبری سیاسی و مرجعیت مذہبی ، نه تنها یکی نبود ، بلکه با یکدیگر اختلاف هم داشتند .

امکان همیشگی صدور و فروش

ثانیا در تجربه نهضت ملی هیچگونه صادرات نفتی اعم از نفت خام و فرآوردهها پیش نداشتیم ، حال آنکه در شرایط فعلی وضع مساعدتر بوده و قریب یک میلیون بشکه نفت در روز مصرف داخلی داریم ، که محموبا با درآمد حاصله از توزیع و فروش گاز در داخل رقم خوبی است و به لحاظ صادرات قریب یک میلیون بشکه در روز ، بازاری مستقل از کمپانیهای نفت در کشور - های جهان سوم داریم .  
در تجربه نهضت ملی ، کمپانیهای نفت بطوری نفت ملی را تحریم کرد ، بودند که یک قطره آن صادر نشد و حتی در یک مورد که محموله ای نفتی صادر شد ، انگلیسی ها آن نفتکش را در عدن مصادره کردند و با در مورد دیگر کمپانیهای نفتی آنقدر نفت ارزان به مشتریان فروختند ، که از خریدن نفت ملی منصرف شد .

از طرف دیگر ، در شرایط فعلی از یک ناوگان مخصوص به خودمان برخوردار بود و قدرت صادرات نفتی به جهان سوم را دارا می باشیم . کمپانیهای نفتی هم قدرت تحریم ما را ندارند .

شدت و ضعف توطئه ها

ثالثا : دولت ۲۸ ماهه دکتر مصدق بطور مستمر با توطئه کمپانیهای نفت ، توطئه دربار ، توطئه ارتش ، توطئه فتووال ها و تجار بزرگ وابسته به درآمد نفت و مخالفت بخش بزرگی از روحانیت ، مواجهه بود .

نهاد های انقلاب ، آبدیدگی و سیخ مردم

رابعا ، وجود نهاد های انقلاب ، میلیونها جوان پر شور و مومن و مسلح وفادار به انقلاب ، درجه بالایی از بسیج در میان مردم ، آبدیده شدن در ابتلائات بزرگی چون دفع تجاوز در جنگ تحمیلی و بنی صدر و رجوعیستها و عافیت طلبان ، توطئه تجزیه کردستان و گنبد و خوزستان ، اینها همه امتیازاتی است که انقلاب اسلامی دارا بود . و مارا قادر خواهد ساخت ، بدون اینکه تشنجی در مملکت بوجود بیاید ، اقتصاد مستکی به درآمد نفت را به اقتصاد خودکفایی و متعادل بدون نفت تبدیل نمائیم .

تجلی اراده مردم در ۲۲ بهمن ۶۳ و ۱۲ فروردین و ۱۵ خرداد و روز قدس و ۲۲ بهمن ۶۴ دال بر ثبات انقلاب و حمایت مردمی از اصول انقلاب است .

نتیجه

۱ - تنها راه گشایش ، آغاز خودکفایی

بالاخره راه خودکفایی را به دو دلیل باید یک روز شروع کرد . یکی اینکه ، عملی است صالح و الگویی برای انقلاب جهانی ملتها و دوم اینکه در شرایط فعلی و با وجود توطئه های عمیق ، راه آبرومندانه ای جز این نداریم . اگر در این رهگذر احتمالا عدم تعادلی در جامعه بوجود آید ، بهتر است در شرایط ثبات و حیات امام و آیتا . . منتظر ، باشد .

۲ - اعتماد به نص و عزم سیاسی مسئولین

در شرایط فعلی آنچه برای خودکفایی عملی مهم است ، اعتماد به نفس و "عزم سیاسی" مسئولین میباشد . باید در درجه اول تصور "زندگسی بدون نفت" را ممکن ساخت . این کار میتواند با تشکیل سمینارهای خودکفایی در سرتاسر مملکت عملی گردد . در موضوع بحث این سمینارهای خودکفایی "شیوه های زندگی بدون صدور نفت" نظیر :  
- قناعت و صرفه جویی .

- جایگزین کردن اقلام وارداتی ضروری - تشویق صادرات موجود و کشف موارد جدید صادرات خواهد بود  
با عمومیت دادن به چنین سمینارهایی میتوان همه استعدادها و مغزها اعم از بخش خصوصی و دولتی را در جهت خودکفایی فعال نمود .

۳ - برخورد صادقانه با مردم

مطلب محترم دیگر اینکه مسئولین بایستی صادقانه مسئله را برای مردم مشکاته و از این مردم خدا جواستمداد بطلبند . دکتر مصدق میگفت : اگر میلیارد هاد لار کمک بلاعوض و یا با عوض به دولتی برسند ولی مردم به آن دولت اعتماد نداشته باشند دولت نمیتواند اقتصاد خوبی داشته باشد . تجربه قرضه ملی ، تجربه بزرگی بود دولت مصدق با اعتماد به مردم و با صراحت مشکلات را عریان کرد و مردم متقابلا ، نه تنها از مشکلات نهراسیدند ، بلکه با بسیج بسی سابقه ای اوراق قرضه ملی را خریدند و حتی با وجود یک بهره رند داشت ، به سه برابر قیمت در بازار آزاد خرید و فروش میشد . بعد ها که رژیم کودتا حاضر شد ، مبالغ اوراق قرضه بهادار را به مردم پس بدهد ، مردم این اوراق را بعنوان یادگاری و مخالفت با کودتا در قرآنهاشان نگاه داشتند و حاضر نشدند حتی پول آن را هم بگیرند . از یکی از مدیران کارخانجات بزرگ سوال شده : اگر درآمد نفت قطع شود چه خواهد شد ؟ وی در جواب گفته : درختهای خیابان هم خشک میشود ولی اگر برخورد صادقانه با مردم و کارگران داشته باشد و مسئله را برای آنها بشکافد مردم با تمام وجود مایه گذاشته و چنین بحران تحمیلی را پشت سر خواهند گذارد .

وقتی دفع جنگ که معلول اصول انقلاب است این همه شهید و قربانی میخواهد دفاع از اصل استقلال و خودکفایی گاه علت انقلاب است قربانی بیشتری میخواهد .

۴ - جنگ تحمیلی معلول استقلال

و خودکفایی انقلاب است

باید علت جنگ تحمیلی را در جوهر انقلاب اسلامی جستجو کرد ، از اساسیترین شعارهای انقلاب ، استقلال در همه زمینهها میباشد . دشمن که میدید ما در خط استقلال و خودکفایی در روجوه مکتبی ، سیاسی ، نظامی و اقتصادی گام برمیداریم ، لذا جنگ را بر ما تحمیل کرد تا آهنگ رشد مان متوقف گردید و در جهت "تعدیل" گام برداریم .

جان کلام اینکه وقتی برای دفع جنگ تحمیلی که معلول اصول انقلاب است ، این همه شهید و قربانی میدهیم ، واضح است که برای دفاع از اصل استقلال و خودکفاییمان که جوهر و علت انقلاب است قربانی بیشتری خواهیم داد و به وضوح میبینیم که تمامی شهدای ما با خونشان این مطلب را امضا کرده اند .

**"هم قدس" ، "هم نفت"**

**نفت در خدمت خط مشی آزادی قدس**

در رابطه با "قدس" و "نفت" سه خط مشی وجود دارد . برآنیم تا به شرح مختصر آن بپردازیم ، به این امید که مفید طراحيان خط مشی در ایران و منطقه قرار بگیرد .

الف : " نه قدس ، نه نفت "  
ب : " یا قدس ، یا نفت "  
ج : " هم قدس ، هم نفت " ، " نفت در خدمت قدس "

\* \* \*

الف : " نه قدس ، نه نفت " : امیرالایم و صهیونیسم ، نه میخواهند که ما خط مشی نظری و عملی آزادی قدس را داشته باشیم و نه میخواهند که ما نفت ملی داشته باشیم ، چه این نفت در خدمت ملت قرار بگیرد و چه این نفت در خدمت آزادی قدس .

بعنوان نمونه ، کودتای امیرالایستی ۲۸ مرداد در ایران و کودتای معنی نفتی علیه عبدالکریم قاسم در عراق و همچنین بمباران مراکز نفتی و توطئه اخیر کاهش قیمت نفت علیه انقلاب اسلامی و امواج آن را میتوان برشمرد .

ب : " یا قدس ، یا نفت " : کمپانیهای نفتی میگویند : اگر قدس و صدور انقلاب را مطرح کنید ، از درآمد نفت محروم خواهید ماند و اگر درآمد نفت را میخواهید ، باید دست از خط مشی آزادی قدس و صدور انقلاب و تقویست نهضت های آزادی بخش بردارید . اگر کشورهای عرب نفت خیز ، قدس نمایی میکنند به این دلیل است که نمیخواهند توده هایشان علیه آنها قیام کرده و از سلطنت و امارت و درآمد نفت محرومشان سازند .

بعنوان مثال : آمریکا که در تسلیماتش ، نفت را یک کالای اقتصادی معرفی میکند ، دیدیم که چگونه نفت ایران را بعد از اشغال لانه جاسوسی و نفت لیبی را بعد از واقعه هواپیمایی رم - وین تحریم و باکوت کرد .

یک تحلیل گرامریکایی گفته : " نفت ریشه همه مسائل خاورمیانه است " چراکه درآمد نفتی صرف تروریسم ، جنگ و خرید سلاح علیه صهیونیسم میشود .

ج : هم قدس ، هم نفت - منتهی نفت در خدمت خط مشی آزادی قدس " نقطه نظر فوق خط انقلاب و خط امام است .

آزادی قدس ، عمل صالح زمان بوده و خط مشی انقلاب اسلامی و مستضعفین منطقه است .

اقتصاد اسلامی و واقعی ، " اقتصاد عمل صالح " است ، بدین طریق که اقتصاد و سیاست بایستی تابع عمل صالح زمان یعنی آزادی قدس باشد .

امتیازی که انقلاب اسلامی نسبت به سایر کشورهای عربی دارد این است که شعار آزادی قدس در ایران یک لفظ نیست ، بلکه از یک خط مشی سیاسی - نظامی یعنی آزادی قدس از طریق کربلا برخوردار است . در این خط مشی است که کارکنان صنعت نفت ما با جان برکفی زیر بمبارانها و بمباران میل امیرالایم نفت را صادر مینمایند .

در خط مشی فروش نفت بایستی میان طرفداران آزادی قدس و کشورهای که موجودیت اسرائیل را به رسمیت شناخته اند و کشورهای میان رو ، فرقه گذاشت تا اقتصاد تابع عمل صالح گردد .

با توجه به مقاله " در راه خودکفایی و قدس " همین شماره و سرمقاله " قدس و نفت " در شماره ۲۴ راه محاهد قادریم این شعار را به شعور تبدیل کرده و بدان خامه عمل بیوشانیم

**دشمنان انقلاب میگویند : قدس را هاکن تا درآمد نفت داشته باشی**

# رابطه فتوی و مبارزه

بسم رب الشهداء والصدیقین

یکی از معضلات فکری جامعه اسلامی ما وجود تفکری است که معتقد است برای مبارزه با کفر به فتوی حاکم شرع جامعه نیاز به مروجت می وجود دارد و اگر چنین فتوایی داده نشد مبارزه غیر شرعی و حرام خواهد بود، تا جائیکه بعضی به بنیاد نگذاران سازمان مجاهدین ایران میگردند که با چه مجوز شرعی با امیرالمؤمنین سلطنت درگیر شده اند و حالیکه امیرالمؤمنین سلطنت وابسته به دین، ناموس، فرهنگ و مخازن نفی ماتجا و زکریه و سالها به چپاول و غارت مشغول بودند و اسناد لانه جاسوسی موبد این مطلب میباشد.

چنین افراد بیخاطر اعتقاد به اسلام، به وجود وحی ایمان داشته و معتقدند در هر دوره ای از تاریخ پیامبرانی از طریق وحی با خدا ارتباط داشتند و چون همه انسانها از داشتن چنین رابطه ای محروم بودند و در این ارتباط محدودیتی وجود دارد، بعد از آخرین پیامبر وجود ولی فقیه برای جامعه لازم و قطعاً خواهد بود و اساس روابط جامعه بر مبنای تقلید از ولی فقیه استوار است، از آنجا که معتقدند رابطه ولایت فقیه با جامعه تنها از طریق رساله امکان پذیر میباشد، هر چیزی را به رساله مربوط مینمایند، مثلاً برای مبارزه با دشمن اعتقاد دارند که اگر فتوایی داده نشود باطل خواهد بود.

اگر دشمن بر بلاد مسلمانان و سرحدات آن هجوم نماید واجب است بر جمیع مسلمانان دفاع از آن به هر وسیله ای که امکان داشته باشد، از بدل جان و مال و در این امر احتیاج بر اذن حاکم شرع نیست.

ما برای حل ریشه فکری این اعتقاد به آموزشهای اما خمینی اکتفا نموده و این نکته را تذکر می شویم که برای شناخت امامت و پیروزی از او ابتدا باید آید ثلوثی ایشان را شناخته و سعی کنیم با شناخت واقعی آید ثلوثی و خط مشی امامت آید و در کنار ایشان باشیم.

اما خمینی در صفحه ۲۳ کتاب کشف الاسرار میگوید: قسم و از جنگا سلامی که بنام دفاع اسپرد شده و آن جنگیدن برای حفظ استقلال کشور و دفاع از جانباست، به هیچوجه مشروط به وجود امام یا نبی امام نیست و کسی از مجتهدین نگفته که دفاع را باید با امام یا جانشین آن کسب بلکه بر تمام افراد توده واجب است به حکم اسلام از کشور اسلامی محافظت کنند و استقلال آنرا بجا نماند.

اینک عبارت فقها در این موضوع (وقتی بجنب

المحاربه علی وجد الدفع من دون وجود الامام ولا منصوبه کان یکون بین قوم بخشیم عد و بخشی منه علی بیضه الاسلام او برید الاستیلا علی بلاد او اسرهم و اخذ مالهم) .

یعنی گاهی واجب شود جنگ بطور دفاعی و وجود امام منصوص از جانب او مثل آنکه انسان بین گروهی باشد که دشمن بر آنها حمله کند از آن دشمن بر کشور اسلامی بتسد یا آنکه بخواهد بر شهرهای اسلامی استیلا پیدا کند یا بخواهد مسلمانان را اسیر کند یا مال آنها را بگیرد در تمام این صورتها واجب است که مردم از کشور و جان و مال خود دفاع کنند و با جانب جنگ کنند.

در نهاله مطلب امام برای تأیید سخن خویش این آیات قرآن را ذکر میکنند: **و قاتلوا المشرکین کانهما یقاتلونکم کانهما یقتلونکم** و آخر جوهیم حیثما خرجوکم و قاتلوا فی سبیل اللہ الذین یقاتلونکم .

همچنین در رساله امام خمینی در باب دفاع مسائل مختلفی در همین رابطه مطرح شده است که به ذکر تعدادی از آن ها میپردازیم تا مشخص شود امام خود در این باره که مبارزه با دشمن به چه شکل باید باشد، چه تکلیفی را مشخص کرده اند.

اگر دشمن بر بلاد مسلمانان و سرحدات آن هجوم نماید، واجب است بر جمیع مسلمانان دفاع از آن به هر وسیله ای که امکان داشته باشد از بدل جان و مال و در این امر احتیاج به اذن حاکم شرع نیست.

اگر مسلمانان بترسند که جانب نقشه استیلا بر بلاد مسلمین را کشیده اند چه بد و واسطه باها و واسطه عمال خود از خارج یا داخل واجب

مبارزه با ظلم کیت امر فطری و ناشی از عدل طلبی انسان بوده و محدود و محدود بر هیچ حدی نمی باشد.

است دفاع از مالک اسلام کنند به هر وسیله ای که امکان داشته باشد.

اگر در داخل مالک اسلام نقشه هایی از طرف اجانب کشیده باشد که خوف آن باشد که تسلط بر مالک اسلام پیدا کنند، واجب است بر مسلمانان که با هر وسیله ای که ممکن است نقشه آنها را بهم بزنند و جلوگیری از توسعه نفوذ آنها کنند.

اگر بواسطه توسعه نفوذ سیاسی یا اقتصادی و تجاری اجانب خوف آن باشد که تسلط بر بلاد مسلمین پیدا کنند، واجب است بر مسلمانان دفاع به هر نحوی که ممکن است و قطعاً باید از جانب چه عمال داخل باشند یا خارجی.

اگر در روابط سیاسی بین دولتهای اسلامی و دول اجانب، خوف آن باشد که اجانب بر مالک اسلام، تسلط پیدا کنند، اگرچه تسلط سیاسی و اقتصاد باشد، لازم است بر مسلمانان که با این نحو روابط مخالفت کنند و دول اسلامی را الزام کنند به قطع این گونه روابط.

## دوره آزادی قدس

### وسیله هدف نگردد

قدس عمل صالح زمان: آزادی قدس، عمل صالح زمان و "نقطه وحدت تعالی بخش برای کلیه مستضعفان جهان" و "خط مشی اصل انقلاب اسلامی" میباشد.

شعار اثباتی و فراگیر: آزادی قدس ضمن اینکه یک شعار اثباتی است و نفی روابط صهیونیستی و امپریالیستی و ارتعاعی عرب را در بردارد. همچنین اصلت و فراگیری آن از هر شعاری بیشتر است.

شعار پر شعور: خط مشی آزادی قدس شعار پر شعور و لاینفک انقلاب و نظام جمهوری اسلامی میباشد، که کسی را برای مخالفت با آن نیست.

در متن زندگی مردم: بعد از ۶ سال که از انقلاب میگذرد، مردم در روز قدس (۲۵ رمضان ۶۴) نشان دادند که آرمان قدس همچنان طراوت خود را حفظ کرده و در متن زندگی مردم قرار دارد.

دور از قدس نمایی: راه رسیدن به قدس هم دور از لفاظی و قدس نمایی مشخص شده است.

#### "آزادی قدس از طریق کربلا"

مبادا وسیله بجای هدف: یک خطر در سر راه این شعار وجود دارد و آن اینکه مبادا در از آمدن وسیله جایگزین هدف گردد.

شعار آزادی قدس از طریق کربلا بقدری اصل است، که دشمن در مرحله شعار دادن آن نیز روی ما فشار میگذارد، بطوریکه هدف را فراموش کرده و وسیله را هدف قرار میدهد.

کربلا بجای قدس؟ گرچه آزادی کربلا بسیار عمل خونبار و مشکلی است و در برگیرنده سقوط بعث عراق میباشد ولی نباید، هدف ما و جایگزین آزادی قدس گردد. اگر آزادی کربلا هدف قرار گیرد، از آنجا که اصلت و فراگیری آزادی قدس را ندارد، ما ربه دام تضاد شیعه و سنی میان دزد که موجب سوء استفاده غربیها خواهد شد. بدین طریق که کشورهای اسلامی را به جان هم بیاندازند و اسرائیل از انظار عمومی محو گردد. اگر آزادی کربلا منتهای آزادی قدس در توده ها جا بیافتد، بالاخره در یکی از مراحل جنگ آزادی قدس به فراموشی سپرده خواهد شد.

نفت بجای کربلا و قدس؟ به یقین در سر راه آزادی قدس از طریق کربلا نفت راقطع کرده و مارا از عمده ترین درآمدمان محروم میسازد. ممکن است در این مسیر نیز آنقدر بر ما فشار بیاید که هم قدس و هم کربلا را فراموش کرده و هدف ما نفت و درآمد آن قرار بگیرد.

افول تدریجی در هدف: اگر به علت فشارهای زیاد دشمن بطور ناخود آگاه خدای ناکرده، هدفمان "امنیت و ثبات" نفت شود:

اولاً: شور و شوق و درجه داوطلبی ربه کاستی رفته و ثانیاً: پس از رسیدن به قله هدف محدودمان، محبوریم یک سیر افولی داشته باشیم.

البته باید توجه داشته باشیم که خط مشی جنگ برای نفت و علیه توطئه های نفتی، در این مرحله مترقی بوده، چراکه منظور از نفت در این خط، حفظ و اداره نظام اسلامی است که با کمپ دیوبند سر حنک دارد. ولی نیایستی هدف ما "جنگ برای نفت" باشد.

خط مشی صحیح: خط مشی صحیح این بوده و میباشد که "نفت وسیله ای است در خدمت جنگ، آن هم جنگی رها نبخش، رهایی قدس از طریق کربلا" امیدواریم که این مرحله بندی در خط مشی، صراط مستقیم و در جهت لقا خداوند قدوس باشد.

بنابراین مشخص میشود که مبارزه با ظلم یک امر فطری و ناشی از عدل طلبی انسان بوده و محدود و به هیچ حدی نمیشود، هر انسانی بر اساس رابطه مستقیمی که با خدا دارد، موظف است در جهت تحقق امر خدا قدم بگذارد، هیچ نیازی اصلت را از این نبود و هیچ حرکتی بجز حرکتی راین سمت نمیتواند رشد انسانها را تضمین نماید، سیر رشد و تکامل بسوی خدا تنها در راه مبارزه برای تحقق امر خدا امکان پذیر است و از آنجا که این مبارزه یک دنیا زوینک رسالت انسانی است، فتوی بر او نیست.

ای مرغ سحر، عشق زهروانه به ما موز کان سوخته را جان شد و آواز نیامد این مدعیان در ظلمش بی خبرانند آن را که خبر شد خبر باز نیامد

## دفاع به هیچوجه مشروط به وجود امام و یا نائب امام نیست

# شیوه‌های اصولی دکتر مصدق

## قسمت اول

انگیزه نگارش:

اول- نشان دادن پیونده نهضت ملی با انقلاب اسلامی

هر انقلابی در طول تاریخ دربرگیرنده انقلابات گذشته بوده است و به دلیل همین دربرگیرندگی اش به دستاورد های برتری دست یافته و درمداری بالاتر حرکات استقلال طلبانه قبلی را استوار کرده است مثلاً یکی از دستاوردهای انقلاب مشروطه و دادن حق اعمال حاکمیت به مردم از طریق مجلس بود و سالها بعد با اتکا به همین دستاورد بود که نهضت ملی به ثمر رسید و مردم از طریق مجلس توانستند قانون ملی کردن نفت را تصویب رسانند و با استعمار انگلیس درگیر شوند.

انقلاب مشروطه حرکت خودکامانه و استبدادی حکومت سلطنتی را مشروط و محدود نمود... نهضت ملی با حکومت سلطنتی و استعمار انگلیس درگیر شد... و انقلاب اسلامی حکومت سلطنتی را ساقط کرد بنابراین هر کدام از این انقلابات مراتب از مبارزه ضد استعمار و ضد استبداد را دارا بوده و یک پیکر واحد را در حرکت استقلال طلبانه مردم تشکیل میدهند. البته انقلاب اسلامی مرتبه‌ای بالاتر را دارا استوارزشیای بالاتری را مطرح کرده است.

قصداً در این مقاله نشان دادن پیوند نهضت ملی با انقلاب اسلامی در روزگماهی چون "موازنه منفی" (نه شرقی، نه غربی) ۳۳ استقلال آزادی ۳۴ اقتصاد خودکفا و غیرمتکی به نفت و... میباشد. امید است از این طریق بتوانیم از تجربیات نهضت ملی کمک گرفته و با همت گوی از تاریخ به قابل تحقق بودن اصول انقلاب ایران بیاوریم و نتوانیم که اقتصاد غیرمتکی به درآمد نفت (اقتصاد قدس) قابل تحقق نیست و نتوانیم که نهضت ملی یک قیام ملی بود و انقلاب ما اسلامی است بنابراین از یک قیام ملی نمیشود عبرت گرفت.

دوم- مرز بندی با ناسیونالیسم مکتبی و لیبرالیسم

پس از پیروزی انقلاب اسلامی عناصر وابسته ای چون دکتر امینی و مختار و محمد ها بنی صدر با منتسب کردن خود به دکتر مصدق و ادعای ملی گرائی کردن میخواستند پشت سپر دفاع از دکتر مصدق، شیوه‌های لیبرالی خود را تثبیت نمایند و مردم را که برای دکتر مصدق به عنوان یک عنصر استقلال طلب ارزش قائل بودند، ساده‌اندیش نموده و از اما مخمینی و عمل صالح زمانشان جدا نمایند تا بدین وسیله حاکمیت خودشان را تثبیت کنند. متأسفانه سادگانندیشی عده‌ای از نیروهای انقلاب باعث شد که برای مقابله با این عناصر نهضت دکتر مصدق بهرود از بند و در نتیجه مرزناسیونالیسم مکتبی و لیبرالیسم را مخدوش و شرک کنند. با ماخذ و تر شدن چهره و دکتر مصدق، فرصت طلبان و عناصر کج‌فیتی که سابقه ضد مصدق داشتند و کودتای آمریکایی - انگلیسی ۲۸ مرداد را تائید کرده بودند پروبال پیدا کردند. این عناصر با استفاده از کوبیدن دکتر مصدق، مشروطیت پیدا نمودند و بعضی از شیوه‌های غیراصولی خود را در انقلاب رایج کردند. این شیوه‌ها بزرگترین خدمت راه تروریسم و انفعال عده‌ای از نیروهای انقلاب نموده است. بنابراین مرز بندی بین ناسیونالیسم مکتبی و لیبرالیسم، پیوند نهضت ملی با انقلاب اسلامی را آشکارتر خواهد نمود.

جوهر شعار ناسیونالیسمی که در نهضت ملی داده میشد استقلال و سعادت ملت‌هاست از بیخ اسارت استعمار بود و از آنجا که استعمار بیشترین حضور را در شرکت نفت داشت این ناسیونالیسم، شعار ملی کردن صنعت نفت جلوه‌گر شد.

فطرت استقلال طلب مردم مجله‌های از صفت صد پت پروردگارا است. هر جریانی که نتواند به فطرت استقلال طلب و عدل طلب مردم توجه کند نمیتواند مردم را بسیج نماید. رمز بسیج مردم در عمل صالح ملی کردن صنعت نفت، پاسخ گویی به فطرت استقلال طلبانه مردم بود که به آن ناسیونالیسم مکتبی میگوئیم.

جوهر ناسیونالیسم مکتبی، استقلال طلبی و موازنه منفی (نه شرقی، نه غربی) است ولی جوهر لیبرالیسم اتکا به یکی از قدرتها یا خارجی بجای اتکا به مردم میباشد (موازنه مثبت) یک حکومت لیبرالی چون فاقد پشتوانه مردمی میباشد مجبور است برای ادامه حکومتش به کشورهای خارجی تکیه کند.

دکتر مصدق در مورد ناسیونالیسم مکتبی میگوید: آنها این که خواهان آزادی و استقلال ایرانند خواه شاه باشد خواه گدا، باید همه چیز خود را

باتوجه به این توطئه، مبارزه ضد سلطنت در آن مقطع در شعار "شاه باید سلطنت کند نه حکومت" جریان داشت زیرا این شعارها حاکمیت شاه بر سه قوه که برخلاف قانون مشروطه نیز بود درگیر می‌شد و در صورت سلب حاکمیت از شاه می‌توانست شاه را به یک عنصر تشریفاتی تبدیل نماید که با تابع چنین شاهسی برای استعمار نمیتوانست به عنوان یک پایگاه استراتژیک محسوب گردد بنابراین شعار فوق بهترین درگیری را با استعمار انگلیس و استبداد سلطنتی داشته و در پیوند با انقلاب مشروطه بود قضیه ۹ اسفند (توطئه ترور دکتر مصدق) و ۲۰ و ۲۸ مرداد نیز تجلی این مبارزه ضد سلطنت بر حوم مصدق بود چنانکه یکی از بزرگترین اتهامات دکتر مصدق نیز در ادگانه نظامی، مبارزه وی علیه سلطنت محسوب میشود چنانچه تیمسار آزمود در استان نظامی ارتش میگوید: "مصدق (مصدق) از آن پس (بعد از ۲۵ مرداد) طغیان نمود به بدین منظور که اساس حکومت و تخت و تاج را با تحریک مردم به مسلح شدن برضد قدرت سلطنت به هم زد که بهاری خداوند قادر متعال و مسدود ارواح طیبه اولیای اسلام با غیرت و فدائیکاری‌های میهن پرست و شاه دست تهران و همه مردم کشور و انجام وظیفه و جانفداری ارتش در حفظ تاج و تخت سلطنت مواجه میشود و در نتیجه رستاخیز روز چهارشنبه ۲۸ مرداد ۱۳۳۲... خانه‌ها خانه‌های به گریزی زند..."

(مصدق در محکمه نظامی ص ۲۷)

"شهم هستم در سوء قصدی که منظور آن به هم زدن اساس حکومت و ترتیب وراثت تخت و تاج و تحریک مردم به مسلح شدن برضد قدرت سلطنت است همگاری داشته‌اید هرگونه قاضی دارید به نام آخرین دفاع بمان نمانید..."

(مصدق در محکمه نظامی ص ۴)

مبارزه ضد سلطنت در آن مقطع با تکیه بر قانون اساسی به عنوان پشتوانه شعار "شاه باید سلطنت کند نه حکومت" امکان پذیر بود به همین خاطر دکتر مصدق از موضع دفاع از قانون اساسی بارزیم سلطنتی درگیر شد.

"... به موجب قانون اساسی سلطنت مشروطه ایران، شاه در هیچ یک از امور مملکت شخصاً حق و اختیار اقدام ندارد..."

(از قاضیات دکتر مصدق در محکمه نظامی ص ۱۴۲)

"... اگر بنا بود که پادشاه هر وقت خواست وزیر را عزل یا نصب نماید، مشروطیت معنا و مفهومی پیدا نمیکرد و این همان کاری است که قبل از مشروطیه هم سلاطین استبداد می‌کردند..."

(مصدق در محکمه نظامی ص ۹)

امام خمینی نیز در رسال ۴۲ از موضع قانون اساسی ای که شاه را محدود به سلطنت میکرد و دست او را در حکومت می‌بست بارزیم سلطنتی درگیر میشوند.

"... این قانون اساسی ما ست آن را میان من گذاریم به قانون اساسی عمل کنید اگر ما حرفی زدیم... به این متمم قانون اساسی عمل کنید که علما اسلام در صد مشروطیت برای گرفتن آن و رفع اسارت ملت جان دادند شما بنشینید به این قانون اساسی عمل کنید..."

"سخنرانی امام پس از آزادی و بازگشت از تهران ۲ ذیحجه ۱۳۳۲"

برای ایران بخواهند و با بودن یک ایران از انبوه مستقل، یک زندگی شرافتمندانه ای را طی کنند" "مصدق در محکمه نظامی ص ۳۱" در سال ۳۰۴ طی نطقی در مجلس میگوید "... اگر یک چیزی برخلاف مصالح مملکت به عقل ناقص خود مپیچیم خود را ناچار میبینیم برای حفظ مملکت، و حفظ قومیت و بقای اسلامیت از اظهار عقیده خود در این نکت..."

"مصدق و نطق‌های تاریخی او ص ۲۸"

سوم- مصدق ضد سلطنت یا مصدق السلطنه

پس از پیروزی انقلاب اسلامی و سرنگونی رژیم سلطنتی، عده‌ای برای مخدوش کردن چهره نهضت ملی سعی در مخدوش کردن چهره مرحوم مصدق که یکی از مظاهرنهضت ملی بود نمودند. چون مبارزه ضد سلطنت یک ارزش در بین مردم نبود بنابراین مغرضانه مصدق را دستار سلطنت (مصدق السلطنه) معرفی میکردند حتی اسناد باصطلاح فراماسون بودن مصدق را پخش مینمودند در صورتی که دکتر مصدق در زمان خود بیشترین درگیری را با رژیم سلطنتی داشت به طوری که شاه و دربار نتوانستند ویرا تحمل کنند و با یک طرح آمریکایی - انگلیسی علیه حکومت ملی کودتا کردند. در آن شرایط نیروهای میانه رو در جنبه ملی سلطنت شاه را قانونی و محترم میدانستند و کمتر نیرویی بود که از موضع مبارزه با استعمار انگلیس و موازنه منفی (نه شرقی، نه غربی) با سلطنت درگیر شود.

پس از انقلاب مشروطه، استعمار انگلیس برای ادامه چپا و لگزش احتیاج به یک دولت مرکزی قوی داشت از طرفی یکی از دستاوردهای انقلاب مشروطه دادن حق اعمال حاکمیت به مردم از طریق مجلس بود و این مجلس میتواند موی دماغ استعمار باشد به همین خاطر کودتای ۱۲۹۹ وقوع پیوست و دیکتاتوری رضا خانسی با زیرپا گذاردن قانون اساسی مشروطه، بر سه قوه مقننه و قضائیه و مجریه حاکمیت پیدا کرد. پس از سقوط دیکتاتوری رضا خان پسرش محمد رضا پهلوی قصد داشت در ادامه غسوط پدرش دستاورد های مشروطه را زیرپا گذارد و حاکمیت مطلق العنانی بر سه قوه داشته باشد تا دستش در خدمت به منافع اجنبی باز باشد. تشکیل مجلس موسسان توسط شاه در دوران حاکمیت ملی نیز در این راستا بود که شاه حق انحلال مجلسین و حق و حق عزل و نصب نخست وزیر را میداد.

اگر یک چیزی برخلاف مصالح مملکت به عقل خودم می بینم خودم را ناچار می بینم برای حفظ قومیت و بقای اسلامیت از اظهار عقیده خود داری بگم

دکتر مصدق

پس از قیام ۱۵ خرداد ۴۲ شاه آنقدر اقبال کرد که استقلال کشور جز با سقوط سلطنت امکانپذیر نبود بنابراین شعار "مرگ پسر شاه" جای شعار "شاه باید سلطنت کند نه حکومت" را گرفت در این پروسه عده‌ای با علم کردن شعار "شاه باید سلطنت کند نه حکومت" میخواستند جلوی سقوط سلطنت را بگیرند چنانچه در سال ۵۷ نیز عده‌ای این شعار را میدادند همین تشابه شعار این عده با شعاری که دکتر مصدق در زمان نهضت ملی با امام خمینی در سال ۴۱ عنوان میکردند باعث گردید که عده‌ای از نیروها از موضع ساده‌اندیشی بین نیروهای سلطنت طلبی چون بختیار و دکتر مصدق ضد سلطنت مرزبندی قائل نشده و مصدق را نیز سلطنت طلب بدانند در صورتی که شعار "شاه باید سلطنت کند نه حکومت" قبل از ۱۵ خرداد در تضاد بنیادی با رژیم سلطنتی بود که پس از ۱۵ خرداد جای خود را به شعار "مرگ پسر شاه" داد.

قصه ما در این مقاله مطلق کردن شخصیت دکتر مصدق نیست بلکه نشان دادن شیوه‌های مکتبی‌ای است که در نهضت ملی اعمال شده است. در برخورد با شخصیت دکتر مصدق ملاکمان اصول و ارزشهای نهضت ملی میباشد و هر شخصیت و جریان به درجه‌ای که این شیوه‌های مکتبی را بکار بندد شخصیت یا جریانی مکتبی است. چون دکتر مصدق به این شیوه‌ها پایبند بود علی‌رغم بعضی ضعفها و ساده‌اندیشی‌هایی که به توطئه‌های شاه داشت وی را عنصری مسلمان و مکتبی میدانیم ولی حکومت کودتا که در تضاد بنیادی با این شیوه‌های مکتبی بود و از طرفی نمیتوانست آشکارا جلوی این شیوه‌ها موضع بگیرد با چهره مسلمان‌نمایی به مصدق مارک نامسلمان میزد تا خزندگی و کفرش را بپوشاند چنانچه در این رابطه تیمسار آزموده میگوید:

"... رویه و نحوه انجام وظیفه شخص غیر نظامی ردیف یک بالا (دکتر مصدق) بر اساس متزلزل ساختن قانون اساسی و سمت کردن ایمان و اعتقاد مردم از مذاهب رسمی کشور یعنی مذهب اسلام و طریقه حقه جعفریه اثنی عشریه و عدم رعایت قوانین عادی کشور بوده است..."

(مصدق در محکمه نظامی ص ۴۷)

این اتهامات نامسلمانی تا جایی است که دکتر مصدق چندین بار در دادگاه اقرار به اسلام خود میکند.

"من در این دادگاه اقرار میکنم که مسلمان و شیعه اثنی عشری هستم مسلک من مسلک حضرت سید الشهدا است یعنی آنجایی که حق در کار باشد با هر قوه‌ای مخالفت میکنم از همه چیزم می‌گذرم نه زن دارم، نه پسر دارم، نه دختر دارم، هیچ چیز ندارم مگر وطنم را در جلو چشمم لازم (در این موقع دکتر مصدق به گریه افتاد) رسول اگر فرموده است "قم فاستقم یا است" مقاومت کن... حالا من پیروی از مولای خودم را که در سایه گرفته‌ام می‌کنم تا نفس دارم در نیال عقیده صحیح خود هستم."

(ازد فاعیات دکتر مصدق در محکمه نظامی ص ۴۱۳)

در دوره ششموکلا راقم میداند و قسار بود در هر جلسه ده نفر وکیل قسم بخورند... در دوره ششم گفتند دکتر مصدق چند جلسه است نیامده، باید قسم بخورد گفتم جلسه دیگر امروز عذر دارم، جلسه دیگر شامیل حضرت امیر را بردم و گفتم من به این پادشاه اسلام قسم می‌خورم... (ازد فاعیات دکتر مصدق در محکمه نظامی ص ۱۲۷)

بوده و با حرکت روبرو شد مردم نیاز به تغییر و تحول خواهد داشت که پیش‌بینی مصم در قانون اساسی به همین منظور است اگر تحول قانون اساسی تابعی از تحولات روه رشد انقلاب نباشد همین قانون اساسی و اصول انقلاب در مراحل از حرکت انقلاب تضاد ایجاد گردد حل این تضاد باید به نحوی باشد که قانون اساسی را پامال کند و نه اصول انقلاب را، زیرا اگر قانون اساسی زیر پا گذاشته شود از

رمز بسیج مردم در عمل صالح ملی کردن صنعت نفت، پاسخ گویی به فطرت استقلال طلبانه مردم بود که به آن ناسیونالیسم مکتبی می‌گوئیم.

چهارم - چرا می‌گوئیم شیوه‌های مکتبی دکتر مصدق

یکی از صفات خدا صمدیت و عدالت است و از آنجا که پدیده‌ها عین ربط و نیاز به خدا و صفاتش میباشند استقلال طلبی و عدل طلبی و طلب سایر صفات خدا فطری انسانهاست و مکتب اسلام نیز با ارائه شیوه‌های مکتبی در جهت پاسخ گویی به این فطرت خداجوی انسانها میباشد.

بنابراین هر جریان و شخصیتی که شیوه‌های مکتبی در جهت پاسخ گویی به فطرت استقلال طلب و عدل طلب مردم باشد جریانی مکتبی محسوب میشود و ملاک مکتبی بودن شکل و شمایل و ادعاهای اسلامی داشتن نیست چرا که با این ملاک بین خوارچ و امام علی نمیتوانیم قضاوت کنیم بلکه ملاک مکتبی بودن، پاسخ گویی به نیازهای فطری مردم در جهت کسب استقلال و عدالت... می‌باشد و از آنجایی که حرکت مرحوم مصدق نیز در این راستا بود شیوه‌های مکتبی من دانیم. در این مقاله به تعدادی از این شیوه‌های مکتبی اشاره می‌کنیم.

۱) شیوه حل تضاد اصول انقلاب و قانون اساسی

یکی از ویژگیهای دکتر مصدق این بود که سعی میکرد در تصمیم گیریها از قانون اساسی عدول نکند و حرکاتش قانونی باشد از طرف دیگر به قانون اساسی بعنوان وسیله‌ای جهت پیشبرد مبارزه ضد استعماری و نیل به استقلال نگاه میکرد و از این موضع به قانون بهامیداری از آنجا که قانون اساسی تنزل یافته اصول و ارزشهای انقلاب (نهضت) در مقاطع خاصی میباشد به همین خاطر امری نسبی و محدود

هر موضوعی که باشد صرف زیر پا گذاری قانون در انقلاب سنت شده و این سنت به حرکتیهای ضد قانونی و غیر قانونی نجات خواهد بخشید و از آنجا که عناصر توطئه گریها قانون اساسی انقلاب نیز تضاد دارند در ستشان در مبارزه با ارزشهای از انقلاب که جلوه‌ای از آن در قانون اساسی نیز آمده باز خواهد شد بنابراین حفظ قانون اساسی از طرف دیگر اگر اصولی از انقلاب فدای حفظ قانون اساسی شود عدم انجامهای قانون اساسی حل نشده و ترمزی در برابر حرکت رو به رشد انقلاب خواهد بود.

یکی از تضادهای نهضت ملی نیز همین تضاد بین اصول نهضت و قانون اساسی بود شیوه‌ای که دکتر مصدق برای حل این تضاد داشت این بود که با اصلت به اصول نهضت ملی (استقلال و آزادی و موازنه عدلی و... ) برخورد تعالی بخش با قانون اساسی میکرد یعنی نه قانون اساسی را زیر پا میگذاشت و نه اصول نهضت را، بلکه باتکیه بر اصول نهضت ملی، به ارزشهای مثبت قانون اساسی، توجه مینمود و به وسیله مصم و با تغییر یک ماده عدم انجامهای آنرا بر طرف میکرد تا بدین طریق قانون اساسی را به تبع اصول نهضت تحول کرده و بطور مستقیم اصول نهضت را وارد قانون اساسی نماید. به این شیوه "تشبیه تدریجی و مستمر اصول نهضت در نظام" می‌گوئیم که نظام را دائم نهضت‌تر کرده و مانع جدایی نظام از نهضت که یکی از افتات هر انقلابی است خواهد شد بدین طریق نهضت دارای پشتوانه قانونی نیز شد و این تضاد که فلان کارو تصمیم گیری قانونی است ولی انقلابی نیست و یا

انقلابی است ولی قانونی نیست به بهترین نحو حل خواهد شد.

در زمان نخست وزیری دکتر مصدق مجلس موسسان قانونی را تصویب کرده بود که طبق آن به شاه حق انحلال مجلس یا مجلسین، حقیقتی و لویج مجلس و حق عزل و نصب وزرا داده میشد. همین تصمیم گیری مبنای ظاهراً قانونی‌ای برای عزل دکتر مصدق از نخست

وزیری توسط شاه در ۲۵ مرداد شد که بعد نهالتر کودتای ۲۸ مرداد به وقوم پیوستست مجلس موسسان در این تصمیم گیری به اصل ۵۱ (اعلان جنگ و عقد صلح با پادشاه است) و مصم اصل ۵۰ (فرمانفرمای کل قشون بری و بحری باشخص پادشاه است) و اصل ۴۶ قانون اساسی (عزل و نصب وزرا به موجب فرمان همایون پادشاه است) تکیه میکرد. و رژیم کودتا نیز حرکت دکتر مصدق را به دلیل اینکه زیر بار فرمان شاه در ۲۵ مرداد نرفته است حرکتی در جهت پامال کردن قانون اساسی مینامید.

برخورد دکتر مصدق با این تصمیم گیری مجلس موسسان که ظاهراً پشتوانه‌ای در قانون اساسی نیز داشت دارای دو وجه قانونی و انقلابی بود وجه انقلابی اش این بود که نهضت مشروطه را مبنای قرار میداد و تصمیم گیری مجلس موسسان را زیر پا گذاری اصول انقلاب مشروطه میدانست زیرا که یکی از دستاوردهای انقلاب مشروطه اعمال حاکمیت مردم از طریق مجلس بود و این تصمیم مجلس موسسان از طریق اختیاری که به شاه داده بود حق هر نوع تصمیم گیری مجلس را منوط به اجازه شاه میکرد و این خود بازگشت به دیکتاتوری و زیر پا گذاری دستاوردهای انقلاب مشروطه بود.

وجه قانونی اش این بود که باتکیه بر مواد ۱۰۱ و ۱۰۲ قانون اساسی که در روحیت با اصول نهضت ملی بود عدم انجام سایر اصولش را که پشتوانه تصمیم گیری مجلس موسسان، شده بود حل میکرد یعنی برای تحول قانون اساسی در جهت انجام بیشتر با اصول نهضت ملی، به سرخوردن تعالی بخش با قانون اساسی میکرد (تکیه بر اصول انقلابی قانون اساسی و حیل عدم انجام بعضی از مواد آن).

برای روشتر شدن این شیوه اشاراتی به فاعیات دکتر مصدق در دادگاه نظامی میکنیم اگر بنا بود که پادشاه هر وقت خواست وزیر را عزل و نصب نماید مشروطیت معنا و مفهوم پیدا نمیکرد و این همان کاریست که قبل از مشروطیت هم سلاطین استبداد میکردند چنانچه به اصل ۴۴ مصم قانون اساسی وقت و توجه کنند معلوم میشود این اصل که در جمله اول خود میگوید "شخص پادشاه از مسئولیت مبری است" و در جمله ثانی که "وزرای دولت در هرگونه امور مسئول مجلسین هستند" وزیر را مسئول مجلسین نموده است چنانچه غیر از این بود یعنی پادشاه در امور مملکت دخالت میکرد و مسئول هم نبود مشروطیت وجود پیدا نمیکرد و اگر دخالت میکرد مسئول هم بود. هر شخص مسئول که کاری برخلاف وظیفه و مقررات نمود باید مورد پرسش و مواخذه واقع شود و این باید اصل کلی که مقام سلطنت مقامی است ثابت، مخالف و برخلاف مصالح و منافع شخص پادشاه هم بود به همین جهت است که گفته اند "شاه باید سلطنت کند نه حکومت" بنابراین وزیر مسئول مجلسین هستند که هر وقت کاری برخلاف قانون یا مصالح مملکت بکنند مجلسین آنها را استیضاح کنند و دولت را ساقط نمایند... در دوره نضرت یعنی فاصله بین مجلسی که مدت قانونی آن منقضی شده و مجلسی که باید بعداً افتتاح شود اگر نخست وزیری دچار مشکلات سیاسی میشد و خارجی‌ها فشار می‌آوردند و

من به نهضتی که ملت ایران برپا کرده بود آنجا کردم و در همه جا دولت انگلیس را مغلوب نمودم دکتر مصدق

بنام خدای شهیدان

ضرورت نگارش

با آزادی خونین شهر، مرحله دوم از جنگ سرنوشت ساز اسلام و کفر آغاز شد. ویژگی این مرحله آزادی کربلا و سقوط رژیم کمپ - د یودی حاکم بر عراق است. در این مرحله درجه رشد و قیامگری مردم عراق عامل اصلی و تعیین کننده در مورد نوع درگیری با ارتش بعث و میزان ورود رزمندگان اسلام به خاک عراق میباشد. چراکه اصلی ترین ملاک مرحله کربلایی جنگ و اصلی ترین هدفی که انقلاب اسلامی در این مرحله دنبال میکند، انقلاب و تحول درونی ملت مستضعف عراق بوده و این خط مشی توسط امام و آیت اله العظمی منتظری بارها مطرح گردیده است. با گذشت دو سال و نیم از شروع مرحله کربلایی جنگ و علیرغم توجه برخی مسئولین امر به این مسئله، میبینیم که تحول چشمگیری در جهت پیروزی ملت عراق صورت نگرفته و ظاهراً مجلس اعلاى انقلاب اسلامی عراق نیز نتوانسته آنچنان که باید و شاید به وظیفه و هدف انقلابی خود جامه عمل بپوشاند. نظر میرسد ریشه این امر در مشخص نبودن خط مشی مرحله ای انقلاب اسلامی عراق باشد. لذا برآن شدیم که با الهام از رهنمود - های ارزنده امام خمینی، به بررسی مختصر خط مشی های مطرح در گروهها و جریانات مبارز عراقی بپردازیم. باشد تا در جهت دستیابی به خط مشی واقعی و درست، کمکی کوچک به مبارزین عراقی نموده باشیم. بامید آنکه رزمندگان و صاحب نظران انقلاب اسلامی عراق ما را از راهنمایی های خود بی بهره نگذارند.

### خط امام:

## 'قیام ضعیف'

### نیاز مرحله ای انقلاب عراق

اسلامی عراق استفاده نمایند. با اینحال واقعیت موجود نشان میدهد که فعالیت گروههای عراقی عمدتاً تابعی از خط عملیاتی رزمندگان ایرانی است و متأسفانه کمتر ابتکار عمل بخرج میدهند. اگر بخواهیم دلیل این امر را ریشه یابی نمائیم باید بررسی کنیم که خط مشی گروههای مبارز عراقی مبتنی بر چه دیدگاهی است؟

#### ریشه یابی دو خط مشی فرهنگی و نظامی

دیدگاهی در بعضی مبارزین عراقی و حتی بعضی از مسئولین و افراد صاحب نظر جمهوری اسلامی وجود دارد که میگویند: "تجربه نشان داده است که ملت عراق به این زود یها اهل قیام نیستند". این دیدگاه گاهی به این صورت تکمیل میگردد که مردم عراق را افرادی رفاه طلب و غیر انقلابی دانسته و آنها را قابل مقایسه با ملت انقلابی ایران نمیداند. البته معتقدین به این نظریه حقایق بسیاری را نیز جهت اثبات آن مثال آورده و در انتها از امید بستن به قیام مردم عراق مایوس میگرددند. آنها میگویند که سالها و بلکه دهها سال وقت لازم است تا تحول فرهنگی در مردم عراق ایجاد

این جریانات در درجه اول به نقض رزمندگان ایرانی در پیروزی انقلاب اسلامی عراق بهادارده و در درجه بعد قیام ملت عراق را در نظر میاورند.

#### نقد خط مشی نظامی

در عین ارزش والای مبارزات این گروهها و هسته های انقلابی، علیرغم صداقت و خلوص بسیاری از آنها، نقضی که در خط مشی شان بچشم می خورد این است که به نقش جوهری خود در تحول ملت و انقلاب درونی مردم عراق توجه نمی کنند، لذا

به این خط مشی میگویند تا تحول فرهنگی در مردم عراق ایجاد نگردد، نمیتوان انتظار تحول سیاسی و اجتماعی را داشت. لذا روی اموری مثل تبلیغات، آموزشهای آیدئولوژی، سیاسی، و حد اکثر افشاکگری و نیرو میگذارند. در این طیف عده ای هر گونه عمل نظامی را نیز بیفایده دانسته، و حتی گاهی باعث وخیم تر شدن اوضاع میدانند. این عده حتی مبارزه رزمندگان اسلام برای آزادی کربلا را قبل از مبارزه فرهنگی در میان مردم بیفایده میدانند. البته قابل ذکر است که در این طیف عده ای نیز ضمن مخالفت نکردن با مبارزه مسلحانه، آنرا چاره در ملت عراق نمیدانند و برای مبارزه فرهنگی اهمیت بیشتری قائل میشوند.

#### خط مشی نظامی

معتقدین به این خط مشی میگویند که در مرحله افشاکگری و... طی شده است و وظیفه هر مسلمان، قیام و جهاد علیه رژیم طاغوت کافر صدام است. لذا با تشکیل در هسته های خود جوش و گروههای انقلابی مشغول مبارزه مسلحانه علیه رژیم بعث عراق هستند و اخبار حماسه های این جریان هر روز به گوشمان میرسد. ولی متأسفانه معتقدین شناخته شده مبارزه مسلحانه

گروههای مبارز عراقی باید توجه داشته باشند که انتظار اینکه انقلاب اسلامی ایران رژیم صدام را ساقط کرده و زمام امور را بدست انقلابیون عراق دهد انتظاری بحایی نیست و منافع دراز مدت انقلاب عراق نیز آن را ایجاب نمیکند.

شده و زمینه برای انقلاب مردمی آماده گردد. این دیدگاه در واقع ریشه دو خط مشی ذکر شده است. خط مشی فرهنگی با این دیدگاه به این جمع بندی میرسد که هرگونه مبارزه مسلحانه و نظامی، در حالی که مردم هنوز تحول فرهنگی نیافته اند، بیپایه است. خط مشی نظامی نیز علیرغم مبارز بودن و جان برکفی، با این دیدگاه به جمع بندی متفاوتی میرسد و مطرح میکند که گرچه عمل مسلحانه تنها راه ضربه زدن به حزب بعث عطفی است، اما منجر به قیام مردم عراق نمیکرد. لذا، نباید به قیام مردمی امید بست، و باید عمل مسلحانه را تابع خط مشی و حملات نظامی ایران انجام داد. این جریان معتقد است که راه منحصر بفرد سقوط حزب بعث حاکم بر عراق همین راه است.

#### آیا دیدگاه فوق صحیح است؟

همانگونه که متذکر شدیم، صاحبان این دیدگاه جهت اثبات نظریاتشان به بعضی واقعیتها نظیر گسترش طبقه مرفه، اختناق حاکم بر عراق، و سرکوب خانوادگی، و بیابافت عشیره ای و ناسیونالیسم قبیلسمهای و نژادی در عراق و... استناد کرده و قیام مردم عراق را بعید و غیر محتمل ارزیابی میکنند.

سؤالی که مطرح میشود اینست که آیا حقایق فوق اصالت دارد و ویژگی پایدار ملت عراق است؟ و یا حقایق فوق ویژگی پایدار ملت عراق نبوده بلکه تحت شرایط خاص تاریخی و اجتماعی بر ملت عراق تحمیل شده است؟

بد نبال خط مشی مستقلی که متضمن شکوفایی و پیروزی انقلاب در درون عراق باشد نمیروند. در عوض آنها چشم امید به پیروزی جمهوری اسلامی بسته اند و در این راه نیز از بذل نیرو دریغ ندارند.

این گروهها باید به این امر توجه کنند که انتظار اینکه انقلاب اسلامی ایران رژیم صدام را ساقط کرده و زمام امور را بدست انقلابیون عراقی بدهد انتظاری بحایی نیست و منافع دراز مدت انقلاب عراق نیز آنرا ایجاب نمیکند. چراکه انقلاب سیاسی و اجتماعی یک واقعه خلق الساعه نیست که یکباره با سقوط رژیم طاغوتی گذشته اتفاق بیافتد و خود بخود تمام شئون اجتماعی دیگر را متحول سازد. بلکه انقلاب یک تحول مستمر و پویا است که تنها با انقلاب و تحول درونی ملت تحقق می یابد و با استمرار حرکت انقلابی و انقلاب در انقلاب (۱) موجودیت آن حفظ میگردد.

پیروزی ۲۲ بهمن در ایران نیز حاصل دهها سال شهادت و ایثار انقلابیون و نتیجه تحول درونی و جوهری ملت مسلمان ایران بود. بقول امام وقتی همه مردم گفتند که شاه باید برود، شاه رفت و انقلاب پیروز شد. یعنی وقتی انقلاب همه مردم را متحول کرد، در بعد سیاسی نیز به پیروزی رسید. گروههای مبارز و انقلابی عراقی باید بعنوان جوهر فعال انقلاب عراق عمل کنند تا با شکوفایی مردم عراق، حرکتی ذاتی و جوهری در عراق شکل گرفته و با متحول شدن جامعه، رژیم بعثی عراق ساقط شود. در این حالت آنها میتوانند به بهترین وجهی از نیروی رزمندگان مادر جهت پیروزی انقلاب

دو خط مشی میان مبارزین عراقی:  
الف) خط مشی که عمدتاً به لزوم مبارزه فرهنگی در عراق اعتقاد دارد.  
ب) خط مشی که عمدتاً راه حل انقلاب عراق را نظامی دانسته و به مبارزه مسلحانه علیه حزب بعث اعتقاد دارد.

عمدتاً دارای خط مشی مرحله بندی شده نیستند. عده ای از معتقدین به این خط مشی جلائی وطن کرده و مبارزه مسلحانه علیه صدامیان را در جنبه های جنگ و در کنار رزمندگان ایرانی دنبال میکنند. گروههای شناخته شده داخل عراق هم عمدتاً همانک با عملیات نظامی جمهوری اسلامی (در جنگ علیه ارتش بعث) عمل میکنند. همهمانک با نیاز درونی انقلاب عراق. این گروهها تاکنون خدمات ارزنده ای به انقلاب کرده و توطئه های زیادی از قبیل تشکیل کفرانس های بین المللی در بغداد و... در یگرتوطئه های رژیم بعث را با تبلیغات سیاسی و عملیات ایثارگرانه خود خنثی نموده اند و امید دارند که عملیات آنها در درجه اول به پیروزی رزمندگان ایرانی کمک کند و از این طریق حکومت اسلامی را در عراق حاکم سازند.

#### دو نوع خط مشی در مبارزین عراقی

در شرایط فعلی دو خط مشی در میان مبارزین عراقی وجود دارد:  
الف) خط مشی که عمدتاً به لزوم مبارزه فرهنگی در عراق اعتقاد دارد.  
ب) خط مشی که عمدتاً راه حل انقلاب عراق را نظامی دانسته و به مبارزه مسلحانه علیه حزب بعث اعتقاد دارد.

#### خط مشی فرهنگ

این خط مشی اعتقاد دارد که فاز مبارزه در عراق فعلاً فاز فرهنگی است. معتقدین

صدام لب جهنم واقع شده است و محتاج به یک قیام است در عراق، ولو قیامی ضعیف امام خمینی

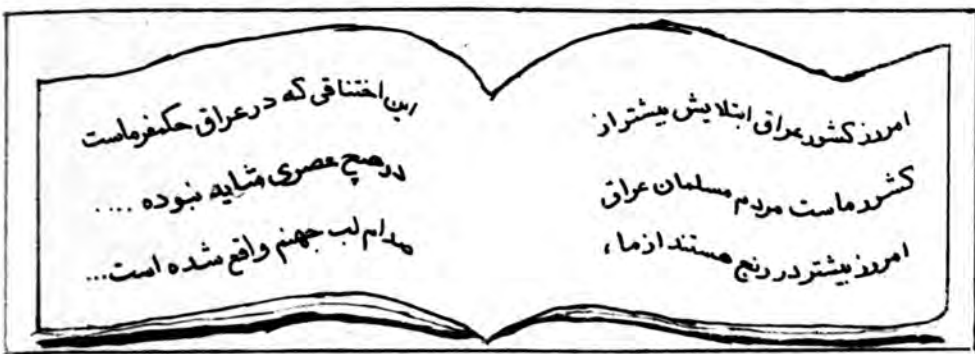
در صورت قبول شق اول، البته قیام مردم عراق امری غیر ممکن بنظر میرسد. اما در صورتی که این امور را عارض دانسته، و به جوهره عدالت طلب و حقجوی ملت عراق اصالت بدیم، خواهیم دانست که قیام و انقلاب مردم عراق امکانپذیر است و واقعیتهای فعلی "زاهق" و تغییر یافتنی هستند. با این دیدگاه، "وضع فعلی" باعث یأس مبارزین از پیروزی انقلاب عراق نخواهد شد.

آنها به این نتیجه رسیدند که مردم ایران دارای ویژگی پایدار مذهبی و جوهره عدالتجو، حق طلب، و ضد سلطنت هستند و این را در طول فراز و نشیب مبارزات تاریخی خود به اثبات رسانیده اند. آنها به این جمع بندی رسیدند که سکون و آرامش ظاهری مردم نتیجه یأس یا معتقد نبودن به مبارزه و یا نداشتن شناخت از ظلم و تهاوی رژیم نیست. مردمی که انقلاب مشروطه، قیام ۳۰ تیر، و حماسه ۵ خرداد را پدید آورده اند، صلاحیت و قدرت آنها را در اندک انقلابی دیگر بها کنند و این سکون و رکود جامعه، امری ظاهری و گذرا است.

نفری، و آنها هم بنوعی خود تبدیل به قیامهای بزرگتر، و عاقبت تظاهرات ملیونی عاشورا، و در نهایت پیروزی قیام سراسری ۲۲ بهمن ۵۷ گردید. بنظر میرسد نیاز انقلاب عراق نیز در این مرحله ابتدا شکستن ثبات نظام بعثی در ذهن مردم، و سپس شکستن ثبات بعثی در واقعیت است. نباید انتظار داشت که عملیات نظامی گروههای مبارز و مسلح بتهنلی قادر به شکستن ثبات رژیم بعث باشد. آن مبارزه مسلحانه‌ای درست و اصولی است که در جهت بسیج توده‌ها و قیام مردم باشد.

(۲) باید توجه داشت که این توطئه مختص به عراق نیست بلکه استکبار جهانی در کشورهای دیگر جهان سوم و از جمله ایران نیز دست به این ترفند پیچیده زد است. بطور خلاصه میتوان این توطئه را به گسترش طبقه‌مرفه طرفدار آرمانها و ایده‌ال - های آمریکایی تعبیر کرد. برای مطالعه بیشتر در مورد این توطئه میتوانید به مقاله - های زیر در شماره‌های گذشته "رام‌جاهد" مراجعه فرمائید:

- ۱- خطوط بنیادی اتم‌الکتر ش ۲
- ۲- آمریکا و خط میانه در ایران ش ۲۰



۳- آمریکا و خط میانه ش ۲۶  
بطور خلاصه میتوان گفت که اشکال دیدگاه فوق آنست که بر مبنای واقعیت‌های عارضی و غیر پایدار شکل گرفته و نبر اساس حقایق اصیل و پایدار.

انتظار اینکه یکباره، با یک قیام بزرگ و قوی، انقلاب عراق را به پیروزی برسانیم انتظار درست و قابل تحقق نیست. باید همه نیروی خود را صرف اجرای رهنمود امام و تلاش در جهت برپایی یک قیام ولو هرچند خفیف کنیم تا تد ربحاً صلاحیت، قدرت، و سازماندهی لازم را برای قیامهای بزرگتر کسب نمائیم. انشا... ۱.

امید داریم در آینده شاهد تلاش بیشتری در جهت درک و عمل به رهنمودهای امام و آیت الله العظمی منتظری باشیم. والسلام

پاورقی:

- (۱) مثلاً اگر اشغال لانه جاسوسی، انقلاب فرهنگی، خلع بنی صدر، جنگ و جهاد بی‌امان علیه کمپ دیوید، خلع مرجعیت شریعتمداری، و... نبود، انقلاب اسلامی ایران به استقامت و ثبات امروز خود نمیرسید. همچنین جهت تکمیل این بحث به مقاله "رشد مردم عراق و سرنگونی صدام" در راه مجاهد شماره ۲۸ مراجعه کنید.

سوابق انقلابی و تاریخی مردم عراق در صد سال اخیر، از قبیل شرکت قاطبه مسلمین عراق در نهضت ضد استعماری تحریم تنباکو، پشتیبانی از مراجع مجاهد و انقلابی پیش از انقلاب مشروطیت ایران و همزمان با آن، قیامهای کوچک و بزرگ متعدد ضد استعمار، مخصوصاً قیام ۱۹۲۰ عراق و نهضت‌های انقلابی بعد از آن، همگی نشان دهنده جوهره انقلابی و ضد استعماری ملت عراق است. مشاهده و بررسی دقیقتر تاریخ انقلابی مردم عراق، ما را هرچه بیشتر به این حقیقت رهنمون میسازد که رفاه طلبی و گسترش طبقه مرفه در عراق تنها از توطئه - های پیچیده استعمارگران سرچشمه میگردد و لذا امری ظاهری و تحمیلی بر مردم مستضعف عراق میباشد و ریشه در فرهنگ عمیق و اصیل مردم ندارد. (۲)

خط امام: قیام مردم عراق

اصولاً امام خمینی ارزش زیادی برای ملت‌ها قائل هستند. در مورد عراق نیز ایشان سرنگونی حزب بعث را در گرو قیام ملت عراق میدانند. امام خمینی در تاریخ ۱۳/۷/۶۴ خطاب به مبارزین عراقی رهنمود دادند که تلاش خود را در جهت برپایی یک قیام، هرچند خفیف، در عراق بکنار بیاورند. (۳)

جهت روشنتر شدن عمق و مکانیزم این رهنمود امام بزرگوار و نمونه از تاریخ انقلاب اسلامی ایران اکتفا میکنیم و بررسی عمیقتر وجوه ایدئولوژیک و استراتژیک آنها به بحثهای آتی موکول میکنیم.

استراتژی مجاهدین:

عملیات کوچک کیفی منتهی به قیام مردمی

بعد از سرکوب قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ توسط رژیم شاه، در ظاهر سکون عجیبی در حرکت‌های مردمی بوجود آمد. عده‌ای به این جمع بندی رسیدند که دیگر مبارزه فایده‌ای

بر مبنای همین جمع بندی، آنها در ارزیابی‌های سال ۴۹ و ۵۰ به این نتیجه رسیدند که اولین مرحله استراتژی انقلابی باید شکستن ذهنیت مردم نسبت به قدرت و گستردگی تور پلیس سیاسی (ساواک) و نشان دادن آنکه تبلیغات و شایعات رژیم توخالی است، باشد. به همین جهت، مجاهدین در مبارزه مسلحانه با رژیم شاهر سالهای بعد از ۱۳۵۰ بجای آنکه دنبال انجام عملیات چشمگیر و بلند پروازانه بروند، دنبال عملیات کوچک و در چشم رژیم "کم اهمیت" رفتند تا کم کم نشان بدهند که در یک مبارزه برنامه ریزی شده بر اساس استراتژی انقلابی، پیروزی بر ساواک و ارتش طاغوتی، که ثبات رژیم به آنها وابسته بود، امکانپذیر است. آنها این داعیه را نداشتند که خودشان بتهنایی میتوانند رژیم را ساقط کنند. آنها ادعا نکردند که فقط خودشان صلاحیت مبارزه را دارند و لا غیر. بلکه خط مشی مکنبی و خونبار آنان "پشتازی" و آغاز کردن مبارزه بود. آنها اعتقاد داشتند که اگر در چندین عمل حساب شده، با امکانات کم، ایثار و جانپازی، بتوانند پوچی افسانه "شکست ناپذیری رژیم" را به اثبات برسانند، جوهره مبارز مردم شکوفا شده و خود مردم قیام خواهند کرد. در حقیقت خط آنها برای شکستن ثبات رژیم شاه این بود که با عملیات کوچک، کیفی، و ظاهراً کم اهمیت، زمینه را برای قیامهای خفیف مردمی و سپس قیامهای بزرگتر، و عاقبت قیام سراسری مردم آماده سازند. این دیدگاه اسلامی باید سرمشق و الگوی مبارزین فعلی نیز باشد.

بهترین تجربه:

انقلاب اسلامی ایران

اگر نیک نظر کنیم، میبینیم که مقدمه

خط مجاهدین بنیاد نگذا ر برای شکستن ثبات رژیم شاه این بود که عملیات کوچک، کیفی و ظاهراً کم اهمیت، زمینه را برای "قیامهای خفیف مردمی" و سپس قیامهای بزرگتر و عاقبت قیام سراسری مردم آماده سازند.

ندارد و مردم روحیه مبارزه و انقلاب را از دست داده اند. حتی بعضی از آنها با این تحلیل مبارزه را رها کرده، و بدنبال پستهای دولتی وارد رژیم شدند. در این میان شهید حنیف نژاد که آن موقع از رهبران مبارزات دانشجویی و از مبارزین مذهبی و خوش فکر بود، همراه دوست همزمزم دیگرش مجاهد شهید سعید محسن شروع به بررسی انقلابی و قیامهای مردمی تاریخ معاصر ایران جهت تدوین خط مشی صحیح برای انقلاب کرد.

بقیه تکلیف الهی  
مبارزه و جهاد از تو ساقط است بنا بر این با افزایش فشار، راهی جز کوتاه آمدن و سازش باقی نمی ماند.  
اما جریان دوم می گوید اصالت با فرضه الهی جهاد است و اینکه بایستی پیرایه و ظلم و تجاوز تا نابودی آن مبارزه کرد و این راه خداست و هیچ سد و مانعی نمی پذیرد. لذا تمامی کسانی که شکست‌ها سرکوب‌های فوق العاده پیرایه را تحمل کرده و به مبارزه ادامه داده اند به این منطق عمل می نمایند و همین‌ها هستند که ملت‌ها را نجات داده و از یوغ استعمار می رهانند. نظری به انقلاب اسلامی خودمان و سرکوب‌های روز افزون رژیم شاهنشاهی این حقیقت را بیشتر آشکار می کند. هم چنین در جنگ اسلام و کفر، رزمندگانی که در شرایط سخت و طاقت فرسا مقاومت کرده اند و جلوس شدت حملات ضدامیان ایستادند سرنوشت جنگ را تعیین کرده و پیروزها را آفریده اند اما اگر منطق "رفع تکلیف با لایطاق" را رها کنیم عمل قرار در هم دیگر از حماسه‌ها، ایثارها و فداکارها خبری نخواهد بود.

بقیه شیوه‌های اصولی...  
اگر ما فقط معرف الاشیاء با ضادها ما موضعی که سازمان ملل در مورد شکنجه در ایران گرفته است برخوردار کنیم هر جریانی را که در داخل علیه شکنجه و اعمال شیوه‌های غیر اسلامی در زندانها موضع بگیرد در خط امریکا تروریسم میخوانیم و نمی توانیم به شیوه‌های غیر اصولی و نارسائیهایی که داریم انتقاد کنیم و به دلیل عدم تزکیه این شیوه‌ها ضربه خواهیم خورد هم چنین اگر از موضع مخالفت با شیوه‌های غیر اسلامی نظیر شکنجه به منظور اعتراف هر جریانی را که در مقابل این شیوه‌ها موضع گیری کند مشروع و حق بدانیم ناخود آگاه در خط تائید امریکا و فریب که منشا شکنجه و سرکوب ملت‌هاست قرار خواهیم گرفت در صورتی که با عمل به "والسابقون سبقا" اگر مبارزه علیه اعمال شیوه‌های غیر اسلامی را عطفی صالح بدانیم در این حرکت بهشتا می شویم. با پشتاز شدن مادر تزکیه شیوه‌های غیر مکنبی، زمینه و خوراک تبلیغاتی امپریالیسم نیز گرفته خواهد شد ولی اعمال شیوه‌های غیر مکنبی به امپریالیسم خوراک تبلیغاتی داده و به انقلاب ضربه خواهد زد. ادامه دارد



# اخبار ایدئولوژیک و ولایت فقیه



از آنجا شبکه اخبار و اطلاعات صحیح (کما هی - هما نظور که هستند) تحلیلها را با رورمینما بدین آن شدم مجمه عه ای زا اخبار مهم ما را در بخشی از نشریه که به این کار اختصاص داده ایم درج نمائیم.

اهداف مورد نظر ما از این کار عبارتند از:

- ۱- کمک به با روری تحلیلهای سیاسی نیروهای مکتبی.
- ۲- دادن بینش استراتژیک از رویدادهای ایران، منطقه، جهان.
- ۳- کمک به پیدا کردن دید استراتژیک از مراحل رشد خلق و افول امپریالیسم.

ضمناً "راه" سعادت با این اخبار برخورد فعال میکند.

و مبنای تلقی می کند. در این سیستم فقهی  
ایشان اتفاق، جامعه امام زمان عج بعنوان  
حکم ثانویه و اضطراری و استثنایی تبیین  
میکرد (کتاب مالکیت خصوصی جلد اول نوشته  
آیت الله میانجی)  
در این سیستم فقهی اعمال ولایت بر مال و  
جان جز با اضطرار قابل تبیین نیست.

انقلاب اسلامی  
وتحول در متدلوژی غرب

صدای آمریکا در تاریخ ۴/۱۱/۲۳ عیبا  
تعدادی از روزنامه نگاران آمریکایی  
مباحثه ای داشت که نظرات آنها را  
بیرامون انقلاب اسلامی میبرد. یک  
استاد آمریکایی اظهار داشت:  
"از آنجا که امورات اقتصادی و سیاسی در  
ایران از من اعتقادات مذهبی سرچشمه  
میکردند لذا نمیتوان انقلاب اسلامی را با  
روشهای معمولی ارزیابی کرد. تاکنون  
تحلیلهای کلاسیک، در مورد انقلاب اسلامی  
اشتباه در آمده و بایستی آمریکا در  
متدلوژی و روش شناخت خود تجدید نظر  
نماید."

راه مجاهد:

اعتراف این استاد که به علت  
پراگماتیسم آمریکایی اش انجام شده  
عسرتی است برای برخی از هواداران  
انقلاب اسلامی که هنوز حاضر نیستند در  
متدلوژی علمی - کلاسیک خود تجدید نظر  
بنمایند. اگر این عده به این کار اساسی  
نپردازند، مجبورند بتدریج از انقلاب  
زاویه بگیرند.

باید اضافه کرد که غربیها در عمل به  
این نتیجه رسیده اند که در ایران مسائل  
اقتصادی و سیاسی و... از من عقیاید  
مذهبی سر چشمه میگیرد. به عبارت  
تلوبحا "به سیاست حوشیده از متن دیانت  
اعتراف میکنند. متاسفانه برخی از  
مسلمانان ما هنوز میگویند دین از سیاست  
حداست. البته امام خمینی اسلام آنان  
را "میرکائی توصیف کرده اند.

\* پراگماتیسم به عمل اصالت میدهد.  
منتهی برای تاریخ جهت قائل نیست و  
منافع فردی را دنبال میکند.

مینوسد:  
اطلاعات ۶۴/۱۱/۲۷  
"بخش خصوصی باید برای تجارت خارجی  
چشم براه حضرت مهدی (عج) باشد. اما  
متاسفانه یا خوشبختانه، در عصر آن حضرت  
هر نوع تجارت خصوصی ممنوع خواهد بود.  
در حکومت حضرت قائم ارواحنا لثواب مقدمه  
الفداء درست است که جهان بصورت یک کشور  
در می آید و مرزها برچیده میشود ولی در  
درون همان کشور هم هرگونه سود فردی از  
معامله حرام خواهد بود. پس اگر بعضی ها  
نویسند و اجازه بدهند که حقایق اسلامی  
گفته شود. باید به عرض برسد که تجارت خارجی  
برای بخش خصوصی تا قیام قیامت مجاز نخواهد  
بود و اگر چنین اجازه ای داده شود، حرام  
است و لا اقل بی شبهه نخواهد بود.

**غربیها در عمل به این نتیجه رسیده اند که در  
ایران مسائل اقتصادی و سیاسی و... از من  
عقاید مذهبی سرچشمه میگیرد و به عبارت  
تلوبحا به سیاست حوشیده از متن دیانت  
اعتراف میکنند.**

این مطلب به کاوش و تحقیق نیازمند است. و این  
نیاز بر طرف نمی شود جز با همت طلاب جوان  
حوزه علمیه قم، این شاگردان امام صادق (ع)  
که در حقیقت مسئولیت آینده مکتبه اندیشه و  
ثوری این انقلاب بعهده آنهاست.

راه مجاهد:

بنظر میرسد در این زمینه دو جریان عمده وجود  
دارد:

- ۱- یک جریان فکری انسان را فطرتاً خدا خواه  
و کمال طلب دانسته و در زمینه فقهی هم حکم  
اولیه را رسیدن به رشد و کمال و جامعه امام -  
زمان "عج" می داند در مورد مسئله ولایت  
فقیه به اعمال ولایت بر مال و جان در کادر مکتب  
معتقد است. در این سیستم فقهی ایشان اتفاق  
و روابط صلواتی و امام زمانی حکم اولیه و مبنای  
پیدا کرده و مالکیت خصوصی محدود بعنوان  
حد و مرز ثانویه و موقت پذیرفته میشود که حدود  
آن را ولی فقیه تعیین می کند.
- ۲- جریان فکری دیگری انسان را فطرتاً  
استخدام طلب و خود خواه می داند و در زمینه  
فقهی مالکیت خصوصی نامحدود را حکم اولیه

یکی متخصص اسافل اعضا و یکی متخصص سر  
و... هر کسی یک تخصص دارد من خودم  
از حاج میرزا جواد آقا ملکی تبریزی اخلاقی  
شنیدم که میفرمود: یک چشم تنها صدها نوع  
بیماری دارد و برای هر دردش دواهایی هست  
ایشان در طب وارد بودند، ببینید چقدر علم  
میخواهد که به تمام اینها برسد و بفهمد هر  
دردی چه منشأی دارد و چه دوائی میخواهد  
دیگر عمر کفاف نمی دهد که به مرضهای دیگر  
برسد. حاج شیخ میفرمود: خوب است در  
فقه هم تخصص داشته باشیم، یکی متخصص  
صلاة باشد، یکی متخصص طهارت باشد، یکی  
متخصص خمس باشد، و همینطور و آن وقت هر  
سوال و استفتایی که می آید به متخصص آن  
ارجاع دهیم تا او جواب بدهد.

استاد آیت الله اراکی در قسمت دیگری از  
مصاحبه خود، راه موفقیت طلاب را چنین  
می گویند:  
"خواندن قرآن با فکر و تأمل. به جهت  
اینکه این احکام خالق آسمان و زمین و خالق  
بشره خالق انبیاء و مسلمین، خالق محمد  
سید المرسلین، خالق امیر المؤمنین، خالق  
یک یکه ائمه، خالق حضرت حجت "سلام الله  
علیهم" و خالق همه است. این کلام مال اوست  
ببینید چه کلامی است! کلامی که کلام خالق

تمام انس و جن و شمس و قمر و مایری و مالیری  
است. او این کلام را ترتیل کرده. این کلام  
چقدر جامع است، مثل جامعیت خودش  
اگر کسی فکر و تدبر در او بکند حالش منقلب  
میشود و از کسالت و بی توفیقی روحی نجات  
پیدا می کند."

جامعه امام زمان (عج)  
و  
.....

روزنامه اطلاعات طی چند شماره در صفحه  
مقالات خود بررسی عمیقی از مسائل فقهی  
به قلم حجة الاسلام مرتضی رضوی نماینده تبریز  
آورده است.  
در این سلسله مقالات نظراتی اساسی و مبنایی  
بچشم میخورد که لازم است صاحب نظران در  
آن تأمل بیشتری نمایند.  
بعنوان نمونه گوشه ای از این مطلب را نقل  
میکنیم: نویسنده در بحثی پیرامون تجارت  
خارجی و فعالیت بخش خصوصی در این زمینه

صفات خدا، مبنای عقل.  
عده ای معتقدند بنا "عقل" میتوان  
بسیاری از مسائل را درک کرد. مثلاً عقل  
درک میکند که انسان باید عدالت را  
اجرا کند. با عقل درک میکند که ظلم سد  
است.

راه مجاهد:  
باید توجه داشت که "عقل سلیم" یعنی  
"عقل متکی به صفات خداوند متعال" است  
که میتواند مسائل را بخوبی درک  
کرده و تشخیص صحیح دهد. مثلاً تشخیص  
"خوب بودن عدالت" یا "بد بودن ظلم" یا  
منا قرار دادن صفت "عدل خدا" میسر  
میشود. چون صفت عدالت خداوند مبنای  
تمامی عدالتهاست. تشخیص "خوب بودن  
عدالت" و... فطرتاً با این ملاک انجام  
میشود.  
ثانیاً اگر "شرع" راهم ملاک "عقل"  
قرار دهیم، خود شرع نیز به ملاک مستقل  
از ذهن بشری، مسلح است. همانگونه که  
امام باقر (م) فرموده اند: شرایع و  
احکام را از صمدانیت خداوند میتوان  
استخراج کرد. (به سخنرانی امام خمینی  
در عید مولود سال ۶۲ مراجعه شود.)

نظر آیت الله حاج شیخ عبد الکریم حائری  
در مورد پیشبرد حوزه های علمی

مجله حوزه شماره ۱۲ دی ماه ۱۳۶۴ مصاحبه  
ای با استاد آیت الله الکی داشته است. که  
نظر آیت الله حائری از قول ایشان است  
"... اما حاج شیخ (آیت الله حائری) در  
فقه نظری داشت می فرمود: چون فقه پنجاه  
باب است، از اول طهارت تا حدود و دیات  
اول کسی که فقه را به این طریق میو ب کرد،  
مرحوم محقق بود که فقه را به پنجاه باب میو ب  
کرد. مسائل هر بابی را سوا سوا کرد، و هر  
کدام را در باب خودش گنجانید. چیز اعجوبه  
ای بود. بعداً هر که آمد از او تبعیت کرد  
علامه محقق ثانی، شهید اول، شهید ثانی  
شیخ انصاری و همه هر که آمد تبعیت از او کرد  
این چه محقق بوده که این همه محققان آمدند  
ولی رویه او را تغییر ندادند. ولی حاج شیخ  
می فرمود: هر بابی از این ابواب یک متخصص  
لازم دارد. چون ابواب فقهی خیلی مشتت  
و اقوال و ادله عقلیه و نقلیه و اجماعش  
تبعی زیاد میخواهد و افراد سریع الذهن لازم  
دارد. و این عمر انسانی کفایت نمیدهد که  
پنجاه باب بطورشایسته، و آن طور که بایست  
و شاید تحقیق شود، پس خوب است برای  
هر بابی یک شخصی متخصص بشود. مثل این  
کفایت تخصص وجود دارد، یکی متخصص گوش  
است، یکی متخصص اعصاب، یکی متخصص چشم،

**روزنامه ها بایستی با حفظ اصول اولیه، آزادی داشته باشند و خواسته های مردم را منعکس کنند.**



ویژگیهای عملیات والفجر ۸  
فتح فـاـو



عملیات والفجر ۸ و ۹

توطئه تعدیل و تعطیل شعار آزادی قدس از طریق کرپلا

برادری در رابطه با مسائل فعلی انقلاب تحلیل میکرد که:

۱- غرب در نظر داشت که از طریق رشد خط میانه در داخل ایران و نزدیک کردن کشورهای نفتی منطقه به ایران، ایران را در یک "دور بزرگ" به تعدیل در مواضع و تعطیل سازشکارانه مسأله آزادی قدس از طریق کرپلا وادارد، جریانی هم در نظام جمهوری اسلامی خود را با این خط هماهنگ کرده بود.

۲- این "دور بزرگ" برای تعدیل در مواضع به زمان زیادی نیازمند بود، زیرا مردم در برابر چرخش سریع مواضع، موضع گرفته و این کار عملی نمیشد.

۳- از طرفی گذشت زمان و باقی ماندن منطقه در "بحران جنگ ضد کمپ دیویدی" برای غرب بشدت زیانبار بوده و موجب رشد و گسترش نهضت‌های اسلامی - مردمی و ضد امپریالیستی در منطقه میشد (حرکت مردمی لبنان و شکست بی سابقه اسرائیل در برابر حرکت چریکی مسلمانان جنوب لبنان - حرکت مردم مصر در تائید شهبند سلیمان خاطر و حرکت مردم پاکستان در تائید نمایندگان جمهوری اسلامی و...)

۴- این حرکتها منافع تمامی جناحهای غیرین را به خطر میانداخت، لذا همگی بر این امر متحد شدند که با تشدید فشار، یکی از دو راه: پذیرش تعدیل سریع در مواضع و یا شکست و اضمحلال راد بر جمهوری اسلامی قرار دهند. لذا به این منظور توطئه کاهش و توطئه دور کردن کشورهای جبهه پایداری از ایران و انزوای کامل ایران را در پیش گرفتند.

۵- بدلیل در صحنه سیاست بودن امام و تودیه‌های شهادت طلب و همچنین به دلیل اینکه نظام جمهوری اسلامی علیرغم اتکال به درآمد نفت از ثبات مردمی نیسز برخوردار است و ثبات خود را در گرو حمایت مردم مینمید تمامی نهادها و جریانهای مسئول در مملکت چرخش بیشتری بسوی خط مردم نموده در صدد برآمدند تا با افزایش مقاومت مردمی و اتکال به مردم و نشان دادن قدرت مردمی جمهوری اسلامی غرب را از این خط خود مایوس کنند.

این برادر موضع اخیر مسئولی - نظام جمهوری اسلامی و همچنین انجام عملیاتهای والفجر ۸ و ۹ و سمتگیری انقلابی مقاله و سرمقاله ها و تبلیغات جمهوری اسلامی را در این راستا میدید.

عملیات والفجر ۸ در سه محور جزیره مجنون - ام الرصاص، شلمچه و شبه جزیره فاو انجام پذیرفت. این عملیات که نهایتاً به آزادسازی بیش از ۸۰۰ کیلومتر مربع از خاک عراق و کشته و زخمی شدن بیش از ۲۷۰۰ عراقی و اسارت بیش از ۲۰۰۰ سرباز و درجه دار عراقی انجامید که از ویژگیهای ذیل برخوردار بود:

الف - سرتاسری بودن: این عملیات از چند محوره شکل همزمان شروع شد بنا بر این ساعات اولیه حمله، نیروی دشمنین پراکنده شد و توان مقاومت او در برابر نیروهای ما کمتر شد.

ب - هدف مشخص: این حمله علیرغم سرتاسری بودن دارای هدف مشخص هم بود و محور "فاو" و ساحل "خورعبدا" بعنوان هدف اصلی تعیین شد و حمله در محورهای دیگر به منظور تامین این محور و یا بمنظور به اشتباه انداختن دشمن انجام شد.

ج - مرحله بندی: این حمله از ویژگی مرحله ای بودن برخوردار است و نیروها در هر مرحله در هدف مشخص خود مستقر و در مرحله بعد حرکت را برای فتح هدف بعدی ادامه میدادند.

د - بی امانی: این حمله به شکل عملیاتی بی امان ادامه یافت. استمرار عملیات و بی امان بودن حرکت باعث شد که نیروهای ماهواره از دشمن جلوگیری و قبل از آنکه دشمن بتواند نیروهای متلاشی شده خود را برای انجام پاتک جمع آوری کند حمله بعدی ما انجام میشد.

ه - پایان گسترده: این حمله با شکل عملیات گسترده به نتیجه رسید و در نهایت

- ۱ - قطع رابطه عراق با آبهای آزاد
  - ۲ - فلج کردن نیروی دریایی عراق
  - ۳ - همسایه شدن ماباکویت
  - ۴ - هشدار به کشورهای ارتجاعی منطقه که مورد عملی بودن تهدیدهای جمهوری اسلامی و وادار کردن آنها به قطع حمایت از رژیم عراق
  - ۵ - سرعت آوردن استخبار جهانی و سازمان ملل بالخصوص در توطئه اخیر کاهش فاحش قیمت نفت
- و بالاخره این اعتقاد که: ماتا بحال میخواستیم ماهیت حامی متجاوز سازمان ملل و دیگر محافل را به جهان نشان دهیم و اکنون اتمام حجت کردیم و اعلام میکنیم تنها راه تعیین سرنوشت جنگ و کشور عراق به دست رزمندگان کمپ دیویدی ستیز و مردم مظلوم و مستضعف عراق است لذا بدنبال شکل گیری این عملیات و موضع عدم امنیت سازمان ملل این جریان خواستار فعالیت شدن مجاهدین عراقی در خود شهرهای عراق گشته و اکنون عملیات رزمندگان اسلام در عملیات والفجر ۹ را در محورهای قیام خیز عراق دنبال کرده و در مناطق عملیاتی دست به تکلیف نفوذی مستمر میزنند.

حفظ و نگهداری فـاـو  
عمل صالح نیروهای اسلام

یکی از آگاهان مسائل نظامی میگفت: عملیات والفجر ۸ به قدری عظمت دارد که حتی اگر ماهم اکنون تمام مواضع اشغال شده را خالی کنیم و به شرق روند رود باز گردیم باز هم به پیروزی بزرگی دست یافته ایم زیرا که از یکطرف کلیه خطوط دفاعی عراق را در هم شکستیم و از طرف دیگر در یکی از مشکل ترین جبهه‌های نبرد به عراق نفوذ کرده ایم (عراق در ابتدای جنگ برای نفوذ به جزیره آبادان در راه داشت، یکی رد شدن از همین مکانی که ما اکنون از آن رده ایم و دیگر نفوذ به ایران از شمال خسر مشهور سپهر قطع رودخانه کارون و سپس در ورز ن و قطع رودخانه بهمنشیر و ورود به جزیره آبادان که عراق علیرغم مشکل بودن راه در راه اول را غیر ممکن تشخیص داد و ما هم اکنون از همان موضعی که آنها آن نیروی زمینی غیر ممکن تشخیص داده بوده اوضه زدیم)

تحقیق اخبار ایدئولوژیک  
روش شناخت امام خمینی و دستهای مرموز

آنگاه امام برداشتن بیعت را مطرح کردند و مراد تصمیم گیری برای آمدن به ایران آزاد گذاشتند.

راه محسوسا همد:

اولاً امام خمینی نسبت به دکتر امینی، این مهربان آمریکا، کودتای ۲۸ مرداد و عقاید فاشیستی او را نپذیرفت، سادانه اندیشه نبوده و او را نیک میشناخته و از شیفتهای او غافل نبودند. در حالیکه اعضای شورای انقلاب در داخل، عموماً "نسبت به او و خوشین بوده و با او روابط نزدیکی داشتند.

ثانیاً یکی از روشهای شناخته شده، ساواک برای به انقیاد در آوردن افرادی که خطی مقاوم بوده و نسبت به ساواک کینه داشتند این بود که آگاهانه، توصیه‌های به آنان میکرد، تا عکس آنرا عمل نمایند. مثلاً در یکی از زندانهای عمومی اوین ساواک یکی از نفوذیهای خودشان، فحش میداد و میگفت توهنوز حرفها - بت را زده ای، تا بقیه زندانیان نسبت به او خوشین شوند. تحلیل انگلیس از مصدق نیز همین بود. آنها معتقد بودند او آدمی است منفی، بگندیده و لوج و با هر شیفتهای از طرف انگلستان مخالفت میورزد. لذا یکی از مهربانهای شناخته شده، انگلیس پیشنها دهنخت وزیر مصدق را مطرح میکند، تا او این پیشنهاد را رد کرده و سپس نهضت ملی را بعنوان یک جریان، کار شکن و منفی ناف، بگویند. ولی مصدق پیشنها دهنخت وزیری را با دوش شرط میبذیرد. یکی تصویب قانون ملی شدن نفت، دیگری با زکشت به مجلس در صورت خلع از نخست وزیری.

جهت شناخت امام خمینی و درک روش شناخت امام، برآوردیم تا روش برخورد ایشان را در نقطه عطف ورود به ایران، بررسی کنیم. لذا برآنیم تا مضمون گفتگویی دوفره‌سین امام خمینی و دکتر حسن حبیبی، وزیر دادگستری را دربار رس بطور خلاصه بسا و رسم. ابق گفتگو توسط دکتر حبیبی قبل از بیروزی ۲۲ بهمن ۵۷ نقل گردیده است:

امام قبل از آمدن به ایران، دربار رس بطور خصوصی به من گفتند: "همه دوستان و آشنایان از داخل و خارج ایران امر را میورزند که به ایران نروم. تصمیم خود را دربار رفتن را عسوف کرده و با حداقل به تاخیر بیندازم. در ریشه یابی این توصیه‌ها به این نتیجه رسیدم که سرخ آنها به دکتر علی امینی میرسد البته عده‌ای هم هستند که از موضع دلسوزی و حفظ جان من، چنین توصیه‌هایی میکنند.

بعد از این ریشه یابی، یقینم برای رفتن بیشتر شده است ولی از یک با است نگرانم و آن، اینکه تعطیل رژیم نسبت به من اینست که مرا آدمی ضدر رژیم، بگندیده و لوج دانسته و بر این باور است که هر تقاضای از من داشته باشند، عکس آنرا عمل میکنم. ممکن است رژیم با در نظر گرفتن این ویژگی از دیدگاه خودش از من بخواهد به ایران نروم تا عکس آنرا عمل کرده و بروم و خسدا ی ناکرده اینکار در جهت منافع آنها باشد. ولی تصمیم بر رفتن است."

میبینید امام تا آنجای قضیه را خوانده بود و حتی نسبت به برخورد های ضدی دشمن هم هوشیاری داشتند.

با تمام قدرت، ۲۰ سال هم این جنگ طول بکشد ایستاده ایم



در مورد علت این تغییر شیوه عملیاتی از گذشته به محدود نظرات مختلفی وجود دارد. عده ای میگویند، ضربات و صدماتی که در عملیات گسترده به حبه، اسلام وارد میآید بسیار زیاد بود و لزوم داشت که ما ابعاد عملیات خود را محدود کنیم.

عده ای میگویند ما توان تدارکاتی و نیروی عملیات گسترده را نداشتیم و همین دلیل به عملیات محدود و آرد و ریدیم و هرگاه این محدودیتها رفع شود دوباره به شیوه قبلی باز میگردیم.

عده ای میگویند عملیات محدود عمل صالح حبه‌های ماست بدین معنی که ما بعد از ورود به مرحله "کربلایی جنگ" آزاد سازی عراق (، لزوم داشت تا مراحل جنگی (جنگ و گریز) عملیات نفوذی - تک محدود - تک گسترده ( را از ابتدای میگردیم و از همان اول به عملیات گسترده نمی‌پرداختیم.

نزدیک شدن به یک جناح غرب برای سرنگون ساختن صدام

عده ای معتقدند که باید هر قیمت که شده غرب را از صدام جدا کرد و این تنها راه پیروزی است. اینها معتقدند که این عمل برای جمهوری اسلامی آنقدر اهمیت دارد که ارزش دارد ما در مقابل آن امتیازی به یک جناح از غرب ندهیم.

راه محاهد: رژیم بعث یکی از وابسته‌ترین رژیمهای منطقه است و مبره‌ای نیست که حذف آن برای غرب براضی قابل قبول باشد. نابودی رژیم بعث تنها تداوم دفاع مقدس است.

مسئله دیگر اینست که جمهوری اسلامی به این دلیل مورد تهاجم آمریکا و صدام قرار گرفت که حاضر نبود به جناح بندیهای غرب وابسته شود و با یکی از دو ابر قدرت امتیازی ندهد و انشا... که تا به آخر به این موضع پایدار خواهیم بود.



بسیج برای حمله با بسیج برای ترساندن ابرقدرتها

یک عده میگویند ما این همه نیرو و بسیج میکنیم تا در تمام طول حبه و در همه جا به یک اندازه نیرو داشته باشیم و عراق نتواند تشخیص دهد که ما از کجا قصد حمله داریم. این عده قصدشان از بسیج حمله است.

یک عده معتقدند ما این بسیج را میکنیم تا نشان دهیم قدرت بسیج داریم و میتوانیم حمله کنیم و از این طریق امتیاز سیاسی بگیریم.

راه محاهد: کسانی که قصدشان از بسیج، گرفتن امتیاز سیاسی از ابرقدرتهاست باید بدانند که ما تمام امتیازات سیاسی را که از ابرقدرتها گرفته ایم در سایه پایمردی و استقامت رزمندگان حبه‌ها بوده است و چنانچه ما کوچکترین تعللی از خود نشان دهیم به هیچ وجه نمیتواند دستاورد سیاسی هم نخواهیم رسید.

عملیات نفوذی گسترده

در عملیات بدر نیروهای اسلام در مرحله پیشروی و انهدام مواضع بعثیها و گرفتن اسیرها ر خوب عمل کردند و تعداد شهدای ما در این مرحله بسیار کم بود و انتقال اسرا به پشت حبه بسیار خوب عمل شد. منتهی در مرحله بعد یعنی تثبیت در مواضع فتح شده بدلیل عدم انسجام کافی نیروهای اسلام و همچنین ضعف در بدافند هوایی و همچنین ضعف نیروهای خودی در مقاله با تهاجمات هوایی و حملات شیمیایی آنها نیروهای ما تقریباً بدون دفاع بودند. همین مسئله باعث شد که نتوانستیم تمامی مواضع فتح شده را همچنان در دست خود نگاه داریم.

راه محاهد: به نظر میرسد که عمل صالح نیروهای اسلام در عملیات بدر آن بود که پس از انهدام مواضع و گرفتن اسیر و گرفتن غنیمت بمواضع اولی خود باز میگشتند (به نظر میرسد که این عمل توان واقعی نیروهای اسلام در آن مرحله نزدیکتر بود).

به نظر میرسد عملیات "نفوذی گسترده" به توان فعلی حبه‌های اسلام نزدیکتر باشد منظور از عملیات "نفوذی گسترده" آنست که نیروهای اسلام پس از تهاجم و انهدام مواضع، گرفتن اسیر و گرفتن غنیمت به مواضع اولیه خود باز گردند.

راهیان برپای اقتصاد قدس

درین انجام عملیات موفق نفوذی محدود و سرتاسری در حبه‌های جنگ، شاهس بودیم که بسیج بزرگ نظامی راهیان کربلا طراحی و در سرتاسر کشور به اجرا درآمد برادری میگفت: در شرائطی که خطوط عملیاتی ما نفوذی محدود با لطمه‌نازی به حضور افراد زیاد در حبه‌ها

نداشتیم بهتر بود که این بسیج، در امر تحقق اقتصاد خود کفایه عمل میآمد که در آن صورت تداوم پیروزمندان جنگ و خط مشی آزادی قدس، بیشتر تضمین میشد. برادر تحلیل میکرد که در کنار آمادگی نظامی و اجرای عملیاتی بی‌امان یکسری از نیازهای فعلی جنگ تقویت اقتصاد خود کفایه و غیرمتکی به درآمد نفت میباشد. برادر تحلیل میکرد که در شرائط فعلی، جنگ ماروی سه پایه رهبری امام، بسیج توده‌های شهادت طلب و درآمد نفت استوار است و در پایه رهبری امام و بسیج توده‌ها از استحکام برخوردار بوده و میبایست بیشتر تقویت شوند، لیکن پایه سوم ما را به نحوی به غرب وابسته میکند، استقلال در امر اقتصاد باعث میشود که هر سه پایه جنگ مستحکم بوده و ادامه پیروزمندان آن تضمین گردد.

عملیات محدود از چه موضعی

از حدود روز قدس، سری عملیات محدود در حبه‌ها آغاز شد. قبل از آن در حبه‌ها تنها شاهد عملیات گسترده بودیم.

فراوانی میشد و هر چه بیشتر به ناتوانی خود از یکسو و انسجام و استحکام توای انقلاب اسلامی پی میبرد و این شیوه دفاع خسوف بهترین تهاجم به ارتش بعث و شکستن تصویر قدرت و ثبات این رژیم در ذهنها بود. رزمندگان در این عملیات از شیوه مکمل دیگری نیز استفاده کردند و آن "دفاع و تهاجم" بود. بدین ترتیب که پس از درهم شکستن هر ضد حمله ارتش صدام، زمانیکه توای دشمن آرایش کلاسیک خود را از دست داده بود برادران دست به پیشروی زده و از این فرصت برای تکمیل و گسترش پیروزیها استفاده میکردند. این شیوه عملیات ضمن اینکه روحیه و توان ما را در جنگ افزایش میدهد، باعث میشود جغرافیای نظامی حبه و وضعیت خاکریزها و مواضع اعداد رجال تحول بود موبه فرماندهان دشمن اجازه ندهد که روی یک نقشه ثابت و مشخص، شناسایی و مطالعه کرده و طرحهای عملیاتی خود را به اجرا در آورند.

عملیات "نفوذی گسترده" یعنی نیروهای اسلام پس از تهاجم و انهدام مواضع، گرفتن اسیر و گرفتن غنیمت به مواضع اولیه خود باز گردند.

این نوع عملیات به تسوان فعلی حبه‌های اسلام نزدیکتر است.

عملیات بی‌امان رزمی حبه‌های اسلام

امام خمینی جندی قبیل در صحتهای خود به فرماندهان نظامی توصیه کرده بودند که در حبه‌هایی ما عمل کنند. راه محاهد: به نظر میرسد که امام خمینی با تکیه بر سنتهای رزمی پیامبر و شیوه‌های جنگی حضرت امیر (ع) و امام حسن (ع) و امام حسین (ع) چنین صحبتی را کرده باشند. به مسئولین توصیه میشود که در این رابطه از امام خمینی سؤال نکنند.

شیوه عملیات بی‌امان رهگشای حبه‌های اسلام است. به نظر میرسد منظور امام اینست که فرصت جمع بندی به مسئولین سیاسی و نظامی دشمن داده نشود و هر ضربه با فاصله کوتاهی بعد از ضربه قبلی وارد آید. دشمن ما از نظر تجهیزات بر ما بسیار برتری دارد و بعد از هر عملیات به جمع بندی علل ضربه ای که خورده میبرد از تادرت آید نتواند در حلوما مقابله کند. بنظر میرسد شیوه‌ای که برای نیروهای اسلام وجود دارد همین عملیات بی‌امانی است که امام خمینی فرموده اند. یعنی تعداد عملیات از آنقدر بالا ببریم که قدرت جمع بندی از جناحهای سیاسی و نظامی دشمن سلب شود. البته نوع عملیات که باید کوچک باشد با محدود و با گسترده باید بر اساس توان هر حبه انتخاب شود.

همچنین تعداد بسیار زیادی از نیروها عراق را اسیر و منهدم کرده ایم، غنیمت بسیار گرفته ایم و تعداد زیادی از هواپیماهای عراق را سرنگون کرده ایم و نکته مهم این است که از این به بعد دیگر هیچ فرمانده عراقی به خطوط دفاعی خود اعتماد نخواهد کرد و این بزرگترین ضربه‌ای است که ممکن است به یک ارتش وارد آید.

این شخص میگفت مقاومت ما در حفظ مواضع اشغال شده در فاو و اطراف فاو اکنون عمل صالح ماست همانطوریکه در جزیره جنجون آنقدر مقاومت کردیم تا مواضعمان در آنجا تثبیت شد و همانطوریکه رزمندگان ما در ابتدای جنگ در خونین شهر د تبقه به د تبقه مقاومت میکردند و برای حفظ هر د تبقه خونین شهر، شهید میدادند، حالا هم هر روزی که فاو را حفظ کنیم به ثبات صدام و امپریالیسم در منطقه ضربه بیشتری وارد خواهیم ساخت.

در حاشیه عملیات پیروز والفجر ۸ اگر جلوموج نتوانستی بایستی بر آن سوار شو

رادیو بی بی سی هفته اول عملیات والفجر ۸ (۲۱ تا ۲۸ بهمن) تحلیل گران مسائل نظامی هنوز جواب این سوال را نیافته اند که چگونه عراق ۸ ساعت پس از حمله ایران متوجه این حمله شده است.

رادیو بی بی سی هفته دوم عملیات: مقامات نظامی مسئول اعلام داشته اند حمله اخیر ایران ( والفجر ۸ ) در هیچیک از صفحات ضبط شده آواکسها و عکسهای ماهواره‌ای قابل پیش بینی نبوده است. این مقامات افزودند: دلیل عدم کآرایی این دستگاههای اطلاعاتی، خرابی وضع هوا بوده است.

رادیو بی بی سی ۱۲/۴ به نقل از مجله ساندی تایمز: بنا به اظهار منابع مطلع، کارشناسان جنگی کره شمالی در عملیات اخیر ایران ( والفجر ۸ ) نقش اساسی را ایفا کرده اند.

راه محاهد: دشمنان سعی دارند در حرکتی اساسی و الهی انقلاب اسلامی را به گونه‌ای به یک دست خارجی منتسب کنند تا بدین طریق از الگو شدن انقلاب اسلامی بعنوان " نهضتی پیروز رگاز رنه شرقی " نه غریب " جلوگیری کرده و مانع گستاخی و قیام ملت‌های منطقه بشوند.

دفاع تهاجمی و دفاع تهاجم

از عوامل پیروزی ما در جریان عملیات والفجر ۸ بکارگیری و شیوه دفاع تهاجمی و دفاع تهاجم توسط رزمندگان بود.

نیروهای ما پس از آزاد کردن شهر فاو رسیدن به دریاچه نمک از یکسو و پیشروی در محورهای فاو - بصره و فاو - ام القصر در شمال و غرب فاو یک خط دفاعی تشکیل دادند و ارتش عراق با ضد حمله‌های مکرر خود به این خط دفاعی رزمندگان اسلام، متحمل ضایعات و خسارات

قدس را با مسلسل‌های متکی به ایمان و قدرت اسلام باید آزاد کرد

امام خمینی



شعار آزادی قدس و مشکلات انقلاب عراق

دفع فاسد به افسوس  
در  
جنگ ایران و عراق

یکی از صاحب نظران وفادار امام در باره مذاکرات بین المللی که جهت صلح انجام میشود، تشبیه حالبی کرده است. گفته "فرض کنید ملت ایران در کشتی هستند که سوراخ کوچکی در بدنه آن بوجود آمده و آب تدریجا وارد کشتی میشود، برای بستن این سوراخ عده ای هستند که از وسیله یا شیوه ای استفاده میکنند که خود آن وسیله یا شیوه موجب شکافی بزرگ در بدنه کشتی شده و آب همه را فرا میگیرد. راه مجاهد: منظور این برادران سوراخ جنگ ایران و عراق بوده و منظور از شکاف بزرگ یا زدن پای آمریکا و بر قدرتها و سازمان ملل در این جنگ جهت پایان دادن به آن میباشد.

اراده مردم در دفاع مقدس

رهبر یکی از کشورهای متمدن منطقه گفته است: دیگر ادامه جنگ ایران و عراق به نفع اسلام نیست و باید صلح شود. وی برای حل مشکل به مردم می گوید خواهان ادامه جنگ هستند و برای اینکه بی صلح نبرند پیشنهاد کرده "سحیحی در راه آزادی قدس در کشورهای منطقه راه انداخته شود و هر کدام از کشورهای منطقه چند لشکر برای این امر مهیا نمایند" در این سحیح تبلیغات جهانی، مساله جنگ را با شعار برداختن به مساله اسرائیل حل کنند. راه مجاهد: نکته مهم که در این پیشنهاد است اینکه پیشنهاد دهنده میدانند که مردم مایل به ادامه دفاع مقدس میباشند و هر نیرویی که بخواهد سازش کند، منزوی خواهد شد.

رتوطئه آمریکا در جنگ

و صلح خواهی دشمنان

برادر محسن رضائی در یکی از پیش خطبه های نماز جمعه بدین مضمون گفتند "آمریکا دوست دارد که ما آمریکا کشی و بی هویت شویم و حتی صلح جمهوری اسلامی با عراق را دوست ندارد.

راه مجاهد:

ضمن تأکید سخنان فوق، اشاره ای به یک نمونه تاریخی از صدر اسلام یعنی صلح امام حسن (ع) میپردازیم. در صلح امام حسن (ع) معاویه احمق را هویت شیعه را به رهبری امام حسن (ع) قبول نمود. بعدها یزیدیان فهمیدند که از صلح با امام حسن (ع) ضربه خورده اند و مواد صلح نامه را زیر پا گذاشتند. حال آمریکا با جمع بندی از تاریخ باطل "برسمیت شناخته شود. سعی آمریکا ایران است که با توطئه های هولناک نظیر بمباران شهرها، کاهش بی سابقه قیمت

نفت و بمباران خارک و... جمهوری اسلامی را از پای در آورد. آمریکا حاضر نیست حتی در حدیک امضا کننده صلح برای ماهویت قائل شود.

نمونه دیگر برخورد با سازمان آزادی

بخش فلسطین است که حاضر به صلح شده است. اما آمریکا و اسرائیل نمیخواهند حتی هویتی برای سازمان آزادیبخش قائل شوند. سعی دشمن اینست که صلح صروحومه خود آنقدر ساف را بازی دهد تا در درازمدت از آرمانهای خود سنگر به سنگر عقب نشینی نماید. آخر هم می گویند شما که نیروی نیستید تا امضای شما معتبر باشد. "بدین ترتیب هم پیشتاز را منحرف میکنند و هم توده ها را مایوس".

امیدواریم درس از تاریخ و درس از روند صلح سازمان آزادیبخش فلسطین عبرتی برای ما شده، ماهیت آمریکا و اسرائیل و ماهیت کمپ دیویدی جنگ، تحمیای را عمیقاً بشناسیم.

جنگ ایران و عراق

و

اوزال نخست وزیر ترکیه

شنیده شده اوزال نخست وزیر ترکیه گفته است: جنگ را نمیتوانید از راه نظامی ادامه دهید بلکه صدام را بایستی از راه سیاسی محکوم کنید.

راه مجاهد: افسر خلبان هلیکوپتری که بگ فرزند حث عراقی را در عملیات والفجر ۸ سرنگون کرد در مصاحبه با تلویزیون بدین مضمون گفت: عملیات والفجر ۸ ما را به یاد گفته شهیدر حایبی انداخت که: "سرنوشت جنگ را باید در خود میدانهای جنگ تعیین کرد" و اکنون موضوع مسینیم که راه حل های سیاسی و سازمانها و محافل بین المللی تعیین کنند. سونوشت جنگ نیستند و دیگر نباید آنها دل بست.

دولت سوئد و جنگ ایران و عراق

اطلاعات ۱۱/۲۸ دولت سوئد قصد دارد جهت نجات عراق از سقوط اقتصادی در این کشور سرمایه گذاری نماید، دولت سوئد جهت تشویق شرکتهای سوئدی به سرمایه گذاری در این کشور قصد دارد ۷۰۰ میلیون کرون اعتبار در اختیار عراق قرار دهد.

اطلاعات ۶۳/۱۲/۳

مقامات درمانی سوئد از ملاقات رسانه های گروهی این کشور با مجروحین بمب شیمیایی جلوگیری میکنند که سفارت ایران به این امر اعتراض کرده و اعلام داشته این امر را تلاشی برای پوشانیدن جنایات صدام میدانند.

راه مجاهد: قابل توجه است که نخست وزیر سوئد، اولاف پاله معاون دبیر کل سازمان ملل است.

راد یو جمهوری اسلامی در تحلیلی به مناسبت قتل وی در تاریخ ۱۱/۱۲/۶۴ اینچنین گفت: به دلیل مواضع صلح دوستی و اعتقادش به همزیستی مسالمت آمیز و مخالفت با رژیم عراق در مبارزه با شیمیایی و... به قتل رسیده است

مطالب زیر جمع آوری نقطه نظرهای مختلف در مورد مشکلات و موانع انقلاب در عراق است. به این امید که با شناختی عمیقتر از مسائل، درونی عراق و درک حلالیت شعار آزادی قدس در این رابطه بتوانیم گامهای اساسیتری در راه انقلاب عراق برداریم.

ظاهر مردم فریب رژیم صدام

یکی از تحلیل گران خارجی در کتاب "تاریخ معاصر عراق" چنین آورده است که: وضع اقتصادی حکومت بعث عراق در زمان صدام از تمام دوره های قبل بهتر بوده است، زیرا در این دوره قیمت نفت تا ۳۴ دلار افزایش یافت.

خبرنگاری که به تازگی از عراق دیدار داشته در مورد ورود احساس متنوع غریبی به عراق که جذب کننده جوانان عراق بوده میگفت: در چند سال اخیر، به تازگی پسران جوان عراقی، شلوارهای "لی"، تنگ، لوله تفنگی به پایشان کرده، دکمه های پیراهنشان را باز میگذارند و به موهای خود مدل های جدید غرب را میدهند. همچنین دختران جوان عراقی، رغبت زیادی به کفشهای پاشنه بلند و آرایش صورت و ناخنهایشان نشان میدهند. این تحولات مرا به یاد اوایل ارتباطات رژیم شاه با غرب میاندازد.

مشکلات انقلاب عراق:

- ظاهر مردم فریب رژیم صدام
- شکل رادیکال رژیم صدام
- ناسیونالیسم شدید و تعصبات عشیره ای.
- جند دستگی مردم عراق
- حاکمیت تور پلیسی و سرکوب بی محابا

رفاه زیاد و ارزانی که ناشی از کمک های خارجی حامیان رژیم بعث میباشد، میگویند: بدنیال روی کار آمدن صدام تقریباً تمام روستاها را لوله کشی، برق و حتی تلویزیون رنگی دارند. میگویند: تحولات بغداد در ۵-۶ سال اخیر آنقدر زیاد بوده که با قیام از این سالها اصلاً قابل مقایسه نیست.

عده ای از مردم عراق میگویند: در هیچ حکومتی تا بحال اینقدر به مردم رسیدگی نکرده اند.

میگویند: در عراق کسی حرات گران فروشی ندارد و کاغذ بازی و معطلی در راه اندازی کار مردم زیاد دیده نمیشود، زیرا سرعاز سوی حکومت عراق، شناسایی و اعدام میشوند.

از شیوه های حکومتی صدام اینگونه میگویند که: صدام در یکی از شبها ساعت ۲ نیمه شب به یکی از بیمارستانهای کشیک، خیر نکرده، سرکشی میکند، زلنیکه با غیبت رئیس بیمارستان و دکتر کشیک مواحه میشود، رئیس بیمارستان را برکنار

کرده و در قبال قانع نشدن از جواب بیخک صبح زود در مقابل بیمارستان او را تیر باران میکند.

در همان کتاب ذکر شده آمده: صدام قبل از در دست گرفتن پست ریاست جمهوری روزی ۲ ساعت بطور مستقیم با مردم عراق تماس تلفنی داشته، که از دردهای آنها با خبر شده و قول مساعدت به آنان میداد

شکل رادیکال رژیم بعثی صدام

بسیاری از خیابانهای عراق نامهای خیابان فلسطین، قدس و... را به خود اختصاص داده اند.

حمایت هر چند ظاهری رژیم عراق از از نهضت آزادیبخش فلسطین و اجازه اسکان به آوارگان فلسطینی در عراق در حالی است که جمهوری اسلامی همچنین امکانی در اختیار نهضت فلسطین نگذاشته است.

ناسیونالیسم شدید و تعصبات عشیره ای

ناسیونالیسم شدید و تعصبات زیاده عشیره ای در میان مردم عراق موجب شده است که در رویارویی با نیروهای اسلام، متعصبانه با صدام احساس وحدت کنند.

جند دستگی مردم عراق

میگویند: کشور عراق به دلیل وجود

تشکیل واحدهای اسیرگیری در نیروهای عملیاتی لشکرا سلام مانند واحدهای حمل مجروحین نشان دهنده عملی علاقه ما به حفظ نیروهای عراقی جهت مبارزه با صهیونیسم میباشد.

فرقه های مختلف عشیره ای و قومی دارای ویژگیهای مختلف در مکانهای مختلفی است که بدلیل حرکت های شدید ضد دولتی در محاصره نظامی رژیم عراق است، شهرهای مرکزی و جنوبی چون بغداد و بصره منطقه اشکان شیعیان مرفه نشین بوده و این شهرها از بیشترین امکانات رفاهی برخوردارند. و شهرهایی که ماکن متبرکه را در خود جای داده اند، چون کربلا، نجف، کاظمین، منطقه اشکان شیعیان معتقد و مبارزی است که تحت تسلط مخفی پلیس بعث قرار داشته و هر تشکل و قیام در نطفه ای را شدیداً سرکوب میکند.

لذا تشکل و رهبری جهت قیام یک دست و سراسری در عراق را امکان پذیر نمی بیند

حاکمیت تور پلیسی و سرکوب بی محابا

بطور مثال تعداد بسیار زیاد زندانیان سیاسی و سرکوب خانوادگی آنها، نفوذ و گسترش حزب بعث از کودکستان تا ادارات و موسسات عراق، میگویند: در

رژیم صدام مانع بزرگی برای بسیج نیروها به سوی قدس است و به فرموده رهبر بزرگ انقلاب، راه قدس از کربلا میگذرد آیت الله منتظری



برجم فریاد  
خبر رسید ز قدسیان عرصه نور  
که قدس یکسره ازاد می شود والفجر  
که کربلای حسینی امیدواران را  
دوباره معبد میعاد می شود والفجر  
ز برق ضربه شمشیر شب شکاف فلک  
دریده سینه جلاذ می شود والفجر  
لهیب واقعه صدام را کند مصدوم  
عراق جلوه گاه داد می شود والفجر

حما سه فهمیده

خروساں کف به لب افتان و خیزان  
بسان خسته ای در بند می رفت  
ز خجلت سر فرو افکنده در پیش  
نظر سوی زمین، ارونند می رفت  
در این رفتن، شدن، هرگز نمی دید  
از آن رو رفتن بی حاصلی بود  
فروزش ناامیدی زانکه می دید  
گذرگاه سیاه باطلی بود  
چه می شد گر که با این سیلی موج  
به روی دشمن بد کار کوبد  
ز طفیانی به حق یاری رساند  
ز روی خاک ناحق را برو بد  
به چشم خویشتن ارونند می دید  
که اینک شهر خرم گشته خونین  
ز خون نوجوانان و جوانان  
تمام کوچ هایش لاله آذین  
میان خاک و خونها نوجوانی  
که شاید سال عمرش سیزده بود  
جوان یا نوجوان یا کودک خرد  
تفاوت نیست باید مرید بود  
علی بودن در این میدان مراد است  
سخن در اصغر و اکبر نباشد  
نشاید انتظار سال و مه برد  
مبادا فرصتی دیگر نباشد

جوان می دید شهر خویشتن را  
بسان زورقی در خون نشسته  
و یا چون پهلوانی پای در بند  
کشیده تیغ و در افسون نشسته  
خیابانها که از این پیشترها  
همیشه وعده گاه دوستان بود  
کنون بر نخلهای پرغوروش  
نسیم مرگ تا هر سوزوان بود  
دگر می دید بر لبهای یاران  
ز لبخند محبت جای پا نیست  
ز شادیا که در هر گوشه ای بود  
یکی از آنهمه دیگر بجا نیست  
جوان یک لحظه با اندیشه ای ژرف  
درنگی کرد و گرد خویش پانید  
به ناگه باشگفتی و به اندوه  
به پیش چشم خود آنسوی تردید  
روانه تانک تا آتش فروزد  
همه دیوارها را سازد آوار  
گذارد پای بر فرق جوانان  
نماند پیکری بر پا به یکبار  
به خود نازنجکی آویخت، گویی  
بدینسان خواست تا از جان ستیزد  
به زیر چرخهای تانک خسیبد  
شر شد تا به جان خصم ریزد  
خروشید آن زمان ارونند بر خویش  
که عمر رفته را افسوس باید  
که رفتنها و رفتنها عبث بود  
در این ره عزم اقیانوس باید  
اگر چه قرنها رفتیم و رفتیم  
همین یک لحظه از آن جمله خوشتر  
از او آموخت باید ره سپردن  
از این رو «رهبر» اورا خواند رهبر  
از محمد مهدی حلالی

استمرار جنگ، انشای ماهیت حزب  
بعث، انقلاب مردمی در عراق

اخبار عراق نشریه مجلس اعلاى . . . عراق  
شماره ۱۵۱ :  
ارد وگاه فلسطینیان آواره در عراق در ۱۵۰۰  
کیلومتری بغداد تحت کنترلهای شد بسند  
امنیتی قرار دارند افراد وگاه در نامه ای به  
یاسر عرفات خواستار بهبود وضع زندگی در  
شرایط سخت این ارد وگاه شده اند .  
يك كانال تلویزیونی بی بی سی در ۱۲/۱۶  
سال ۱۹۸۵ اعلام کرد که عرفات از رسانه های  
غریب خواستار باز دید از ارد وگاه فلسطینیان  
مقیم بغداد شده است ، ولی مقامات  
عراقی مخالفت کرده و دیدار را لغو کرده اند  
از سوی کردار عراق ، سفارت این رژیم  
در لبنان از سران فالانژیستهای لبنان  
دعوت کرد تا در محل سفارت حضور به هم  
رسانند .

حجت الاسلام رفسنجانی نماز جمعه  
۶۴/۱۲/۹ : بدین مضمون گفتند : رژیم  
عراق و رژیم (کمپدیویدی) مصراخیرا پهل  
هوایی میان دو کشور ایجاد کرده اند .

مجله الشراع چاپ لبنان - ۲۸/۱۱/۶۴  
مصر ۴۴۵ افسر خود را به بعضی کشورهای  
عربی از جمله عراق اعزام داشته است این عمل  
بد نیال اعدام اصران عراقی است که به  
سیاست های صدام در جنگ معترض بوده اند

اطلاعات ۲۸/۱۱/۶۴  
ویلیام کلارک مشاور امنیتی سابق رئیس  
جمهوری آمریکا در مسافرت به عراق و ملاقات  
با طارق عزیزو صدام گفته است : اگر عراق  
از طرح آمریکایی برپذیرفتن قطعه نامه  
۲۴۲ شورای امنیت از سوی سازمان  
آزاد بیخش فلسطین پشتیبانی نماید آمریکا  
هم متقابلا کمکهای نظامی خویش را افزایش  
خواهد داد و از موضع سیاسی این گف شور  
دفاع خواهد نمود . درخواست دیگر  
آمریکا حمایت عراق از امین جمیل در مقابل  
مخالفتی با طرح سوریه برای لبنان است

اطلاعات ۲۶/۱۱/۶۴  
ابوغزاله وزیر جنگ مصر گفت : عراق در  
وضعیت بحرانی و خطرناکی بسر میبرد و  
همچنان مثل قبل باید به کمکهای تسلیحاتی  
و اقتصادی خود ادامه دهیم .

شعار آزادی قدس : وحدت دهنده  
توده های مسلمان منطقه و حلال  
تضادهای کاذب است .

راه مجاهد : یکی از نکات اساسی جنگ  
اسلام و کفر این بوده است که در زمان شدت  
نیازمندی و احتیاجات تسلیحاتی و اقتصاد  
دو کشور ، بوضوح میبینیم که کدام کشور مستقل  
از اربابان شرقی و غریب حیات دارد و کدام  
کشور منزوی از حمایت توده ها ، سردر آخور  
شرق و غرب دارد .

استمرار مکتبی جنگ، اسلام و کفر، افشاگر  
هرچه بیشتر ماهیت ضد فلسطینی و  
صهیونیستی رژیم عراق میباشد و این امر  
بزرگترین کمک انقلاب اسلامی به ایجاد  
انقلاب در عراق و گل منطقه میباشد تا بنابر  
دعای آیت . . . منتظری به توسط ارتش  
۲۰ میلیونی روانه قدس شویم ، که این تنها  
راه آزادی قدس نیز میباشد .

توجه به اینکه خط مشی انقلاب اسلامی  
آزادی قدس است جا دارد به آوارگان  
فلسطین توجه بیشتری مبذول گردد .

در مورد سری اخباری که از نظرتان گذشت  
راه مجاهد :  
مهمترین انگیزه توده های منطقه و عراق  
مبارزه با صهیونیسم میباشد و همچنین  
یکی از ارکان اساسی حکومت های منطقه عربی  
جهنگیری شعارهای آنان علیه اسرائیل غاصب  
و حمایت از جنبش فلسطین میباشد .  
لذا ، روش برخورد تعالی بخش با ناسیو-  
نالسم عربی ،  
ایجاد محوری برای وحدت فرقه ها و  
عشیره های از هم گسسته عرب  
و تنه راه افشای ماهیت قدس نمایی  
و لغاظی های حکام منطقه  
جهت دادن تمامی افکار و انگیزه های  
مبارزاتی علیه صهیونیسم و بسوی آزادی  
قدس میباشد . در رابطه با عراق باید  
عمل نشان داده شود که جنگ ما با  
حاکمیت فعلی عراق به دلیل مانع است  
آنها از بسیج توده های منطقه علیه صهیونیسم  
میباشد .

چند پیشنهاد

۱ - متناسب بودن شدت عملیات رزمندگان  
اسلام با درجه رشد و پذیرش مردم عراق  
می شود اعتماد آنها را

در حالیکه بیش از یک میلیون آوارگان مستضعف  
افغانی را اسکان داده ایم ، با توجه به اینکه  
خط مشی انقلاب اسلامی آزادی قدس است جا دارد  
آوارگان فلسطین توجه بیشتری مبذول گردد .

آنها در این امر که دشمن آنان نیستیم  
طلب نمائیم .

۲ - تشکیل واحدهای اسیرگیری در واحدها  
و گردانها و تیپهای عملیاتی لشکر اسلام  
آنگونه که واحدهایی جهت حمل مجروحین  
در شب عملیات تدارک دیده ایم . این امر  
نشان دهنده عملی ، علاقه و ارزش گذاری  
ما به حفظ نیروهای نظامی عراق جهت  
مبارزه با صهیونیسم میباشد .

۳ - حمایت گسترده و عملی از نهضت  
آزاد بیخش فلسطین با عمل به توصیه های  
آیت . . . منتظری در تشکیل دانشگاه قدس  
جهت جوانان فلسطینی و اسکان گسترده مردم  
فلسطین .

انجام این امور موجب میشود که :  
اولا : در حمایت از مبارزات فلسطین از  
کشورهای ما . هیتا رفرمیسم عربی عقب  
نمانیم و بدین وسیله در عین حالیکه  
وظیفه تاریخیمان را انجام داده ایم ، جای  
بیشتری در میان توده های عرب منطقه باز  
نمائیم .

دوما : شعار آزادی کربلا برای آزادی  
قدس از یک دعا در آمده و صورت عملی به  
خود میگردد . زیرا این شبهه حتی در میان  
نیروهای انقلاب اسلامی وجود دارد که اگر  
آزادی کربلا برای آزادی قدس میباشد ،  
پس چرا هم حمایت عملی از نهضت فلسطین  
نمیکنیم .

سوما : با توجه به اینکه انقلاب  
فلسطین بسیار طولانی تر و ریشه دارتر از  
انقلاب افغانستان میباشد در حالیکه  
بیش از یک میلیون آوارگان مستضعف  
افغانی را در ایران اسکان داده ایم و با

کودکستانها و مدارس ابتدایی از بچه ها  
برسیده میشود ، که آیا صدام را دوستداری  
یا نه ؟ بدرت صدام را دوستداری یا نه ؟  
از طریق این سوالات به خوفگری حاکم بر  
خانواده هایی برده و عکس العمل مناسب  
را نشان میدهند .

میگویند : در تمام گوجه به گوجه های  
عراق در هر گوجه حداقل یک عضو افتخاری  
حزب بعث زندگی میکنند که تمام گزارشات  
و رفت و آمدها را کنترل دارد .

میگویند : عضویت در حزب بعث برای  
تمامی مردم عراق اجباری است .

میگویند : حزب بعث از آنجائیکه دارای  
ایدئولوژی به ظاهر منسجمی میباشد ،  
ملکودش از ساواک در ایران بسیار بیصیه تر  
و قویتر است .

در نشریه اخبار عراق از مجلس اعلاى  
انقلاب اسلامی عراق ، شماره ۱۵۴ آمده  
است که : به گزارش منابع موثق از کرکوک  
رژیم صدام با اعدام ۲۵ نفر دیگر از  
حوانان در میدان این شهر ، که با حضور  
احباری دانش آموزان همراه بود ، تعداد  
اعدام شدگان این شهر به ۵۶۰ نفر رسید  
این عده به دلیل امتناع از حضور در  
سبها اعدام شدند .

در یکی از جلسات حزب بعث ، صدام به  
یکی از اعضای حزب بعث میگوید : اگر بول  
هایی را که در بانکداری تقدیم جبهه نکنی  
تورا از وسط پر می دهم . مسلم است وقتی  
که صدام با حزبش اینگونه برخورد میکند  
این حزب چگونه عقده هایش را روی مردم  
مستضعف عراق خالی میکند .

حجت الاسلام رفسنجانی در خطبه دوم نماز  
جمعه تهران ۶۴/۱۲/۹ گفت : یکی از مقامات  
عرب به ما گفت که یک روز صدام سران حزب  
و ارتش را در جلسه ای جمع کرده و به آنها  
میگوید با توجه به واقعیت های موجود ، من  
میان خودم و عراق ، تصمیم گرفتم که  
بروم تا عراق بماند ، میخواستم این نظر  
را با شما مطرح کنم تا بگوئید ، چگونه بروم  
بهرتر است و چه کسی به جای من بیاید خوب  
است ؟ در کش و قوس این بحثها عده ای از  
سران که گول ترغیب صدام را خورده به تایید  
نظراتش میپردازند ، پس از پایان جلسه  
طعمه گلوله میشود .

در نشریه اخبار عراق شماره ۱۵۴ آمده

است که رژیم عراق اخیرا شهرهای " قره  
داغ " ، " یازور " ، و دیوان " عراق را  
در محاصره نظامی در آورده است و همچنین  
روستای " قرکه " در نزدیکی شهر سلطیه  
را سوزانده و روستاهای " ویلتر " و  
" دوگانی " را بمباران شیمیایی کرده  
است .

در همین نشریه بنا بر گزارش سازمان  
عفو بین الملل آمده است : بیش از ۵۰ کودک  
عراقی در سنین بین ۱۵ تا ۱۴ سال در  
زندانیهای عراق مورد شکنجه قرار گرفته  
اند .



# اخبار داخلی و اقتصادی

شیوه مقاومت در برابر سرمایه داری

شیوه برخورد با مشکلات اجتماعی

عده ای از برادران دلسوز معتقدند:

اولاً - دست بخش خصوصی در همه زمینه ها دارد باز میشود و هر روز بر قدرتش افزوده میگردد. هر لایحه مترقی هم که از مجلس بگذرد با بن بست مواجه میشود و تعطیل میگردد و کلاً اینها معتقدند فقط رایج هم همان فقه مراجع مخالف انقلاب و فقه سرمایه داری بوده و به ادامه این سیر کفک میکند و هیچکس اجازه مبارزه با سرمایه داری را نمیدهد و از سوی دیگر فقهی هم در سطح نظام ارائه نداده ایم که بتواند دست و پای سرمایه داری و استثمار را ببندد.

ثانیاً - با این سیری که پیش میسرود و بودجه ای که بود و دولت سنگینی میکند فکر نمیکنیم دولت با ضعف مالی اش بتواند ۲ یا ۳ سال بیشتر دوام بیاورد. از سوی دیگر چون دست بخش خصوصی باز است و پشتشان هم گرم است تمام طرحهای اقتصادی دولت و هر چه سه با پول نفت مستضعفین وارد میشود منافعتش به جیب بخش خصوصی میروند.

لذا بهتر است بجای این یک بام و دو هوا کار کردن بیابیم سوسیدها را قطع کنیم، کنترل دولت را از همه چیز برداریم و صنایع و کارخانجات را هم به بخش خصوصی واگذار کنیم. تا اینکه مملکت یک دست تر شود و سرمایه داری هر چه بیشتر ماهیت خود را به مردم نشان بدهد که طبعاً با مقاومت مردم هم روبرو خواهد شد.

راه مجاهد

بنظر نمیرسد چنین روش مبارزه ای با سرمایه داری صحیح و ثمر بخش باشد زیرا:

اولاً - هر لحظه مقاومت برای حفظ روابطی که در برابر سرمایه داری مقاومت میکند نه تنها عمل صالحی است بلکه باعث میشود فشار از روی نیروهای مبارز و متعهد در جامعه برداشته شود و آنها بتدریج رشد کنند. رشد چنین نیروهایی در جامعه به نوبه خود فرج و گشایش بسیاری برای انقلاب بوجود خواهد آورد که شاید در شرایط فعلی برای ما قابل پیش بینی نباشد.

ثانیاً - اگر ما در جهت تقویت عمل صالح آزادی قدس و جنگ اسلام و کفر قدم برداریم و به تقویت کانون رهبری و جانشینی آن بپردازیم انقلاب بیمه خواهد شد و فعالیت بخش خصوصی هم در چنین شرایطی ناگرمی و اجباراً در خدمت انقلاب، خود کفایی و استقلال در خواهد آمد.

ثالثاً - برای مبارزه بنیادی با سرمایه داری لازم است روی ایدئولوژی مقاوم در برابر سرمایه داری کار بشود و فقه سنتی پویای چهارده معصوم که متضمن عدل الهی است بعنوان راهنمای عمل ارائه گردد.

مجله حوزه شماره ۱۲ دیماه ۱۳۶۴ سر مقاله ای تحت عنوان "شیوه برخورد با مشکلات اجتماعی" دارد. در این مقاله ابتدا به لزوم سرعت عمل برای حل مشکلات تاکید نموده و میگوید:

"هر چه زمان بگذرد و سنین انقلاب افزایش یابد، بهر موران از شرایط موجود جاباهای محکمتری را باز میکنند، کلیدهای نفوذی انقلاب را می یابند، و در آن صورت است که دیگر حتی "نسل انقلابی" هم شکل نمیگیرد بلکه همان "نسل گذشته" به حکمرانی مرثی و نامرثی ادامه خواهند داد."

بعد مسئولین را به دادرسی مظلومان و مردمان جامعه فراخوانده و میگوید:

"در مجموع شکایاتی که در سال ۶۱ به یکی از نهاد های عالی رتبه مملکت رسیده بود، از مجموعه نامه، فقط یک درصد آن را "کشاورزان" ارسال نموده بودند. روستائیان که ۵۰ درصد جامعه ایرانی را می سازند، فقط سهمی به اندازه یک درصد، در انتقال مشکلات خود به آن نهاد را داشته اند و عد البته که اینان نیز تماماً کشاورزان پینه بدست نبودند. که در این زمان ملاکان و ثنود الان نیز بانام "کشاورز" امضا می کنند و اسم رمز "دهقان" را پذیرفته اند.

و سپس در صورت برخورد بنیادی نه مقطعی با درد دل مظلومان می افزاید:

"مقابل حساب نشده با مشکلات، از آن نشأت میگیرد که در صد برنی آیم در نقطه پیدایش نواقص و قبل از گسترش آن، به مبارزه برخیزیم. همواره وسعت آنست که مارا به فکر می افکند، و انفجار آن ما را به تکان و میبازد و متاسفانه همیشه هم دیر شده است.

آنگاه به مبارزه با بی حجابی بر می خیزیم که موتور سواران در خیابان به حرکت در می آیند و با شیوه های درست و نادرست، به برخورد و مقابله برخیزند. در آن موقعیت مصاحبه ای پس از مصاحبه ای! و تهدیدی پس از تهدیدی دیگر را شاهد هستیم! پیش یا پس از آن سکوت یا شبهه سکوت.

و آنگاه برای چاره دردها و مشکلات به لزوم "سیاستگذاری" و "برنامه ریزی" اشاره میکند تا اختلاف در مسائل اجرایی بیش نیاید.

"علاوه بر آن، در صورت وجود برنامه ریزی مدون در مجموعه نهاد های تابعه دولت، کابینه از سیاست منسجم در اجراء بهره مند خواهد شد، و بر اساس طرح و برنامه میزان اولویتها مشخص میگردد و سردرگمی در تعیین اولویتها رفع خواهد شد، و الا شرایط موجود ادامه خواهد یافت که پس از حدود ۷ سال از انقلاب در تردیدیم که اولویت در برنامه ریزی برای کشاورزی است یا تولید

نویسنده برای برنامه ریزی رعایت دو نکته را لازم میداند:

"همت در رفع مشکلات زیر بنایی از اهم مسائلی است که توجه به آن در سیاستگذاری لازم و ضروری است. گمانیکه بحل نارسائی های اندیشنده، بایستی به پی ریزی بنیاد بیکره انقلاب بر آیند، و تزیین نقش و ایوان را به بهای و پرانی خانه از پای بست نجویند."

مساله دیگر "نگرش سیستمی" به این مشکلات است زیرا پیوستگی و ارتباط مسائل اجتماعی ایجاب می کند که "دیدگاه تجزیه ای" بسا "نظرگاه کلی" در هم آمیزد، و حل هیچ مشکله ای به تنهایی سنجیده نشود، بلکه آثار و روابط آن با سایر معضلات اجتماعی به حساب آید.

راه مجاهد: بنظر می رسد مسئله مهم در برنامه ریزی صحیح آنست که متکی به بسیج اصولی توده ها باشد که امری با ثبات و پایدار و قابل تکیه است و ما را از شرق و غرب بی نیاز میکند. اما برنامه ریزیهای موجود عمدتاً به درآمد نفت متکی است و انجام همه امور مشروط و منوط به ثبات نفتی میشود حال آن که با بسیج توده های حق طلب در جنگ اسلام و کفر و توطئه های دشمن ثبات نفتی بهم می ریزد و اغلب برنامه ریزیها هم متزلزل میگردد. هم چنین باید توجه داشت که نگرش سیستمی و ریشه ای بطور عمومی وجود دارد اما نیاز جامعه ما انتخاب سیستم درست و ریشه یابی واقعی است. در شرایط فعلی یک نگرش میگوید جنگ باید بنحو صحیح ادامه پیدا کند تا انقلاب اسلامی صادر شود و قدس آزاد گردد و در سیستم دیگر گفته میشود جنگ بهر نحو ممکن هر چه زودتر تمام شود تا به مسائل داخلی و اقتصادی بپردازیم.

**دعوی بخش خصوصی و بخش دولتی یک دعوی کاذب است زیرا در آموهد و ایشان از نفت تا مین میشود، در این میان آن جویانی مترقی تر است که در جهت خود کفایی و استقلال از نفت فعال تر باشد.**

مجله حوزه در پایان سر مقاله به یک نکته اساسی برای در آوردن راه حل مشکلات اشاره میکند: "ایجاد شرایط مساعد برای اندیشه صاحب نظران، از مسائلی است که بارها بر آن تاکید شده است. و از آن جمله تاکیدات مکرر آیت الله منتظری در لزوم استفاده از این نظریات در کمیسیونهای مختلف مجلس شورای اسلامی."

نکته ای لازم به یاد آوری است که بهره جویی از اندیشه های مردمی، در انحصار صاحب نظران اسم و رسم دار نیست، بلکه بایستی قدر اندیشه های بکر را هم شناخت و زمینه طرح و نشر آن افکار را نیز فراهم کرد، زیرا چه بسا اینان که از گورهای مذاب انقلاب بر آمده اند، با مذاق آن آشناتر باشند و طرحهای آنان نیز الفتی بیشتر با آرا منتهی نهضت داشته باشد.

والسلام

خود کفایی اقتصادی

یک صاحب نظر ملی - مذهبی گفته است مسئله اصلی ایران در کادر، تضاد "کار و سرمایه" نیست. مشکل ایران نیز در این کادر غیر قابل حل است. وی معتقد است حقوق متوسط کارگر بعد از انقلاب بیشتر از حقوق متوسط کارمند بوده است. مشکل صنایع ما وابستگی است. خواه به دست دولت اداره شود، خواه به دست بخش خصوصی. مسئله اصلی ایران خود کفایی شدن در برابر امپریالیسم است.

امثال شخص فوق الذکر صرفاً "طرفدار کارند (کارگر) و نه صرفاً "طرفدار سرمایه دار". بلکه میگویند هر تلاشی که در جهت خود کفایی ایران انجام گیرد ارزش دارد، خواه این تلاش را بخش خصوصی انجام دهد، خواه بخش دولتی. این تلاش را کارگر انجام دهد یا کارکنان سبک ریا سرمایه دار. اینها میگویند تقویت کار و داریها و دامداریهای داخل، بهتر است از واردات گوشت از ژرژانتین. اگر چه تقویت دامداران و گاو داران به تقویت بخش خصوصی بیانجامد. در مرحله فعلی افزایش تولید به خود کفایی نزدیکتر است و استقلال از نفت فعلی تر باشد.

**راه مجاهد:**

واقعیت اینست که دعوی بخش خصوصی و بخش دولتی یک دعوی کاذب است، چرا که بخش خصوصی به کمک ارزهای حاصله از درآمد نفت به کار واردات اجناس و مواد اولیه میپردازد. بخش دولتی نیز از همین طریق عمل میکند. در این میان مترقی تر آن جویانی است که در جهت خود کفایی و استقلال از نفت فعال تر باشد.

**برای مبارزه بنیادی با سرمایه داری باید روی ایدئولوژی مقاوم در برابر سرمایه داری کار بشود و فقه سنتی پویای چهارده معصوم که متضمن عدل الهی است بعنوان راهنمای عمل ارائه گردد.**

در حال حاضر اصلی ترین کار اقتصادی کشور "خود کفایی در برابر امپریالیسم" و "طراحی زندگی بدون تکیه به درآمد نفت" بهتر گوئیم "خود کفایی در خط مشی آزادی قدس است."

نیل به خود کفایی و توکل در شنا

عده ای معتقدند برای نیل به خود کفایی اقتصادی و ترک از وابستگی، بایستی به یکباره صنایع وابسته را با جرات و شجاعت رها کرد. بعنوان مثال میگویند مرغاره ماعدتا "وابسته بوده و ۹۹٪" "دان مرغ" را

**ما دفاع داریم می کنیم از حق اسلام ما جنگ نمی خواهیم از اول هم جنگ نداشتیم ما با بی جنگ نبودیم**



# توفیقای اجباری جمهوری اسلامی

۶۲/۱۱/۲۸

ما به نظری می‌توانیم انقلاب تاکنون پنج توفیق اجباری داشته‌ایم که در هر کدام از آنها، توطئه، شیطانی دشمن، سینه خودش سرگشته و در هر یک از این استلاکات مردم زنده تر شده و درجه بیسختان بالاتر رفته است. این توفیقا عبارتند از:

۱- توطئه جنگ تحمیلی  
توطئه جنگ تحمیلی، علیرغم میل دشمن، مردم را احیاناً نمود و توانستیم به شیوه انقلابی دفع تجاوز نماییم.

۲- توطئه ۳۰ خرداد  
در این روز روحیستنها میخواستند نظام را سرنگون کنند. ولی مردم بیدار و هوشیار ما انقلاب را دوباره یافته و با آن انس و الفت بیشتری پیدا کردند و در نهایت موفق شدند هم از انقلاب دفاع کنند و هم توطئه را خنثی نمایند. در این استلاء، عشق مردم به انقلاب و امام عمیق تر شد.

۳- حادثه ۷ تیر  
در این روز نیز روحیستنها میخواستند با انفجار دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی و به شهادت رساندن مسئولین و محرابان انقلاب به شیوه فونیکس، نظام جمهوری اسلامی را سرنگون سازند تا مغزهای دور اندیش را از بین برده و نظام را به روزمره گسی و عکس العملی و خشونت نکشاند. در روز نهم تیرماه، مردم به صحنه آمده و در تشییع جنازه شهدای انفجار شرکت کرده و توطئه دشمن را نقش بر آب نمودند. و یکبار دیگر مردم عشق و وفاداری خود را به امام و انقلاب عمیق تر کردند.

۴- جنگ شهرها  
صدامیان جنگ شهرها را به منظور به زانو آوردن مردم و مسئولین، آغاز کردند. ولی بیاری خداوند، مردم ما عشق و علاقه بیشتری مقاومت کرده و حماسه بوم الله قدس را ایجا کردند. که نقطه عطفی در تاریخ انقلاب بود و منجر به توقف سواران شهرها گشت و سرآغاز یک سلسله حرکتهای زنجیره‌ای در حبسه‌ها شد.

۵- قیمت شکنی نفت  
دشمنان مشترک انقلاب اسلامی در یک توطئه هماهنگ، سعی دارند با کاهش فاض قیمت نفت و جلوگیری از صدور (توسط سوارانها) و افزایش هزینه تولید، ما را از در آمد نفت محروم کنند. تا نا ارضیها را بسج کرده، در نهایت نظام جمهوری اسلامی را ساقط و جنگ را پایان دهند. غافل از اینکه ملت ایران تحریر، اقتصاد بدون نفت را یکبار پشت سر گذاشته است. برکات و امیدزایی در این استلاء نهفته است. انشاء الله مردم به رهبری امام و رهنمودهای آیت الله منتظری مانع از دست خودکفائی این توطئه را نیز خنثی خواهند کرد. تا چاشکیه دشمن بعدها خواهد گفت عجب کاراشناهی کردیم.

اللهم اكفنا من شر الحين والايمن من اعدائنا  
بارخدا یا ما را از شر توطئه‌های دشمنان حسی و انسی‌مان  
مصون دار  
اللهم ومن ارادنا بسوء فاردده ومن كادنا فاكده  
بارخدا یا سو، نیت و کید دشمن را به خود او و بازگردان

داربها از خارج می‌آید. برای رها شستی باستی ترک واستگی کردتا مرعدار بهک سومی یا بگرد.  
عده‌ای دیگر نظر مقابل اینها داشته و میگویند: صنایع واسته را وقتی باید رها کرد که چیزی جهت حاشستی آن داشته باشیم. تا در این رهگذر هیچگونه سیستمی در کشور وجود نیاید.

## راه محساهد:

بسل به خودکفائی شیهه با دگرگفتن "شنا" می‌باشد. ممکن است کسی به لحاظ تشویق شنا کردن را خوب بداند، ولی در نهایت برای شنا کردن باید با توکل بخدا خود را داخل آب بیندازد. نیاز به روی آب ماندن موجب میشود که شنا را خوب یاد بگیرد، اگر چه دفعه اول ممکن است کمی جلب، جلب کرد و دست و پیا بزینم و به اصطلاح شناگران گردد و خاک کنیم. اگر کسی بگوید وقتی در آب شیرجه می‌روم که یقین داشته باشم حرکات دست و پیا و نفس و... از همان ابتدا منظم باشد، هیچگاه شنا کردن را یاد نمی‌گیرد.

## (خودکفایی اقتصادی) صادرات غیرنفتی

صادرات هندوانه در برابر لوازم طبی  
با کاهش درآمد ارزی در ماههای اخیر دولت طی تصمیمنامه ای به وارد کنندگان کالا های مجاز اجازه داده که از مورد نیاز خود را با صدور کالاهای کشاورزی تامین کنند از جمله یکی از وارد کنندگان لوازم طبی در ماههای گذشته هندوانه و خربزه و چند قلم دیگر از این نوع محصولات را به خارج صادر کرده بود مقابل لوازم طبی وارد کرده است

## بخش خصوصی و حرکت دانشجویان

چند ماه پیش دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی که فاقد مسکن و خوابگاه بودند یک ساختمان ۶ طبقه در حوالی پل تجرش را که به یکی از سرمایه داران معروف بنام حاج محمود سرشار تعلق داشت تصرف نمودند مالک این ساختمان چند سال بود که به آپارتمانهای آنرا به کسی اجاره نداد و خالی نگه داشته بود تا در بهترین فرصت آنرا به حد اکثر قیمت بفروشد برساند بدنبال این موضوع عده ای از بازاریان طی جلسه ای در مسجد الغدیج جهت کمک به دانشگاه شهید بهشتی برای تهیه مسکن و خوابگاه برای دانشجویان مبلغ ۲۷ میلیون تومان جمع آوری نمودند  
راه مجاهد

بنظر میرسد انگیزه عده ای از این آقایان رسیدن به اجر اخروی و خدمتی به همنوع باشد، ولی انگیزه جمعی دیگر گویا این بود که بدینوسیله با پرداخت بخش ناچیسسری از سودهای کلان خود دانشجویان را اسکان داده و امنیتش برای سرمایه ها و ساختمانهای خود فراهم نمایند

## مشارکت بخش خصوصی در امور اجرایی

اخیرا نیز طی جلسه ای از بازاریان در مسجد الغدیج (واقع در خیابان ظفرشیران) چندین میلیون تومان جهت کمک به بیمارستان قلب و تامین کسر بودجه بیمارستانها جمع آوری شده است

## خری از بازار

بهمین ۶۴ شخصی میگفت خرید و فروش در بازار بسیار رکاد است. زیرا قدرت خرید مردم پایین است و قیمتتها بالا. او میگفت تجارت در بازار برای تجار سودزایش تعیین شده ای داشت و همین دلیل برای آنها شده ای داشت و همین بولشان را در کارهای تولیدی می‌اندازند و آنها را "حاضر نیستند زحمت کار تولیدی را می‌پذیرند، بخصوص که در کار تولیدی اصطلاحاً تماشاگران با دولت است. این شخص میگفت شیوه ای که هم اکنون عده ای در بازار کار می‌نمایند است که از یک نوع جنس هر چه در بازار موجود است را می‌خرند تا خودتنها مالک آن جنس میشوند و پس از مدتی آنرا به قیمتی بالاتر می‌فروشند و همین عمل را شخص دیگری دوباره تکرار میکند. این شخص مثال میزد که مثلاً ترنجبین در بازار سال قبل کیلوئی ۱۸۰ - تومان بود، سال قبل ترنجبین نوک در بازار آمده راه انبارها بردند و این ترنجبین

۱۸۰ تومانی هم در خرید و فروشهای مشابه آنچه که گفته شده کیلوئی ۴۰۰ تومان رسد و حالا که کم کم می‌خواهد ترنجبین نوسه بازاریا بیاید، آن ترنجبین سال قبل را دارند و اردیاباز می‌کنند. او میگفت این شیوه باعث شده بازار تعدل قیمتی نداشته باشد.

## نفت و حاکمیت انقلابیون

عده ای در ایران و منطقه معتقدند که اگر عراق تاسیسات صدور نفت ایران در خاارک را منهدم کند و وابستگی ما به درآمد نفت قطع شود تند روها (انقلابیون) بیشتر حاکم شده و کارها را بدست خواهند گرفت که این امر به ضرر منافع غرب و جناحهای رفاه طلب و میانه رو است  
این عده تلاش میکنند رژیم عراق را از طریق رژیمهای نظیر عربستان و کویت و... زیر فشار قرار دهند تا از انهدام خاارک منصرف شود

## نوکر آمریکاییان

یک روستائی که پشت چراغ قرمز سیگار می فروخت میگفت: درده هر چه در می‌آوردم به خان میدادم اما حالا که در شهر هستم، خودم آقای خودم هستم و هر چه کاسی میکنم مال خودم است.  
راه محاهد: شخصی میگفت او در روستا از روی اگرانه خان خدمت میکرد و حالا از روی میل نوکر آمریکایی شده.

شعار، مقدمه، عمسال  
عده ای مطرح میکنند که "جمهوری اسلامی همه اش شعرا میدهد تا شعرا را دادن که کار درست نمیشود."  
راه محساهد:  
اولاً هر شعاری مقدمه، عمل به آن نیست بگروزی گفتن "مرگ بر شاه" و "مرگ بر بختیار" و... شعاری بیش نبود. ولی سبب دیدیم که چگونه این شعرا را تحقق یافت مردم همینکه مرگ بر شاه میگفتند، ترسشان از دشمن ریخته و جراتشان بالامیرفت و با دست خالی وسینه‌های استمرطوبی گلوله های دشمن ایستادند، تا نظام را سرنگون کردند. پس اینگونه شعرا را نسه تنهایی فایده نبوده بلکه حرکت آفرین است.  
ثانیاً اگر دیده میشود بعضی از شعارها از محتوای خوبی برخوردار نیست باستی سعی کنیم محتوای خوبی بدان ببخشیم نه اینکه از سبب بیان آن مخالفت نماییم ثالثاً از کسانیکه با شعار ره‌های جمهوری اسلامی مخالفت میکنند، سؤال میکنیم که چرا آن زمان با شعار "مرگ بر شاه" مخالفت نمی‌کردند؟ آیا باخاطر این نبوده که میدیدند به حاکمیت خودشان منتهی میشود؟

تو خود با رحمت واسعه خود به مسلمین نظر بفرما و همه ما و آنها را از قید خود و عبودیت بتها خالصاً بت نفت نجات بده امام خمینی



### قسمتهائی از سخنرانی و پرسش و پاسخ

## حجة الاسلام خامنه‌ای

### در جمع دانشجویان مسلمان دانشگاه تهران

#### قسمتهائی از متن

سخنرانی و پرسش و پاسخ  
حجة الاسلام سید علی خامنه‌ای در

جمع دانشجویان مسلمان در  
مسجد دانشگاه تهران  
(جلسه اول)

#### رابطه بلا واسطه با مردم

من اگر میتوانم در یک مسجد بروم  
و امام جماعت شویم در همین مسئولیت کنونی  
و در معرض سؤال و پاسخ باشم، حتماً این  
کار را می‌کند. دست می‌دارم با قشرهای  
مختلف مردم این رویارویی باشد. روی روی در  
گفتن و شنیدن...

#### نقش دانشجویان در تحولات اجتماعی

... اگر شما عالم متعهد - متدین -  
دلسوز - پراکنجه - پر جوش و خروش - نترس  
شجاع - گستاخ در برابر زورگوئیها - حلیم  
و صبور در مقابل سختیها - آگاه از مسئولیتی  
که به عهده خواهید گرفت - دلسوز نسبت  
به مردمی که برای آنها خدمت خواهید کرد  
اگر اینطور بار بیاورید مملکت آینده‌اش تضمین  
شده است...

... از یک جهت دیگر هم دانشگاه مهم  
است و آن نقش است که یک مشت جوان آنهم  
نه جوان معمولی، جوان آگاه و باسواد جوان  
تحلیلگر، جوانی که قدرت فهم سواد  
و رویدادهای گوناگون سیاسی و فطری و اخلاقی  
را دارد، یک جمع جوان با این خصوصیات در  
حرکت انقلابی جامعه یک نقش غیر قابل انکار  
دارند. این همان نقشی است که دانشگاه  
قبل از انقلاب ایفا کرده است. قبل از انقلاب  
بخاطر همین خصوصیات در جوان و در محیط  
دانشگاه بود که دانشگاه یکی از مراکز مبارزه  
و دانشجویی از قشرهای پیشرو در مبارزه بود  
... آیا نقش دانشگاه به پایان رسید؟ نقش  
دانشجویی به انتها رسید؟ یا نه باز هم  
دانشجویان نقش دارند؟ همان دلیل و همان  
استدلال عیناً اینجا موجود است. اگر این  
جمع جوان در این محیط دانشجویی جوان  
و آگاهی بخش و فرهنگی میتوانستند در دوران  
جزو قشرهای پیشرو باشند امروز هم میتوانند  
پس دانشگاه از این جهت هم حساس است  
دانشگاه آن نقطه دقیق و پیشروی  
است که هر خطی را که او در پیش گرفت، هر  
راهی را که او شکافت، و جلورفت پشت سرش  
بطور طبیعی یک حرکت بزرگی بوجود خواهد  
آمد...

#### آزاد منشی و استقلال طلبی امت اسلام

... آنروز مگر ما با چه کسی رویارو بودیم؟ با  
یک نظام پویشالی با یک تشکیلات پوچ تو خالی  
با یک مشت مأمورین مزدور بی ایمان که ایمان

به همان کاری هم که میکردند نداشتند، با  
یک مشت مردمان بی فکر، و در کنار ما نبوه  
انسانهای مؤمن و عاشق و صادق بودند که  
اگر ما صادقانه حرکت میکردیم و اگر سخن  
درست و حقی را از کسی می شنیدند راه می  
افتادند بیدریغ هم حرکت میکردند. امروز  
مسئله ما این نیست، امروز مسئله ما حیات و  
مرگ یک تفکر در نیاست، آنهم عبارت از تفکر  
آزاد و مستقل زیستن یک ملت و نه گفتن به زور  
زورمداری و سلطه طلبی است...

#### اسلام و عدالت اجتماعی

... من ۲ - علیرغم اینکه قسط یکسانی از  
اهداف عمده انبیا عطا نمود لطفاً بفرمائید  
بالاخره مسئله عدالت اجتماعی و اقتصادی  
در انقلاب ما چگونه خواهد شد با توجه به  
برداشتهای گوناگون فقهی؟  
... اولاً قسط یعنی عدل اقتصادی و -  
اجتماعی در جامعه، یکی از آن چیزهای  
اصلی است در جامعه اسلامی و بدون آن  
هیچ جامعه‌ای نمیتواند ادعا کند که اسلامی  
است. در این هیچ شکی نباید داشت...

#### ولایت فقیه در نظام اقتصادی و اجتماعی

... در نظام جمهوری اسلامی همانطور که  
شما میدانید ملاک قوانین، فتوای این فقیه و  
آن فقیه نیست فتوای رهبر است. و رهبر هم یک  
نفر است. اینجور نیست که در جامعه اسلامی  
اگر صد فقیه جامع الشرایط مجتهد وجود  
دارند ما برای اینکه یک تصمیم اقتصادی بگیریم  
در زمینه اراضی شهری در زمینه اراضی  
کشاورزی، در زمینه آبها، کارخانه‌ها، ثروتها  
در آمده‌ها یا در زمینه دیگر اگر بخواهیم  
تصمیم بگیریم برویم پیش آن فقیه و این فقیه که نظر  
شما چیست، اینطور نیست. در آن چیزهایی  
که به نظام اجتماعی وابسته است و تشکیلات  
دهنده بنیان و پیکره نظام است یک فتوا  
معتبر است و آن فتوای رهبر است. این از امور  
مسئله است. بلکه در مسائل جزئی فردی که  
هیچ ارتباطی به نظام ندارد مثل شک ۳ و ۴  
مثل یکبار یاد و بار آب کشیدن دست، مثل  
اینکه در غسل ترتیبی اول طرف راست را بشوئیم  
و طرف چپ را بشوئیم... در این مسائل  
ممکن است یک نفر به فقیه دیگری مراجعه کند  
غیر از رهبر و مانع ندارد. اما در اینکه جهاد  
لازم است یا نه و یا کی لازم است و چگونه لازم  
است و هر چه کسی لازم است. آیا تعدیل ثروت  
لازم است یا نیست؟ آیا تقسیم اراضی لازم  
است یا نیست؟ و چگونه و در چه حد، در اینجا  
دیگر فتوای فقهای دیگر مطرح نیست فتوای  
یک فقیه مطرح است و آن فقیه رهبر است و لا  
غیر...

### روش فهم کتاب و سنت: متد فقهات

... فقه مرجع قوانین و پایه و اصل قوانین  
است. فقه هم یعنی فهم کتاب و سنت. فهم  
کتاب و سنت هم یک روش و متد دارد...  
آنی که در حوزه ما محور است آن متد فقهات  
است که در حوزه ما تعلیم میشود... با متد  
فقهات میتوان فقه یعنی دین را فهمید یعنی  
احکام دین را از کتاب و سنت بدست آورد...

#### فقه غیر سیاسی

... فقه مادر گذشته غالباً متوجه احکام  
فردی بوده این چیزی نیست که پنهان  
و پوشیده باشد. علت اینست که فقهای شیعه  
در طول این هزار سالی که فقهات ما تدوین  
شده است (ما ۱۰۰ سال است که فقهات  
تدوین شده داریم) حکومت نه هیچ وقت  
دست فقهای ما بوده و نه هیچوقت نظام  
حکومتی از قیامان استفسار و استفتاء حقیقی  
داشته تا اینها بخواهند جوابش را بدهند  
هیچوقت نظام اسلامی بر سر کار بوده لذا  
فقها برای چه کسی میخواستند مثلاً بنشینند  
شرایط حاکم را رویش بحث و تحقیق کنند یا  
جهاد با اعدا را رویش مباحثه و تحقیق کنند  
خیلی کم میکردند...  
... بعد ها هر چه که فاصله جریان فقهی  
شیعه با حکومت بیشتر شده گرایش به احکام  
فردی بیشتر و گرایش به احکام اجتماعی کمتر  
شده...

#### قسط یعنی عدل اقتصادی و اجتماعی

اجتماعی در جامعه، یکی از آن چیزهای  
اصلی است در جامعه اسلامی و بدون آن  
هیچ جامعه‌ای نمیتواند ادعا کند که اسلامی  
است. در این هیچ شکی نباید داشت...

#### "حجت الاسلام خامنه‌ای"

#### فقه سیاسی

... بعضی از فضلاء جوان آنروز که امروز  
جز بزرگان هستند و جز مدرسین هستند  
بسیاری از آنها بهتراز همه و قویتر از همه  
آیه الله العظمی منتظری راجع به مسائل  
اسلام و فقهات از دیدگاه یک نظام و مسائل  
جدید و مسائل مستحدثت کار کردند. همان  
اوقات من یاد م می‌آید را جمع به خمس یک وقتی  
در قم خدمت ایشان رسیدم (با ایشان که  
صحبت کردم (آیه... منتظری) دیدم که نه،  
ایشان چیزهای جدیدی را در این باب  
مطرح میکنند و بعد ها هم در مسائل گوناگون  
این را دیدیم...  
... فقهای این اواخر روی این مسائل کار  
کردند امروز اگر ما بخواهیم یک نظام اسلامی  
کامل با قسط کامل داشته باشیم باید آن  
مفاهیمی که در فقه مطرح شده که مرتبط به  
قسط نظام اسلامی است و ترکیب و قواره کلی  
نظام اسلامی نضج و قوام پیدا کند ما هر کاری  
که قبل از آنها بکنیم کارهای کوتاه مدت خواهد  
بود و البته باید هم بکنیم...

### زی طلبگی و زندگی مسئولین

... منظور حضرت امام از تذکرات مکرر  
مبنی بر زی طلبگی چه بوده است؟ آیا پناه  
بردن به ساختمانها و کاخهای مجلل آن  
چنانی تنه راه کسب امنیت است، طبر فرم  
ارادت خاصی که به جنابعالی داریم ولی  
لطفاً راجع به زندگی خودتان توضیح بفرمائید  
... بنده الان محل زندگی یک خانه  
است که چهار پنج اتاق دارد و خیلی هم  
معمولی است و هیچ نشانه و بوی هم از کاخ  
وماخ به آن خانه نرسیده است و از لحاظ خود  
خانه و وسایل خانه البته نمیشود بگویم که  
هر کسی میخواهد بیاید ببیند شما که حرف من  
را قبول دارید... منتهمی دفترهای ما  
بله در همان کاخهاست حالا شما بفرمائید  
ما برای دفتر نخست وزیری یا ریاست جمهوری  
کجا را انتخاب کنیم یک ساختمان آماده موجود  
آنجا وجود دارد البته ما تشریفات کاخی در آن  
نداریم...

... اما زی طلبگی که امام گفتند زی طلبگی  
یعنی داشتن هیچگونه نشانه‌ای از کبریا و تکبر  
... الان هم من در یک ماشینی  
من نشینم آن یک یاد و ماشین دیگر که با من  
... مسرهمی میکنند به من که ربطی ندارد اما  
بالاخره باید عده‌ای از بنده محافظت کنند  
و محافظت تکلیف شرعی من است و من مجبورم  
و الا رفتمی ندارم...

... حالا اگر چنانچه یک مسئولی رعایت  
امنیت را نکرد و حادثه‌ای برای او پیش آمد  
که فقط او ضربه نخورد به نظام هم ضربه  
بخورد طبیعی است که مردم او را ملامت  
خواهند کرد...

... اگر چنانچه بنده بخاطر این قضیه  
تأمین امنیت خودم را کردم این را بر کبریا و  
تکبر نباید حمل کرد و معمول بر کبریا و تکبر هم  
نیست واقعا...

... گاهی ممکن است یک نفری هیچ موکی  
نداشته باشد و هیچ نگهبانی و محافظی هم  
نداشته باشد اما بر خور او و حرکت او حرکت  
طلبگی نباشد کاملاً زی اشراقی باشد...

#### رهبری آیت... منتظری

... لطفاً نظرتان را راجع به حضرت  
آیت... منتظری بفرمائید چرا که بعضی  
از جناحهای حزب شما به گونه‌ای خاص بر  
خورد کردند، چرادر نماز جمعه تهران هیچ  
صحتی از ایشان نیست؟

... علت گرایش ایشان به امام در زمینه‌های  
انقلاب و پیوستن کامل و صد درصد ایشان در  
ماجرای انقلاب همین بود که ایشان برداشت  
سیاسی شان و فهم سیاسی شان بسیار  
خوب بود. خیلی ها بودند، آدمهای  
خوبی بودند، اما اینکه امام گفتند که امروز  
ما بوسیله اسرائیل تهدید میشویم با آمریکا  
مطامع آنچنانی دارد یا کاپیتولاسیون معنائش  
اینست، اینرا نمیفهمیدند درک نمیکردند  
که کاپیتولاسیون چه ربطی دارد به اینکه مثلاً  
مازلت بیگانه را تحقیر کرده باشیم...

... در هر یک از سالهای این پانزده سال  
ایشان یک ابتلایی داشتند و بعضی زندانها  
ایشان طولانی هم شده و به چند سال کشید  
در سلول بودند و در سلولهای سخت بودند  
در اوین در سلول کمیته و شاید سلول قزل قلعه  
کک این مبارزه را ایشان زیاد خورده‌اند و  
بقیه در صفحه ۱۷

ما همه سرباز خدا هستیم انشاء... نه تو سرباز من هستی و نه من سرباز تو  
(امام خمینی)





### رشد انقلاب

### مبارزه باد ستهای مرموز

معرفی سید حسینی قاضی زاده در مجلس شورای اسلامی

رشد انقلاب مبارزه باد ستهای مرموز  
مواضع سید حسین قاضی زاده هاشمی  
نماینده فریمان واحد آباد در مجلس شورای اسلامی

۱/۱۱/۶۴

کیهان

### رابطه عدل و دین

وی به خطرات درونی و آفات تهدید کننده انقلاب اسلامی اشاره کرد و در بخشی از سخنان خود گفت: مردم ز دانش و تهی کردن انقلاب از ایده آلها و آرمانها، اولین آفت است. این انقلابیبر دین مردم خداجویی و اسلام خواهی و عدالتخواه استوار است که خواهان استقرار نظامی مبتنی بر قوانین اسلام هستند. ولی متأسفانه بعضیها نتوانسته اند بین اسلام و عدالت رابطه برقرار نمایند. میگویند مردم برای اسلام قیام کرده اند، ایمان نمی دانند که خود اسلام هم برای عدالت است.

راه مجاهد: مرحوم مطهری در کتاب مبانی علم اقتصاد اسلامی چنین مطلبی دارد: "اصل عدالت از مقیاسهای اسلام است که باید دید چه چیز بر او منطبق می شود عدالت در سلسله علل احکام است نه در سلسله معلولات، نه این است که آنچه دین گفته عدل است، بلکه آنچه عدل است دین میگوید. این معنی مقیاس بودن عدالت است برای دین، پس باید بحث کرد که آیا دین مقیاس عدالت است یا عدالت مقیاس دین مقدس و اقتضا می کند که بگوییم دین مقیاس عدالت است، اما حقیقت نیست. این نظیر آن چیزی است که در باب حسن و قبح عقلی میان متکلمین راجع شده و شیعه و معتزله عدله شدند. یعنی عدل را مقیاس دین شمرند نه دین را مقیاس عدل.

عدالت در سلسله علل احکام است نه در سلسله معلولات، نه این است که آنچه دین گفته عدل است، بلکه آنچه عدل است دین میگوید.  
"شهید مطهری"

### رفاه طلبی یا عدل طلبی

تاریخ نشان داده است که نارضایتی مردم از حکومتها بواسطه نبودن رفاه و عدل خیرانی کالاها نبوده است بلکه تبعیض و فساد بیش از حد، عامل نارضایتی آنها بوده و وقتی یکی از آرمانهای اصلی انقلاب اسلامی که برقراری قسط و عدل اسلامی است از جامعه رختبر - بندد و دقیقاً یک نوع دلسردی بوجود می -

آید که نتیجه ای جز منفعل شدن مردم ندارد و انقلاب را از آرمانهای اصلیشان تهی می سازد و در درازمدت کسانی را به صحنه می آورد که معتقدند مردم به رفاه نسبی برسند حال به هر قیمت که باشد.

راه مجاهد: مانیز معتقدیم ویژگیهای پایدار انسان خداجویی و عدل طلبی است

### شیوه حل اختلافات درون انقلاب

سقوط معنویت در جامعه، مخصوصاً ستولان، از مهترین آفتهای انقلاب اسلامی ایران است. به منظور یافتن آسودترین شیوهها جهت تحقق و عینیت بخشیدن به ایده آلها و آرمانهای انقلاب، اختلافات فقهی و رقابتی سازنده طبیعی است، اما اختلافات خودی و درونی مومنین به انقلاب اسلامی مقوله دیگری است که ریشه آن هواهای نفسانی و شیطانی است و عامل اصلی گسترش اختلافات در جامعه ما سقوط معنویت در این جامعه است که اگر امروز به آن نپردازیم فردا دیر است.

راه مجاهد: درست است که یکی از آفات انقلاب تشدید اختلافات درونی و نسبی نیروهای صادق و مومن به انقلاب می باشد ولیکن عامل اصلی این تشدید اختلافات دستهای مرموز میباشند که از ضعفها و نارسائیهای افراد و نیروهای انقلاب استفاده کرده و سعی می کنند جامعه را به دو قطب بکشانند و از حل اصولی این اختلافات و بررسی ریشه های سیاسی باید بپوزیک آنها جلوگیری می کنند

### تخصص در خدمت انقلاب یا انقلاب تابع تخصص

آفت دیگر اصالت دادن به متخصصین برای ایجاد توسعه رفاه در جامعه می باشد

عامل اصلی تشدید اختلافات درونی، دستهای مرموز می باشد که از ضعفها و نارسائیهای افراد و نیروهای انقلاب استفاده میکنند.

جریان مرموزی میگوید، شرایط اقتصادی و اجتماعی ایجاب می کند که متخصصان حتی اگر معتقد به انقلاب، جنباشند بر سر کار بمانند و به اقتصاد ما سروسامانی بدهند و چون اداره جامعه در دست پیروان خط امام نیست معنی ندارد که از این افراد استفاده نشود. جریان مرموز این را نمی پسندد که نیروهای جوان، معتقد و مومن به اسلام و انقلاب را بر سرکار بگذارند تا در

سببیت بدلیل علاقه ای که از این نیروها نسبت به مردم و انقلاب سراغ داریم، تخصصی و مسوومانه. ما همگی با انقلاب در جامعه ما پدید آمدیم. در این جا اعلام میکنم که ما میتوانیم به همراه متخصصان مومن به انقلاب، راه متکی بر ایمان و اعتقاد به استقلال کشاورزی و صنعتی را طی کنیم.

### خط تبرئه کردن زراندوزان

آفت چهارم این است که "مادر عمل به اقلیتی که چپاولگر هستند اصالت دهیم" از ویژگیهای جریان مرموزی که به آن اشاره کردیم، نوع برداشتن است که نسبت به چپاولگران جامعه اعم از محترمان و مترقین و سرمایه اندوزان دارد. هرگاه از زراندوزی سخن بگوییم، بلافاصله او را جزو اقلیت خوب بشمار می آورند و او را از همه عیبها و ایرادها منزّه می دانند و با توسل به این مسئله که همه زراندوزان و زمین - خواران بد نیستند به شکل مرموز

رنجهای این مبارزه را زیاد کشیدند و واقعا تجربیات سختی را ایشان گذرانیده اند. یک چنین انسانی که دلسوز و سوخته این انقلاب است این خیلی ارزش دارد، بخصوص در این سطح بالای علمی.....

### انتخابات ریاست جمهوری

۶ - علیرغم علمی که اینجا و آنجا مطرح شده جنبه عالی عدالت اصلی کم شدن نزدیک به ۴ میلیون رأی را حاکی از چه میدانند؟ ... ممکن است فردی از شخص من خوشش نیاید دلیل نمیشود بر اینکه اگر بار اول به من رأی داده دفعه دوم هم حتماً بمن رأی دهد یکی ممکن است از من چیزی ندیده اما به فلان اداره دولتی مراجعه کرده مشغول شهرداری و یکفتری به او اطمینان کرده یا حق حساب از او گرفته یا گوشش را بریده خوب از من بدش می آید و از کل نظام بدش می آید از مسئولین دولت هم بدش می آید. پس علل عاطفی، علل اخلاقی، نارضایتی از این ارگان یا آن وزارت خانه و... یا مجموعه نابسامان ترافیک، صف راه، یا فلان ممکن است موثر باشد. ما نباید اینرا انکار کنیم بخصوص با توجه به اینکه در آن انتخابات قبلی شور و هیجان ۵۰ فده میلیون که در اصل انتخابات شرکت کرده بودند مربوط به آن حوادث بود که قبلاً پیش آمده بود و اگر این دفعه هم میخواست این شور و هیجان پیش بیاید باید یک شهید می دادید.....

### نظر امام راجع به حزب

۷ - بنظر شماعق نظر امام راجع به حزب چگونه است و اینکه حضرت امام مدتی پیش فرمودند آنچه جمعه باید یا مسئله امامت جمعه را باید برند و با عضویت در حزب راه چه معناست؟  
..... من ۵ بار جلسه ای که خدمت امام بودیم و این مسئله مطرح شد به ایشان گفتم که من آقای هاشمی هم حزبی هستم فرمودند که نه شهادت و نفر مستثنی هستی اینرا بخصوص ایشان تصریح کردند، و گفتند شما خودها

### ویسجیده های آنها را تبرئه می کنند راه اصلاح زراندوزان

در اینجا تذکر این مطلب ضروری است که بر اساس ماتریالیسم تاریخی انسان را مورد تجزیه و تحلیل قرار نمی دهیم و معتقد نیستیم هر که مسد تعصبات صالح و هر چه غیر مستضعف است غیر صالح است، و معتقد نیستیم شخصی که دارای زر و زور است علی - الدوام قابل اصلاح نیست بلکه بر اساس فطرت خداجویی که تمام انسانها آنرا دارا هستند، معتقدیم که این گونه افراد نیز می توانند در زمره صالحان قرار گیرند، اما تحت شرایطی. نمی شود وضعیت یک زر - اندوز و سرمایه دار در صفت استکباری باشد ولی ادعای ایمان هم داشته باشد. شرط لازم برای آنکه شخصی سرمایه داری در گروه صالحان قرار گیرد آنست که تمام علایق مادی و استکباری خود را کنار بگذارد و خود را از شر سرمایه های کلان نجات دهد. ص ۱۷

### بقیه از صفحه ۱۶: سخنرانی و پرسش و پاسخ حجة الاسلام حائنه ای

یتان را می شناسند یا عناوین و مسئولیت های آنان را می شناسند. علت هم این است که مردم بیش از اینکه شاه را بعنوان حزبی بشناسند به عناوین دیگر می شناسند جنبه حزبی شما بر جنبه های دیگر غالب نیست.....  
..... البته اگر از خود من هم بپرسید که توه تمام مسئولین دفتر حزب و تمام اعضای حزب و مرتبطین در کل کشور اعتماد داری خوب گفت که نه زیرا که خیلی ها را نمی شناسم و لازمه و خاصیت تشکیلات بزرگ آنهم تشکیلاتی که از اول با مبنای فراگیری بوجود آمده همین است. بنابراین آنچنان اعتمادی را ما از امام انتظار نداریم.....

### نیروی هوایی سپاه

..... اما نیروی هوایی و دریایی چیزی نیست که به صرف فرمان امام سپاه بسرو د تشکیل دهد.....  
..... اولش اینست که مسئولیت های هوایی و دریایی سپاه مشخص شود. یعنی ما نیروی هوایی سپاه را برای چه می خواهیم برای حمله بیرون مرزی می خواهیم یا برای حفاظت آسمان کشور، برای کارهای انتحاری می خواهیم یا برای پشتیبانی از نیروی زمینی، یا برای ترابری می خواهیم. باید مشخص شود که نیروی هوایی سپاه را برای چه می خواهیم. انواع و اقسام آموزش و فرودگاه مشخص شود.

### رابطه گروه های مسلمان با ارتش و سپاه

..... بعضی از دستگاها و گروه های سیاسی حتی اسلامی در برخوردشان با ارتش و سپاه یکمقداری سیاسی کاری کردند یعنی در آنجا ماندند و در تشکیلات خودشان هم ماندند و ارتباطات خودشان را هم کاملاً حفظ کردند اگر هم بیرون آمدند صورتاً آمدند. لذا امام فرمودند و تاکید کردند.....  
..... در سپاه یک دفتری با هیئت تشکیلی شده بنام هیئت پیگیری فرمان امام که ببیند چه کسی در یک حزبی - جمعیتی و..... حضور داشته یانه و الا ن حضور دارد یانه (ادامه دارد)

سپردن پستیهای مهم به افرادی که توان انجام کارها را بصورت انقلابی و شرعی ندارند، خدمت ناخود آگاه بدشمن است. آیه الله منتظری



### اخبار درون انقلاب

#### خط امام

#### افشای دستهای مرموز

### دکتر مظفر بقایی

بسم الله الرحمن الرحيم

محورهایسی از یادداشت‌های حجت -  
الاسلام سید محمد هاشمیان نماینده  
امام و امام جمعه رفسنجان

اطلاعات ۱۵/۱۱/۶۴  
ایشان در این یادداشتها خاطرات خود  
از جریانات سال ۴۲ و مواضع شریعتمدار  
و بقایای بیان میدارد که بخوبی بیانگر  
توطئه‌های بقایی میباشد:

#### کاربرد ازان سیاست بقایی

مقصودم از بیان این مطالب اشاره به  
دو موضوع است، یکی اینکه امام همواره به  
واسطه اعجاز و امداد‌های غیبی حفظ شده  
است، دوم بنظر من امروز نیز جمهوری  
اسلامی گرفتار همان عوامل منحرفکننده‌ای  
است که هدفشان تضعیف رهبری و ولایت  
فقیه است که در این رابطه عوامل فراوانی از  
گروهکها و وابستگان شرق و غرب دستبازند  
که از آن جمله مظفر بقایی و امثال اوست که  
مناصفانه عده‌ای نیز این مسائل را هدایت و  
پشت پرده رهبری می‌کنند و شاید از همان  
عواملی که به نمایندگی از "حزب زحمتکشان  
در هیات متلفه هم بودند هنوز وجود  
داشته باشند که در مجلس کارپرد از سیاست  
بقایی و دیگران باشند، و یک موی اربابان  
خود را هم با هزاران ارزشهای انقلاب  
معاوضه نفرمایند.

#### موضع شریعتمدار در قبال حرکت مردم

در سال ۴۲ در رابطه با دستگیری  
امام به شریعتمداری نامه‌ای نوشتم که  
مردم رفسنجان و نوق تصمیم دارند به حالت  
گفن پوش به تهران بیایند تکلیف مادر این  
قضیه چیست؟ شریعتمداری فوراً جواب داد  
که مبادا این کار را انجام بدهی چرا که  
خون مردم، محترم و شریف است و اگر یک  
قطره خون در این باره ریخته شود شخص  
تو مسئول هستی.

#### توطئه بقایی در سال ۴۲

در سال ۴۲ بقایی با صالحی کرمانی تماس  
گرفته و به او میگوید در جلسه روحانیون که  
شرکت میکنی سه نظریه را بگو: اول اینکه شاه  
میخواهد خمینی را اعدام کند و روحانیت،  
که در اینجا گرد هم آمده‌اند و در راستای  
حضرت آیت ا... شریعتمداری است هیچ  
بملاحشان نیست که درباره اعدام خمینس  
حرفی بزنند و باید در مقابل شاه سکوتکنند  
زیرا خمینی به منزله یک فرش کهنه‌ای است که  
ما اگر بخواهیم این فرش کهنه را در مقابل

و میگوید "اگر من این نامه را امضاء کنم  
هدم اسلام است." بعداً که شریعتمداری  
امضاء کرد به او گفتم تو عادل نیستی چون  
به اقرار دیروز خودت اسلام را هدم کردی.

#### وابسته بودن شریعتمدار

در همین ایام نامه‌ای به شریعتمداری  
نوشتم که "بنظر من شما ساواکی هستید و  
شاه شما را به اینجا آورده، زیرا -  
اولاً - شما روحانیت سراسر ایران را  
دعوت کردید بتهران و آنقدر معطل کردید  
که احساسات مردم فروکش کند.  
ثانیاً - با اجتماع روحانیون در تهران  
می‌خواستید آنها را وادار به سکوت کنید  
تا شاه امام را اعدام کند.

#### پیوند شریعتمدار بقایی

حدود یکماه پس از آن جریلت یکبار  
دیگر بقایی به خانه صالحی کرمانی آمد که  
در حدود ساعات نیمه شب بود و در همان  
ساعت شریعتمداری هم آمد. بقایی  
و شریعتمداری برای رفع سوءفاهمی که در  
رابطه با مسئله امام میان آن دو پیش آمده  
بود با هم صحبت کردند و سوگند خوردند  
که هر کاری می‌کنند با اطلاع یکدیگر باشد

#### پیوند بقایی و عوامل شاه

در ملاقات بقایی با صالحی کرمانی،  
غلامرضا آگاه که از فنودالهای آنزمان و میزبان  
شاه بوده نیز همراه بقایی شرکت میکنند.

#### ساده اندیشی روحانیت

در جلسه‌ای که در منزل آیت ا...  
میلانی تشکیل میشود که درباره رهایی امام  
صحبت شود بقایی قبلاً عده‌ای از روحانیون  
را دیده بوده و سه نظر خود را با آنها مطرح  
کرده بوده است. در نتیجه صحبت جلسه هم  
درباره همان سه نظریه بوده است. آیت ا...  
میلانی میگوید افرادی که در سیاست بیشتر  
پیراهن کهنه و پاره کرده اند و آدمسهای خوب  
و مطمئنی هستند بما اعلام کردند که صلاح  
روحانیت این است که سکوت کند.

#### شیوه مرموز بقایی

بعد از جلسه روحانیون، از آیت ا...  
میلانی پرسیدم این حرفها را چه کسی به  
شما گفته. فرمودند: سید مرتضی جزایری که  
معلوم می‌شود بقایی یک سری از روحانیون  
را دیده و به آنها تحلیل داده است.

#### خنثی شدن توطئه بقایی

بعد از لورفتن توطئه بقایی، روحا -  
نیون دوباره موضع اول خود را اعلام  
میکند. که در پی آن بقایی نیز اعلامیه‌ای  
بنفع امام صادر می‌کند.

#### شریعتمدار و امام

نامه‌ای در تایید مرجعیت امام نوشته  
میشود، ابتدا شریعتمداری امضاء نمی‌کند

#### ادامه توطئه

الان هم معتقدم که آنها از پسای  
نشسته اند و همکارانشان از قبهل انجمن  
حجته‌ها بقایی‌ها مشغول بکارند در این  
رابطه یکی از آقایان بمن گفت که اینها اهل  
دین و تقوی هستند من گفتم اگر اهل دین  
و تقوی هم هستند، اهل پیش نیستند.

#### آیت و بقایی

من خیلی سعی داشتم که شهید  
آیت را به بنیم و او را بر افکار بقایی آگاه  
کنم و توفیق نیافتم.

#### بقیه سید خمین ...

#### تبره سرمایه داران و بستن دست انقلاب

وی افزود اگر ما در حرف اقلیتی از این  
چهارولگران را خوب و صالح بدانیم و لسی بر  
عمل همه زران را مصادیق خوبان

شاید از همان عواملی که به نمایندگی از  
حزب زحمتکشان در هیئت متلفه هم بودند  
هنوز وجود داشته باشند که در مجلس کارپرد از  
سیاست بقایی و دیگران باشند و یک موی اربابان  
خود را با هزاران ارزشهای انقلاب معاوضه نفرمایند

بشاریم علی است خلاف اسلام و انقلاب  
اسلامی و حرکتی است که همواره دست  
انقلاب را علیه این دسته چپاولگر می‌بندد

#### احالت با روابط است یا ضوابط

بی حرمتی به قانون و عدول از ضوابط برای  
حفظ قدرت، آفت دیگر است. ماسفانه  
سوارد متعددی مشاهده میشود که  
رابطه بر ضابطه حاکم و سلیقه‌های شخصی  
جایگزین روابط می‌شود

#### رابطه درون و بیرون

در پایان طرح آفتهای انقلاب خلاصه  
می‌کنم که اگر جامعه از درون مستحکم باشد  
ضربات خارجی باعث تقویت آن خواهد شد

#### حمایت بقایی از شریعتمداری

در سال ۵۷ که ساواکبه خانه  
شریعتمداری می‌ریزد بقایی اعلام حمایت از  
شریعتمداری میکند. البته این کار  
ساواک برنامه‌های بوده که قبلاً به اطلاع  
شریعتمداری رسیده بوده است.

#### ساده اندیشی نسبت به دستهای مرموز

الان هم آنهایی که در خارج گود  
نشسته اند خیال می‌کنند که بعضی از  
حرکت‌هایی که در مجلس یا مراکز دیگر انجام  
میشود فقط و فقط بخاطر تشخیص خود  
آقایان است.

اگر مقصود این است که پیش دولت‌ها منزوی هستیم امروز هیچ دولتی نیست که انتظار نداشته باشد که ایران به او یک نرزش نشان بدهد ...

امام خمینی ۱۱/۱۱/۶۴

اینها منزوی هستند



نگاهی به مواضع

# دکتر محمود کاشانی

## پیرامون انتخابات ریاست جمهوری

د هند . آیا مردم شهید پرور ایران استحقاق آنرا نداشته اند که معلوماتی بیشتر از آنچه توسط صدای آمریکا و بی بی سی و صدای اسرائیل تبلیغ میشود در اختیار داشته باشند ؟ ( ص ۶ )

### مطبوعات آمریکا و قرارداد الجزایر

در آمریکا دو نشریه مستقل که هر یک از آنها ماهی دو بار منتشر میشود وجود دارد که منحصر اخبار هیئت داورى را منتشر میکنند و دقیقترین اطلاعات را از وضع پسر و ندها و تصمیماتی که در آنها اتخاذ میشود در اختیار شرکتهای آمریکائی و مردم آن کشور می گذارند . ( ص ۶ )

### بهبان حفظ مصالح

این که گفته میشود که بسراى حفظ مصالح ملت ایران نمی توانند اطلاعات لازم براه مردم بدهند بهانه ای بیش نیست . ( ص ۶ )

بسم الله الرحمن الرحيم

محورهای از جوابیه آقای محمود کاشانی به مصاحبه آقای نخست وزیر

ضرورت پذیر پی رهنمود های امام است و آیت ا . . منتظری در رابطه با آزادی مطبوعات و طرح افکار مختلف بر آن شدید که با طرح تفکرات گوناگون و برخورد با آنها رسالت خود را در قبال انقلاب اسلامی انجام دهید . نشریه راه مجاهد شماره ۳۲ محورهایی از جزوه انتخاباتی ایشان را بجا برساند . این شماره نیز محورهایی از جزوه ۵۴ صفحه ای پای پاسخ به مصاحبه مطبوعاتی نخست وزیر را برای آشنایی بیشتر با مواضع ایشان طرح می کنیم . امید داریم نیروهای متعهد خط امام از کنار این گونه جزوات بی تفاوت نگذردند

### طرح قرارداد الجزایر در رسانه های خبری

اینجانب با اشاره به رهوس پاره ای از مسائل درخواست کردم در مورد این مسئله مهم مصلکتی که از جهت مالی و از جهت حیثیت بین المللی جمهوری اسلامی ایران حائز اهمیت است ، پیش از این برده پوشی نشود و با طرح آن بطور رسمی در رسانه های گروهی و مراجع رسمی ، اطلاعات صحیح به ملت شریف ایران داده شود . ( ص ۳ )

### مجرم دانستن آقای موسوی

صحبتهایی که ایشان علیه اینجانب از طریق صدا و سیما و مطبوعات انجام داده اند از مصادیق اعمال مذکور در ماده ۶۸ قانون انتخابات ریاست جمهوری است که مجرم محسوب میشود . ( ص ۴ )

### عامل مخفی ماندن مسائل قرارداد الجزایر

سالهای متعدد است رسانه های گروهی در اختیار آقای نخست وزیر است و ایشان در فرصتهای متعدد و تقریباً هر روز روی صفحه تلویزیون یا امواج رادیو بسوده و در غالب شبها صفحاتی از روزنامه ها را در اختیار داشته اند با این حال در مصاحبه مطبوعاتی خود میگویند از اینکه مسائل حیثیت داورى ایران و آمریکا برای مردم روشن نیست رنج می بردند ! حال باید پرسید عامل مخفی ماندن این مسائل چیست ؟ ( ص ۵ )

### نگذاشتن اطلاعات در اختیار مردم و آگاهی آنها از طریق رادیو ای بیگانه

ایشان اگر خودشان آشنا به مسائل حقوقی بین المللی نیستند اجازه دهند سایرین معلوماتی در اختیار ملت ایران قرار

نشدند و پاره ای از آنان نیز لحاظ شرایط سختی که بیانیه الجزایر بوجود آورده بود حاضر به بخطر انداختن حیثیت خود نبودند ( ص ۹ )

### ارجاع دعاوی ایران به اتاق تجارت پاریس

آقای نخست وزیر واقعا اعتقاد دارند که وضعیت اتاق تجارت بین المللی پاریس و نگاه وابسته به آن این چنین یکطرفه و غیر عادلانه است ، چرا خود ایشان شخصا پیشقدم شده اند و طلب مسلمین میلیارد دلاری ایران از فرانسه را به همین دادگاه ارجاع کرده اند . ( ص ۱۲ )

### موضع سرپرست گروه مذاکره کننده

سرپرست گروه مذاکره کننده ایرانی که نقض اصلی را در امضای بیانیه الجزایر داشته و مدت ها هم دست اندر کار اجرای آن بوده است همیشه در دولت آقای موسوی نقش فعال داشته است . . . . . بعلاوه این گروه وظیفه داشت که مردم را در جریان مذاکرات قرار دهند . چرا این مذاکرات به صورت کاملاً محرمانه و بدون دادن کترین اطلاعات به مردم صورت گرفت ؟ ( ص ۱۳ )

### خطبتهای صدر ، تثبیت موقعیت بیانیه

بنی صدر و سایر وابستگان به او پس از امضای بیانیه تبلیغاتی را علیه آن آغاز کردند او در جریان مذاکرات قرارداد است و

صحبتهایی که ایشان علیه اینجانب ( محمود کاشانی ) از طریق صدا و سیما و مطبوعات انجام داده اند از مصادیق اعمال مذکوره در ماده ۶۸ قانون اساسی انتخابات ریاست جمهوری است که حرم محسوب میشود .

### دعوت نخست وزیر به بحث آزاد

اینجانب پس از پخش مصاحبه ۲۸ مرداد آقای نخست وزیر طی نامه ای ایشان را به یک بحث آزاد که بطور مستقیم پخش شود دعوت کردم ولی تا این تاریخ پاسخی از ایشان دریافت نکرده ام . ( ص ۶ )

### قرارداد الجزایر و نقش چهار شرط

در امضای این موافقت نامه از چهار چوبه مصوبه چهار شرط مجلس و راه اسلامی مورخ ۱۱ آبان ماه ۱۳۵۱ در مورد آزادی گروگانها تجاوز کردند و تعهدات سنگینی را بدون مجوز قانونی پذیرفتند . ( ص ۷ )

### مقابله مستقیم با آمریکا

بسیاری از حقوق دانان ما توانایی شرکت در این داورى را که مقابله مستقیم با دولت آمریکا و صداهای شرکت آمریکائی بود

الجزایر گفتند دیگر همه باید برای همه شل لب فروبندند و شاهد ورود خسارات جبران ناپذیری به بیت المال و صدمه به حیثیت ملت شهید پرور ایران باشند ؟ ( ص ۱۶ )

### استفاده از متخصصین علاقمند

در آن شرایط دشوار که افسرادی از ساده دلی و گروه کپشائی از روی سوئیت به سر شخصی مارک میزدند و مانع استفاده از متخصصین علاقمند به جمهوری اسلامی ایران میشدند ، با تلاش و استفاده از کلیه امکانات خود توانستیم تعدادی از وکلای دادگستری ، قضات و اساتید دانشکده حقوق را برای پاسخ گویی بسیج کنیم . ( ص ۱۹ )

### سیاست تسلیم طلبی

دستگاه اجرائی کشور در مقابل فشارهای غیرقانونی دولت آمریکا هیچگونه مقابله جدی نمی کرد و به سیاست تسلیم طلبی ادامه میداد اگر یک دولت تقوی و جدی در کشور وجود داشت دولت آمریکا بخود اجازه نمی داد که اینگونه فشارهای غیرقانونی را به هیئت داورى وارد کرده و در مقام تأمین منافع مشروع شرکتهای آمریکائی برآید . ( ص ۲۱ )

### فشار برای استعفا

در تابستان سال ۳۶۳ آقای نخست وزیر در صدر درآمد که اینجانب برانیز وادار به استعفا کند . اینجانب و آقای دکتر شفیعی بهیچوجه علاقه نداشتیم که در چنین شرایطی بکار خود ادامه دهیم ، ولی برای مامثل روز روشن بود که اگر این سنگ را ترک کنیم تمام زحماتی که در طول سالهای گذشته کشیده شده است به باد خواهد رفت و ملت ایران در این داورى و شرایطی که بیانیه الجزایر بوجود آورده است با خطرات بزرگی مواجه خواهد شد . ( ص ۲۲ )

### تعمین در برابر تحمیل سرد اوران

امروزه در عرف بین الملل این یک اصل مسلم است که وقتی یکی از طرفین نسبت به سرد اور اعلام عدم اعتماد می کند او باید بی درنگ خود را کنار بکشد بخصوص هنگامیکه نوز رسیدگی به پرونده شروع نشده است این اصل مسلم و مورد قبول در صحنه بین الملل فقط در مورد جمهوری اسلامی ایران نقض شده است و علت اصلی آن هم رفتار غیرقابل توجیه آقای نخست وزیر بوده است که در مقابل سرد اوران تحمیلی تمکین کرده و حقیسوق و حیثیت ملت شریف ایران را در معرض تصمیمات این قبیل اشخاص قرار داده اند . ( ص ۲۳ )

### ادعای شرکتهای نفتی آمریکا علیه دولت

مسئله دیگر این است که شرکتهای نفتی آمریکائی خود را زیر چتر بیانیه الجزایر قرار داده و میلیارد ها دلار را در عا های موه و مطمع دستیافتن به سرمایه های ایران علیه شرکت ملی نفت و دولت جمهوری اسلامی ایران اقامه دعوا کرده اند . ( ص ۲۴ )

### معداتی با رادیوهای بیگانه

آقای نخست وزیر در حالی که از این اعترافات باخبر هستند ، مان تهمت و افترا هائی را که

همیشه ادعاها زیاد است ولیکن در مقام عمل ، کمی شان میتوانند کارکنند اکثر ادعا است



صدای آمریکا وی بی بی سی و صدای اسرائیل علیه داوران ایرانی منتشر ساخته اند تکرار کرده و از تلویزیون جمهوری اسلامی ایران و بعنوان یک مقام رسمی برای دولت آمریکا سند درستی کنند و حتی اینجانب را متهم کردند که از مدتها قبل گفته ام که می خواهم دست به یقه شوم و سیلی بزنم. (ص ۲۸)

گزارش ریگان به کنگره

"از گزارش ریگان به کنگره ۲۹ د. ۰۰ نوامبر ۱۹۸۴: دولت ایران دو داور جدید بجای محمود کاشانی و شفیع شفیع می که در صلاحیتشان پس از حمله پیش بینی نشده شان در سپتامبر ۱۹۸۴ به قاضی منگارد، یکس از داوران ثالث مورد اعتراض ایالات متحده قرار گرفت، منصوب کرد. (ص ۳۱)

موضع نسبت به داوران جدید ایرانی "گروه جدیدی که در آنجا مشغول کار شدند قدرت مقابله با داوران با تجربه آمریکائی و فشارهای دولت امریکارا دارند و اساسا عقیده به مقابله هم ندارند. (ص ۳۱)

ضربه زدن به امام، انقلاب و اعتماد مردم

"بنظر اینجانب هدف از مطرح ساختن نام حضرت امام در این رابطه ضربه زدن به انقلاب و شخصیت جهانی رهبر و سلب اعتماد مردم میباشد والا چه نیازی به این توسل می باشد اگر اقدام آقای نخست وزیر قابل دفاع است خوبست خودشان مسئولیت آن را بعهده گیرند. (ص ۳۵)

کمیون امنیت قضائی

"چرا با گذشتن بیش از ۶ سال از پیروزی انقلاب هنوز باید ۸۰۰ هزاره کتار از بهترین اراضی مزرعی مورد اختلاف وجودال باشد؟ ... تا سفاوران این استکه در قبال این وضعیت دست گاه اجرائی و قضائی کشور مسئولیت را به گردن مجلس شورای اسلامی می اندازند و ادعا می کنند کمیون قانون و یا خلافت قانونی باعث تهدید ایشان و وضعیت شده است و مجلس باید برای اصلاح امر کشاورزی قانون جدید وضع کند ولی آیا قانون میتواند به تنهایی معجزه کند و تمام کمیون ها و ضعفها و نبودن امنیت قضائی کافس را جبران نماید. (ص ۴۲)

ریشه یابی رکود اقتصادی

"در کشور ما افزایش شدید بودجه جاری دولت در چند سال گذشته که کسری آن از طریق استقراض از بانک مرکزی تامین میشود همچنین کاهش فعالیت های تولیدی و اشتغالزا در بخش خصوصی و دولتی و تنگناهای مختلف از جمله کمیون ارزی، باعث رکود اقتصادی شده است. (ص ۴۶)

رکود فعالیت بخش خصوصی

"بعلت رکود فعالیت های بخش خصوصی و مسدود بودن راه های فعالیت مفید اقتصادی، نقدینگی این بخش به ۲۰۰ میلیارد تومان رسیده است و این امر باعث نابسامانی بازار داد و ستد گردیده است. (ص ۴۷)

اقتصاد دولتی

"در مجموع، متورم شدن بخش دولتی و ایجاد نظام دولت سالارانه تنها با اصول مندرج در قانون اساسی منطبق نیست بلکه از نظر اقتصادی هم هیچگونه توجیه منطقی ندارد در حالیکه تجربه تلخ بلوک شرق در پیش چشم مردم مابوده است و در شرایطی که خود این کشورها که روزی فریفته نظام خود را از قید و بند های این اقتصاد که بقیمت از دست رفتن استعدادها تمام می شود و مانع شکوفائی اقتصادی گردیده است نجات مسمی دهند، با چه استدلالی بر اساس کدام چشم انداز روشنی سستگاه دولتی هرچه بیشتر اقتصاد کشور را بسوی دولتی شدن سوق داده است؟ (ص ۴۸)

پذیرش داوران خارجی

"مقتضی ترین است که ایرانیان دارنده تابعیت مضاعف آمریکائی نظیر ورثه القاتیلان و غیره نیز در این هیئت داوران به داد خواهی علیه دولت ایران پرداخته اند آقای نخست وزیر با داشتن مسئولیت اجرائی کشور بر خلاف کلیه قوانین داخلی و اصول حقوق بین الملل عملا پذیرفته اند که اختلافات دولت جمهوری اسلامی ایران با این گروه از اتباع ایران در یک داور خارجی مورد حل و فصل قرار گیرد. اگر چنین چیزی ادامه یابد و میلیونها دلار هم به این قبیل افراد به عنوان غرامت پرداخت شود چیزی جز نفی انقلاب اسلامی ایران نیست و خدای تبارک و تعالی که ننگی در تاریخ ملت ایران خواهد شد. (ص ۵۲)

و کودتاگران خزانده بطور چشم گیری بفراموشی سپرده شده بودند. بعد از معاهده مطبوعاتی آقای نخست وزیر در مقابل بعضی صحبت های آقای کاشانی، ایشان به نوشته های قبلی بسنده نکرده در صدور پاسخگویی به آقای نخست وزیر بر می آیند. این جزوه خود به بهترین شکلی گویای مواضع آقای کاشانی میباشد و نیاز چندانی به پاسخگویی ندارد. در اینجا ما تنها به بررسی چند مورد می پردازیم و قبل از آن مراجعه مجدد به معاهده مطبوعاتی آقای نخست وزیر و صحبت های برادر سرحدی زاده در تاریخ ۲۰/۵/۶۴ روزنامه کیهان و راه مجاهد شماره ۳۲ را توصیه می نمائیم.

الف: جنگ - در حالیکه جنگ اسلام و کفر

مسئله اصلی انقلاب میباشد و هر نیروی مومن به انقلاب باید فکرو عمل خود را در جهت جنگ فعال نماید آقای کاشانی چه مبنایی در جهت فعال کردن جبهه ها تا کسبون ارائه داده اند؟ وجه اقدام در این جهت از سوی ایشان صورت گرفته است؟ و اگر ایشان مسئله اصلی کشور را جنگ می دانند چرا هیچگونه بررسی و انتقاد و نسبت به عملکرد دولت در رابطه با جنگجه عمل نمی آورند؟ که اگر دولت مهندس موسوی در این زمینه نقاط قوتی داشته مورد تایید قرار گیرد و اگر واقعا ضعفی دیده شود، با انتقاد سازنده به حل آن کمک کنیم. آیا کسی که در عمل صالح جامعه فعال نمی باشد به این اندازه صلاحیت آمریکائی قلمداد کرده دولتی که همواره زیر فشار ابر قدرتها قرار داشته است را دارد؟ ما این سوال را در راه مجاهد شماره ۳۲ طرح کرده ایم و متاسفانه در این جزوه آقای کاشانی با زهم شاهد فراموشی اصلی ترین مسئله انقلاب

آیا کسی که در عمل صالح جامعه فعال نمیشد به این اندازه صلاحیت آمریکایی قلمداد کردن دولتی که همواره زیر فشار ابر قدرتها قرار داشته است را دارد؟

یعنی جنگ هستیم.

لزوم تغییرات بنیادی

"اینک بیش از هر زمان دیگر لزوم تغییرات بنیادی در سیاست های اقتصادی دولت و برقراری حاکمیت قانون و امنیت قضائی احساس میشود. (ص ۵۴)

راه مجاهد: در طی دوره اخیر

انتخابات عمدتا جهت گیری تبلیغاتی بر علیه دولت آقای موسوی بود. این در شرایطی است که ایشان طی ۴ سال توانسته بسیاری از امکانات و نیروها را در جهت تقویت جنگ بسیج نماید. دولت ایشان در طی این مدت همواره مورد تایید اصنام رزمندگان و مستضعفین جامعه بوده و بطریق توطئه های بسیار و مارکها و تهمت ها به وظیفه خویش عمل نموده است. در صورتیکه در همین زمان اسرائیل همدام، دستهای مرموز

ب: مقابله با آمریکا یا تضعیف دولت

ضد آمریکا: آقای کاشانی در این جزوه بارها دولت آقای موسوی را متهم کرده اند که در خط آمریکا حرکت کرده و عامل آمریکا میباشد. کلا جزوه آقای کاشانی سراسر بیان نارسائیه و انتقاد به دولت و به خصوص در رابطه با قرار داد الجزایر میباشد. آیا بهتر نبود که ایشان قبل از انتقاد به دولت مواضع ظالمانه و تجاوزات دولت امریکالیست آمریکا به حقوق ملت ایران در رابطه با این قرار داد و ادگانه لاهه بیان می داشتند و بعد اصلی تهاجم خود را متوجه آنها میکردند؟ آیا اینگونه پرداختن به تضادهای فرعی و اختلافات درونی و فراموش کردن دشمن اصلی کمک به دشمن اصلی نمی باشد؟

اصلی نمی باشد؟

ج: مقابله مستقیم با آمریکا، جنگ اسلام و کفر یا دادگاه لاهه: ایشان مقابله مستقیم و تلویحا مهمترین نقطه درگیری با آمریکا را دادگاه لاهه می دانند. آیا در شرایط کنونی درگیری اصلی و مستقیم ترین مقابله با آمریکا در عوا - های حقوقی در دادگاه لاهه است یا در جبهه های جنگ اسلام و کفر؟ آیا چنین بهیضی منجر به این نمی شود که جنگ اسلام و کفر فراموش شده و برخورد با دولت بجای آنکه در چارچوب نیازهای اصلترین مسئله کشور صورت بگیرد به بیان نارسائیه در رابطه با دادگاه لاهه محدود شود؟

دستبرد سیستم و شیوه های آمریکائی

آقای کاشانی بارها سیستم حقوقی آمریکائی تبلیغاتی را مورد تمجید قرار داده و دولت را بدلیل اینکه به همان شیوه نسبت به قرار داد الجزایر اقدام ننموده است آمریکائی میدانند. آیا ما با همان شیوه های آمریکا - یی و آموزش های حقوقی آمریکائی می توانیم با آنها مقابله کنیم؟ آیا آنها که خود در این سیستمها سایرین را تغذیه کرده اند پیروز نخواهند شد؟ آیا قبول سیستم آمریکا ما را بدام شیطان بزرگ نمی اندازد؟

ه: مواضع آقای کاشانی و بنی صدر:

آقای کاشانی مدعیند که انتقادات وی بر خلاف مواضع بنی صدر از موضع خیرخواهانه بوده و نباید مواضع فریب خورانه بنی صدر بر مخالفت با بیانیه جماعتی برای کپی کردن سایرین شود. گذشته از وحدت شعارهای استرژیک آقای کاشانی با بنی صدر که در راه مجاهد شماره ۳۲ توضیح داده شد (در موازات امنیت، رفاه، تولید، شکوفائی استعدادها) آیا مارکها و تهمت های که به دولت وارد کرده اند از موضع خیرخواهانه بوده است؟

سوال سید احمد کاشانی  
از وزیر ارشاد  
در باره عدم درج مطلب مربوط به مسائل  
هویت داوران ایران در لاهه

سوال سید احمد کاشانی از وزیر ارشاد

کیهان ۲۵/۱۰/۶۴

محورهای این سوال سید احمد کاشانی از وزیر ارشاد در مورد علت عدم درج مطلب مربوط به مسائل هویت داوران ایران و آمریکا در دیوان لاهه: - متاسفانه در داخل کشور، یکی از روزنامه ها وقتی که آن تاسر گرفته شد که چرا این بیانیه های کلیه دولت امریکاست چاپ نمی کنند، آنها گفتند یک بخشنامه ای از طرف وزارت ارشاد به ما رسیده که مسائل مربوط به بیانیه الجزایر و هیئت داوران را بدون مشورت با دستگاه های دولتی چاپ نکنند.

آدم متعهد در هر جا باشد آلودید خد متش خوب است آنجا بیشتر دلگرم است



همچنین بعد از این که روزنامه‌ها از چاپ مطالب امتناع میکنند آقای دکتر کاشانی از وزارت ارشاد تقاضا میکند که اجازه دهد ما این بیانیه‌ها را مستقلاً چاپ کنیم باز هم وزارت ارشاد از این کار امتناع میکند.

### پاسخ حجة الاسلام خاتمی وزیر ارشاد به سؤال آقای احمد کاشانی

گزیده‌ای از پاسخ حجت اسلام سید محمد خاتمی وزیر ارشاد به سؤال آقای احمد کاشانی

#### هماهنگی و مشورت، نه عدم چاپ

ما بهیچوجه روزنامه‌ها را مجبور نکردیم که مطلب ننویسند، نوشتیم... مشورت و هماهنگی بکنند. در کجای این نوشتیم که روزنامه‌ها مطلب را چاپ بکنند یا نکنند.

#### دولت و آزادی مطبوعات

نامه‌ای را هم که این آقای برای ما نوشتند، از ما خواستند که از مطبوعات بخواهیم که مطالب ایشان را درج بکنند و این یعنی از دولت خواستن است که مطبوعات را مجبور بکنند که مطلب خاصی را بنویسند.

#### عدم چاپ مطالب انحرافی

بلحاظ مسئولیتی که در کیهان دارم عرض کنم در این هنگامه درگیری با آمریکا و در این هنگامه درگیری در جنگ تحمیلی هرگونه مطلب انحرافی که بخواهد به انقلاب لطمه بزند شدیداً توصیه میکنم که کیهان چاپ نکند.

#### دولت مظلوم

من در اینجا نکته‌ای را ذکر میکنم امام بارها به لزوم تقویت دولت تاکید کردند، يك جا هم این تعبیر را بکار بردند که دولت مظلوم است یا دولت مظلوم، آیا صداق بارز مظلومیت دولت، دولتی که در کنار مجلس در کنار است، رویاروی آمریکا ایستاده و در جریان جنگ تحمیلی است آیا صداق بارز مظلومیتش این نیست که متهم بشود به امریکائی بودن.

#### کشاندن اختلافات به میان مردم

اگر کسی ایراد و اعتراض اساسی دارد این مملکت نظام دارد، نظام هم مسئول در اینجا دارد، بیایند اعتراض‌شان را به مجلس و دولت بدهند، به قوه قضائیه بدهند. همینطور هم که آمدند و همین نمایندگان محترم با صراحت و کرامت وسعه صدر ساعتها مطالب آنها را شنیدند و باز هم آنجا مشتم

شدند به امریکائی بودن و همین مجلس همین دولت رای داد و همین دولت مسود تا بید امام قرار گرفت. آیا این نشانه‌ها این است که اشکال در کجای کار است، چرا میخواهند این مسائل را به افکار عمومی برسانند. مگر مجلس را قبول ندارند؟

#### داعیه مبارزه با امریکا

بعد از انقلاب هر کسی مدعی مبارزه و محور مبارزه بوده با امریکا میشود. امام، امت مبارزین، زندان رفته‌ها آمدند امریکا را از مملکت بیرون کردند. هر کسی که میخواهد و جاهت پیدا کند میگوید من ضد امریکائی هستم. اما نه امام و نه امت و نه مجلس داعیه مبارزه با امریکا و نیز متهم کسردن دستگاهها و نظام به امریکائی بودن را نمی‌پذیرند. کسانی این داعیه از آنها پذیرفته است که سابقه روشنی در مبارزه با امریکا داشته باشند. کسانی که به ادعای خودشان روشنترین نقطه سابقه عقیدتی و مبارزاتی‌شان این است که "من آنم که برادریم به زندان رفته‌است" آیا میتواند به سادگی در سطح عموم دولت و نظام را متهم به امریکائی بودن بکند.

#### مواضع

### حجة الاسلام خلخالی

#### در مجلس شورای اسلامی

مواضع حجت اسلام خلخالی در مجلس شورای اسلامی

کیهان

۶۴/۸/۲۸

#### انتخابات ریاست جمهوری

در باره شرکت نکردن عده‌ای در انتخابات گفتند: هیچگاه کوچکترین مسامحه‌ای از مردم رخ نداد است ولی چرا اینطور شد؟ معلوم بود از اول، که چه کسی میخواست رئیس جمهور بشود، از این جهت مردم دلسرد شده بودند اینکه کاندیدی از اول معلوم است، شاید در زمان ما به دیکتاتوری نکشد اما کم کم این رویه به دیکتاتوری من انجامد.

#### دکتر کاشانی

تعییر کسی بود که مثلاً میخواست از عنوان آقای کاشانی و دیگران استفاده کند، این به مراتب بدتر از آن کسی بود که او را رد کردند. اینها که بعضی از وزرا تذکره دادند که خط مظفر بقایی را پیاده می‌کنند حرف درستی است به این خاطر که اینها روی همان کجرویهای خودشان حالا هم فعالیت میکنند

#### رسالت روزنامه رسالت

شکست خورده‌های سیاسی و شکست خورده‌های مردمی این روزها از وجهه عده‌ای آقایان روحانیون و دیگران استفاده کردند و همشان را در این گذاشته‌اند که جنبه‌ای افراطی بعضی از مسائل را تعقیب کنند که چشممان بعد از روزنامه میزان و انقلاب سالها به روزنامه رسالت باید روشن شود. عده‌ای هم در اینجا قدم‌های نرسایی میکنند و مطالبی را مینویسند و هم ما سیداتیم این روزنامه قبل از آنکه بیرون بیاید زیر سوال رفته است - چرا؟ تمام گریزها به قول روضه خوانها آخرش به طرفداری از مالک بر میگردد. طرفداری از بازاری میکنند، کدام بازاری؟ بازاری که خسون و پول میدهد و کمک به جیبه میکند چه مناسبتی با شماها دارد؟ یعنی همه مشکلات این مملکت حل شده، مساله بیگاری، تورم، آوارگی، مسکن، زمین و... فقط فقط مساله مالک را داریم؟ آقایان میخواهند مثلاً در آینده اگر انقلاب شکست خورد دوباره از این طاغوتی‌ها وجوه سات بگیرند و زندگیشان را اداره کنند؟ آیا مساله اینجوری است؟ زیر بار این مسائل مردم شهید پرور نمی‌روند.

امام بارها به لزوم تقویت دولت تاکید کردند، یک جا هم این تعبیر را بکار بردند که دولت مظلوم است یا دولت مظلوم.

#### مواضع آیه آقا...

### آذری قمی

#### در مجلس شورای اسلامی

مواضع آیه آقا... آذری قمی در مجلس شورای اسلامی

کیهان

۶۴/۹/۱۴

#### شیوه برخورد با مخالفین

اگر نویسندگان نامه پر از کذب و توهین به رئیس جمهور که بر حسب نقل مشخص شده است تعقیب می‌شدند و اگر نماینده محترمی که دروغی به من و دیگر مدرسین بسته بود و در همین مجلس نسبت داده بسوداز طرف ریاست مجلس توبیخ می‌شدند و اگر مسائل واهی و بوجی که نماینده دیگری در باره روزنامه رسالت و بنده و دستاورد از تریبون مجلس اظهار کرده بودند مورد اعتراض

مجلس قرار میگرفت، اگر در سوابق عده‌ای از این آقایان در رابطه با رژیم گذشته افشاگری می‌شد، این صحنه‌های مشعشع کننده تکرار نمی‌شد و موجبات دلسردی عده‌ای از زمینگان و مردم شهید پرور نمی‌گشت. ... من از رئیس محترم مجلس میخواهم که به وظیفه خود در این رابطه و اداره مجلس عمل نماید و لا جناح دیگر هم سکوت را خواهد شکست و آقایان را به جای خود مسمی نشانند مطمئن باشید که حوزه علمیه را نمی‌توانید به دنبال خود بکشید.

#### اصل مالکیت و رابطه آن با معادله اموال

همین اصل مالکیت است که اجازه استر- داد اموال به غارت رفته را میدهد نه اصل مبارزه، آنطور که بعضی میگویند. چطور ما به خود اجازه میدهم که این اصل و قانون را بی اعتبار جلوه دهیم. همانطور که عسر فر کردیم ما هم معترضیم و میگوئیم باید اموال طاغوتی‌ها را نگه داشت و آنها پس نداد ولی از راه قانون.

راه مجاهد: آیت ا... منتظری میفرماید یکی از اصول اساسی اسلام خدا مالکسی است. در همین رابطه مطالعه مقاله

قطرت خدا جو با مالکیت فطری راه مجاهد شماره ۲۷ را توصیه میکنیم

#### مطبوعات و فقه

روزنامه‌ها را در اعتراض به لایحه بخشش خصوص ملاحظه نمایند اشکالاتی مطرح کرده‌اند که به مسائل مسلم فقه وارد شده است. آیا این استاعتقاد به اسلام و فقه اگر بناسات قانون بی ارزش باشد پس مجلس را تعطیل کنید.

راه مجاهد: شنیده شده است مقالات مندرج در مطبوعات در نقد این لایحه باعث پس گرفتن آن از طرف دولت شده است.

ما بسوی کربلا هر دم شتابان میرویم  
بهر دیدار حسین با شوق جانان میرویم  
ما به شوق امت واحد صاحب الزمان  
در پی نابودی بعضی کافر میرویم

انقلاب اسلامی از راه مبارزه با نظامی‌گری و نظامی‌گرایی، بلکه می‌خواهند با فرستادن افراد ظالم و اصلاح دین با هر انتقاد... ناراضی و بدبینی بوجود آورده و انقلاب را از داخل بپوشانند آیت الله منتظری



بررسی دیدگاهها و مواضع

# دکتر سید حسین نصر

بسم الله الرحمن الرحيم  
 در شماره گذشته راه مجاهد مقاله ای تحت عنوان بررسی دیدگاهها و مواضع دکتر سید حسین نصر به چاپ رسید در این شماره به ادامه آن می پردازیم؛  
 سیناری در انستیتو امور اسلامی در امریکاد در شهر واشنگتن تشکیل شده که ظاهراً هدفش بررسی و تجزیه و تحلیل رابطه فلسفه مدرن غرب و فلسفه اسلام بود و اینکه راهی برای حل مسألت آمیز و فلسفه بیابند دکتر نصر که اکنون استاد اسلام شناسی دانشگاه جرج واشنگتن است در این سینار بعنوان یکی از سه کارشناس برجسته امور اسلامی و مذهبی سخنرانی داشت که خلاصه ای از آنرا رادیو امریکا چندین بار پخش کرد. در این قسمت مطالب مهم و برجسته این سخنان آورده میشود تا هر چه بیشتر با افکار و ماهیت وابسته وی آشنا شویم.

مسلمان معتقد به قرآن و سنت هستند. در شرایط فعلی نیز جریان در داخل ایران وجود دارد که اسلام و آیت ۱۰۰ منتظری را به عدم ولایت به ائمه اطهار (ع) و هابیت متهم میکنند.

خط انحرافی نصر در این مورد این است که میخواهد کسانی را که به مطالعه ریشه های ایدئولوژیک این نهضت پرداخته اند رهنمود دهد که در این مورد به مطالعه نقاط اشتراک و هابیت و بنیادگرایی! بپردازند و از این راه به نهضت اسلامی ضربه بزنند.

۲- مارک مارکسیستی؛ "پروفسور نصر میگوید: مقابله با طرز فکر غرب در اسلام حالت رادیکال چپي به خود گرفته است. البته باید توجه داشت چپگرایی در اسلام نباید با اسلام که برای مقابله با غرب از واژه های مارکسیستی چون استعمار و استکبار استفاده میکنند اشتباه شود."

در اینجا میبینیم دکتر سید حسین نصر که بعنوان کارشناس امور اسلامی و استاد اسلام شناسی دانشگاه جرج واشنگتن سخنرانسی میکند و از استکبار را يك واژه مارکسیستی معرفی میکند در حالیکه بر همگان پوشیده نیست که این واژه قرآنی بوده و خداوند آنرا در مورد کبر و وزیدن شیطان در برابر آدم بیان میکند.

می گنجد. در این جا باید یاد آور شد که انگیزه اصلی نهضت اسلام در مبارزه با امپریالیسم و صهیونیسم خود کم بینی و بایک غرور کاذب منکی بر فتوحات نظامهای ظاهراً اسلامی گذشته نی باشد بلکه عشق به عدالت و استقامت حاکمیت خدا بر کلیه شئون و روابط انسانی انگیزه چنین مبارزه ای است. البته این عشق به خدا و صفات او در دلها و مغزهای سیاه شده نمی گنجد.

### بر چسبهای ضد انقلابی

در طی سخنرانی دکتر سید حسین نصر مارکها و برجسبهای به نهضت اسلامی و معتقدین به آن میزند که با بررسی آن به پی محتوای آن می بینیم  
 ۱- مارک و هابیت؛ "بنیادگرایی که از مکاتب ساده تر و خالصتر و منطقی تر

شرایط حاضر به ریشه یابی نهضت اصیل اسلامی پرداخته و میگوید این اسلام "رویارویی با غرب" نتیجه يك عقده خود کم بینی در مسلمانان است چرا که مسلمانان در گذشته با پیروزیهای که بر امپراطوران روم و ایران داشته اند معجزه تاریخی را بوجود آوردند و توانستند اسلام را از چین تا اسپانیا به حاکمیت برسانند ولی اکنون اسلام که این چنین قدرتی ندارد حتی در مقابل کشور کوچکی مانند اسرائیل شکست میخورد عقده حقارتی در او بوجود آمده که او را به حالت مناقشه و رویارویی با غرب کشانده است. دکتر نصر به این وسیله میخواهد به امپریالیسم و غرب رهنمود دهد که چگونه به مبارزه بنیادی با نهضت اسلامی بپردازند.

او میخواهد بگوید که اگر این عقده خود کم بینی مسلمانان در برابر اسرائیل به نوعی بر طرف گردد و غرب امتیازاتی به مسلمانان بدهد نهضت اسلامی انگیزه رویارویی با غرب را از دست خواهد داد. یعنی همان تجربه ای که در سال ۱۹۷۳ یکبار در رابطه با سانای رژیم مصر بکار برده شد. امریکا با همکاری تلویحی با مصرها اجازه داد که در جنگ اکتبر مشهور به جنگ رمضان اعراب و اسرائیل، يك پیروزی نظامی غرور سران رژیم مصر را ارضاء کرده و به سادات در میان اعراب و مصرها محبوبیت بدهد و بدون انگیزه درگیری با اسرائیل راه نزدیکی به غرب را آسانتر طی کنند. این خط امپریالیسم در نهایت موجب بسته شدن قرارداد ننگین و اسارت بار کمپ دیوید شد. (البته این نکته قابل ذکر است که توده سربازان مصر با صداقت و عشق به فلسطین در جنگ اکتبر شجاعانه شرکت کردند و مبنای پیروزی نیز همانها بودند.)

این تجربه در مورد ایران بدینگونه بود که در مقابل طوفان عظیم انقلاب اسلامی جناحی از امپریالیسم معتقد بود باید در مقابل این طوفان سرخ کتیم و با بردن شاه از شدت آن بکاهیم تا انقلاب از تک و تا بیفتد و مردم دیگر انگیزه ای برای ادامه آن نداشته باشند. نظرات دکتر نصر در این جناح از امپریالیسم

"روش مقابله با انقلاب اسلامی"  
 اسلام همواره صلاحیت و مشروعیت دیدگاه خود را بر پایه پیروزیهایش بنا نهاده است. به اعتقاد پروفسور نصر بزرگترین معجزه تاریخ اسلام به استثناء قرآن مجید که خود معجزه است چیروزی و توفیق اسلام بوده است بصورتی که عده ای یاد دست داشتن امکانات محدود نظامی را بوجود آورده اند که از چین تا اسپانیا را فرا گرفت و برای مدت زیادی استوار باقی ماند. اسلام در بسیاری از نقاط جهان از همان روزی که در آن نقاط گام گذارد همچنان نیرومند باقی مانده است. بگفته پروفسور نصر این معجزه تاریخی اسلام است که امروز با در نظر داشتن شکستهای بسیاری، اسلام در معرض خطر قرار گرفته است. این واقعیت که غالب اوقات شکست رانه در برابر امپراطوری بریتانیا بلکه در برابر کشورهای کوچک چون اسرائیل متحمل شده است شکستی که منطقیاً برای مسلمانان قابل درک نیست سبب شده است تا نیروی معتدل و میانه روی اسلام کنار زده شوند. این تحول رویارویی و مناقشه را وارد صحنه کرده است. پروفسور نصر میگوید: در حالیکه زندگی و جان میلیونها کشته و معلول در جنگ ایران و عراق در مطبوعات غرب به اندازه از دست رفتن جان ۴ راهبه در آل-سالو ادوار ارزشی نداشته است و مورد توجه قرار نمیگیرد.  
 مکاتب قدانی و خمینی و انواع مکاتب افراطی نهضت های انقلابی چه شیعه چه سنی وجود دارند که میخواهند از موانع پیش آمده در برابرشان در نتیجه شکستهای سیاسی اسلام عبور کنند.

دکتر سید حسین نصر، نظریه پرداز رژیم سلطنتی شاه در گذشته و امپریالیسم امریکاد

دکتر نصر ملاک سنت و بدعت را حرب میداند یعنی کسانی که سعی در نزدیکی به غرب داشته و رابطه با غرب را یک ضرورت بدانند، اسلام سنتی هستند و واقع رعایت سنت را نموده اند. ولی کسانی که با غرب با خشونت و رویارویی و مناقشه برخورد میکنند و نمیگذارند اسلام به غرب نزدیک شود در اسلام بدعت بوجود آورده اند.

۳- مارک روحانی نمایی؛ "جنبشها و مکاتب چپگرایی اسلامی که در کشورهای چون ایران و مصر آغاز شد توانایی آنها دارد که در آینده در صحنه سیاسی جهان اسلام گام نهاد. بگفته پروفسور نصر اینگونه مکاتب اسلامی به آسانی میتواند عمایه بر سر گذاشته و ماهیت مذهبی بخود بگیرد."  
 ۴- مارک بدعت در اسلام؛ "پروفسور نصر می افزاید: امروزه دنیای اسلام با تلخی و شدت در برابر غرب واکنش نشان میدهد این واکنش در شراعی و هابیت صورت میگیرد که در ماهیت

اسلام سنتی مشتق شده اند که از جنبش و هابیتها آغاز شده و تا مبارزان و فعالان اسلامی امروزی ادامه داشته است."  
 در فرهنگ رایج سیاسی غرب منظور از بنیادگرایی "نهضت اسلامی" در ایران و منطقه به رهبری امام خمینی میباشد. در این قسمت دکتر نصر ریشه نهضت اسلامی در منطقه ویرا را از هابیت میداند. و هابیت مذهب رسمی عربستان است که معتقدند فقط باید از قرآن و دستورات آن پیروی کرد و چیزی بنام سنت رسول را قبول ندارند و کمتری تغییرات در شکل اسلام بوجود آورده اند از جمله منع صریح بوسی دعا خواندن و... دکتر نصر بطور پیچیده ای نهضت اسلامی در ایران و منطقه را منتسب به هابیت میکند در حالیکه امام و کلیه رزمندگان

نهضت اسلامی باید هر چه بیشتر به رابطه علوم و تکنولوژی غرب با فلسفه و جهان بینی آن توجه نماید و به پاکسازی خوش بینی و ساده اندیشی نسبت به علوم غرب در میان خود بپردازد.

مبارزه با ساده اندیشی نسبت به تکنولوژی غرب "راه ورود شیطان بزرگ و انحراف این نهضت مقدس را سد خواهد نمود.

## قیام مردم مصر علیه مستکبرین صدور انقلاب است

**اسلام بطور کلی تحریفهایی بوجود آورده شده** - این تحریفها بدستهای قدرتمندی منفعتهای بار آورده است . . .

در قسمت اول مقاله که مربوط به اسناد لانه جاسوسی بود در این مورد گفته ای از پروفیسور نصر نقل شده که برای درک بهتر مطلب آنرا در این قسمت نیز تکرار میکنیم . . .

" . . . حملات خشن آیت ا . . . خمینی میتواند به شکافی در جهان شیعیسم بدعت و خامت بار در اسلام شیعی منتهی گردد . . . "

در واقع نصر معتقد است نهضتی که هم اکنون در ایران و منطقه بر علیه منافع استعماری غرب برپا شده ناشی از اسلام نیست بلکه تحریفهایی است که در این مورد بعمل آمده است . نصر معتقد است اسلام سنتی هیچگونه تضاد بنیادینی با غرب ندارد و در واقع غرب و این نوع از اسلام مکمل یکدیگرند و اگر کسانی به اسم اسلام با ایدئولوژی و فلسفه غرب مخالفند در واقع مسلمان نیستند و اسلام را تحریف نموده و از مسیر اصلی خارج کرده اند .

لقاء . . . - شهادت - پیروزی

" . . . پروفیسور نصر میگوید اسلام همواره صلاحیت و مشروعیت دیدگاه خود را بر پایه پیروزیهایش بنا نهاده است . اسلام همانند جامعه ای از ابناء بشر بوجود نیامد که در مقابل شیرها انداخته میشد . در حقیقت مسیحیت پیروزی را در شهادت میدید . جالب آنکه غالباً برایین باورند که مسئله شهادت در اسلام بسیار قوی است . . . "

قبل از هر چیز توضیح این نکته ضروری است که منظور دکتر نصر از جمله ( اسلام همانند جامعه ای از ابناء بشر بوجود نیامد ) در مقابل شیرها انداخته میشد اشاره به دوره روم باستان است که در آن دوره پرده های مسیحی را در برابر شیرهای درنده رهسار میکردند تا سلاطین و پادشاهان لذت ببرند در آن موقع لازم بود روحانیون مسیحی به این پرده ها تبیین شهادت بدهند تا آنها بتوانند مقاومت کنند .

دکتر نصر معتقد است مسئله شهادت در دین مسیحیت بوده است و اسلام پایه اش بر پیروزیها بنا نهاده شده و نه شهادت طلبی منظور دکتر نصر را این مطلب روشنتر بیان میکند : در شرایط فعلی افرادی که به جبهه میروند سه موضع دارند ۱- عشق به لقاء و عمل به تکلیف الهی حال چه پیروز شویم و چه شکست بخوریم و یا شهید شویم ۲- عشق به شهادت و اینکه بروم و در جبهه شهید شویم ۳- عده ای نیز برای پیروزی در جنگ به جبهه میروند .

اصل اسلام همانگونه که امام بارها یاد آور شدند عمل به تکلیف الهی است و در هر شرایطی باید به تکلیف عمل کرد و هدف نهایی ما لقاء است . نه شهادت و نه پیروزی ، هر چند در صحنه عمل شهادت یا پیروزی نصیب رزمندگان میشود ولی ایندو هیچکدام هدف اسلام نیستند . در راه عمل به تکلیف الهی اصل این نیست که خود ما

را حفظ کنیم ، پس شهادت هم وجود ندارد اصل این هم نیست که شهید شویم ، پس شهادت زود رس هم وجود ندارد .

تحلیلهای مختلفی که در مورد حرکت امام حسین (ع) وجود دارد بیانگر " دوری " است که حتی در علمای اسلامی ایران ریشه دارد . دکتر نصر بطور پیچیده ای دست روی آن گذاشته و به تقویت این " دور " میپردازد .

عده ای از متفکرین اسلامی معتقدند امام حسین (ع) بخاطر شهادت ، آن حرکت عظیم را بوجود آوردند و عده ای نیز معتقدند امام حسین (ع) ، برای تشکیل حکومت اسلامی و بزبانی دیگر برای پیروزی به کربلا رفتند در حالیکه امام کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا را مطرح نموده اند . ماموظفیم به تکلیف الهی عمل نمائیم چه پیروز شویم ، چه شکست بخوریم و چه شهید شویم در همه حال ما پیروزیم .

دکتر نصر بطور پیچیده ای سعی دارد بگوید اسلام مبنایش بر پیروزی است نه شهادت ، و شهادت را از آن مسیحیت میدانند و معتقد است ما در اسلام چیزی بنام فلسفه شهادت نداریم وی در حالیکه به این دو تطبیقها ( پیروزی و شهادت ) دامن میزند میخواهد مسلمانان را متوجه منشأ اسلام که از نظری همان پیروزی است بنماید و از مسئله شهادت دور کند . او

" . . . دکتر نصر می افزاید : مقصودش از مکمل بودن آن است که متفکرانی که به ریشه های اسلام سنتی وفادار باقی مانده بودند همزمان به این نتیجه رسیده اند که نوعی رابطه با غرب ضروری بنظر میرسد و جهان غرب نیز میتواند در اسلام مکمل وجود خود را بیابد . این دو نیرو میتوانند به اتفاق یکدیگر قدرت خلاقه ای شده و روندی را آغاز نمایند نه آنکه از نیروی آنها بی که با طرز فکر مکمل بودن مذاهب شناسایی میشوند به آنچه که من مکتب سنتی من نام تعلق دارند . بویژه آن نوع از مکتب سنتی که صدای خود را بگوش همگان میرساند و غرب را میشناسد و میتواند با غرب ارتباط داشته باشد و همزمان میتواند همزیستی غرب و اسلام را بدان گونه که در قرون وسطی

**دکتر نصر معتقد است ، اسلام سنتی هیچگونه تضاد بنیادینی با غرب ندارد و در واقع غرب و این نوع از اسلام مکمل یکدیگرند و اگر کسانی به اسم اسلام با ایدئولوژی و فلسفه غرب مخالفند در واقع مسلمان نیستند .**

برقرار بود محترم بشمارد . . .

" . . . پروفیسور نصر در پایان سخنرانی خود چنین نتیجه گیری میکند که دنیای اسلام چون جسد مرده ای نیست که کالبد شکافی شود . اسلام زنده است و چون یک موجود زنده و واکنش نشان میدهد ولی در نحوه واکنش خود به نیروهای که در اطراف آن قرار دارند و غرب نیز از جمله این نیروهاست انتخاب و راه جدایی ندارد . حتی ژاپن در واکنش خود به جهان اسلام ژاپن شین تویسم و ره نیست بلکه ژاپنی است با تکنولوژی و فلسفه های سیاسی اقتصادی غربی و در نتیجه واکنش یا تنشهای جهان اسلام چه هنگامیکه به هند و ژاپن در شرق نگاه میکند و چه هنگامیکه به شمال و شرق و چه زمانیکه به غرب نگاه می افکند هر گونه که باشد نمایانگر عین شدن تمامی تمدنهای جهان چه غرب و شرق (۱) و اسلام است . . . "

بانظری به سخنرانی دکتر سید حسین نصر و تعریفی که از اسلام سنتی میدهد متوجه میشویم که اسلام سنتی مورد نظر او اسلامی است که نه تنها با غرب هیچ تضادی بنیادینی ندارد بلکه باید خود را در آینه ای که غرب او را در آن می یابد ببیند . اسلام سنتی و فقه سنتی که متکی به افکار یونانی ارسطویی غرب است ،

بخوبی درک کرده است که جوهر حرکت اسلامی در ایران و منطقه روحیه شهادت طلبی است که امپریالیسم و صهیونیسم را به عجز و وحشت در آورده است . آن روحیه ای که بقول خودشان با هیچ شیوه امنیتی نمیتوان به مقابله با آن برخاست روحیه ای که از عشق به لقاء . . . و جوش خون امام حسین (ع) سرچشمه گرفته است و بیداری فطرتهای پاک خدا جو ، عدل طلب و ظلم ستیز مسلمانان است . مبارزه با روحیه شهادت طلبی و اصل بودن پیروزی باعث میشود که به هر شیوه ای و از طریق امریکا به پیروزی برسند .

**دو نوع اسلام**

نظرات دکتر نصر پیرامون اسلام سنتی : " . . . در دنیای اسلام کسانی هستند که همواره معتقد بودند غرب سنتی و مسیحی و جهان اسلام مانند دواینه مکمل یکدیگر بوده اند . "

برای مدت طولانی غرب تمدن اسلام را چون آینه ای میدید و تصویر خود را در آن می یافت ولی بتدریج با فرا رسیدن قرن ۱۹ میلادی وضعیت تغییر کرد و اسلام سنتی خود را یافت که خودش نیز باید در آینه ای که غرب اسلام را در آن میباید بخود نگاه کند . "

**هدف دکتر نصر از این سخنان و تحلیلهای سه چیز است و استراتژی که ارائه میدهد سه هر حله دارد . . . .**

یا بقول یکی از روحانیون ، اسلام وفقه نفتی . . . دکتر نصر کسانی را که معتقدند اسلام برای خودش بینش و نظام مستقلی دارد بنیادگرا - مینامد چرا که این اسلام سنتی دارای فقه سنتی پویای چهارده معصوم است و با غرب نیز سر سازش ندارد .

سنت و بدعت

" . . . پروفیسور نصر می افزاید : امروزه دنیای اسلام با تلخی و شدت در برابر غرب واکنش نشان میدهد . این واکنش در شرایطی اندوهناک صورت میگیرد که در ماهیت اسلام بطور کلی تحریفهایی بوجود آورده شده . این تحریفها برای قدرتهای منفعتهای بار آورده است . با وجود تحریفهایی که در زمینه اسلام در غرب شده نمیتوان انتظار هماهنگی و توازن میان دو تمدن را داشت . در اینجا است که نقش اسلام شناسان غرب و متفکران دنیای اسلام در شناختن تمدن غرب و مسیحیت و نزدیک ساختن دو تمدن آشکارا میشود . . . "

باتوجه به شناختی که از طرز فکر دکتر نصر در مورد اسلام سنتی در مطلب فوق پیدا کردیم حال به شناخت طرز فکر او در مورد سنت و بدعت می پردازیم . دکتر نصر " ملاک سنت و بدعت را غرب میداند " یعنی کسانی که سعی دارند یکی به غرب داشته و رابطه با غرب را ضروری بدانند اسلام سنتی هستند و واقع رعایت سنت را نموده اند ؟ ولی کسانی که با غرب با خشونت و رویارویی و مناقشه برخورد میکنند و نیگند دارند اسلام به غرب نزدیک شود در اسلام بدعت بوجود آورده اند . در حالی که ملاک سنت و بدعت در اسلام همانطور که همه میدانند عمل به سنت پیامبر (ص) است که از طریق ائمه اطهار به دست ما رسیده و بدعت نیز کنار گذاشتن و دوری از سنت پیامبر میباشد .

غربی کردن بنیادگرایان

" . . . بنیادگرایان که از مکاتیب ساده تر ، خالصتره منطقی تر اسلام سنتی مشتق شده اند که از جنبش وهابیهها آغاز شده و تا مبارزان و فعالان امروزی ادامه داشته است . این گروه

(۱) - باورقی - منظور دکتر نصر از شرق شوروی و سیستم آن نیست بلکه شرق جغرافیایی است که نمونه اش را از ژاپن نام برد . در واقع چه غرب چه شرق و چه اسلام همگی غرب هستند .

**اسلام ایران غیر از اسلام آنانی است که از مهره های آمریکا چون سادات و بگین پشتیبانی میکنند ، ام خمینی**



# روزنامه

آلترنا تیوجمهوری اسلامی

عده ای از دست اندرکاران و طراحان خط مشی نظام جمهوری اسلامی معتقدند هیچ گروهی آلترنا تیوجمهوری اسلامی نیست نه نهضت آزادی، نه کمونیستها، نه رجویستها و نه... اینها معتقدند اگر تداوم جمهوری اسلامی در خط امام با جان نشینی آیت الله منتظری نباشد، قطعاً "آلترنا تیوجمهوری" حاکمین سبک جریان "مصرف گرائی مفرط" خواهد بود اگرچه در حال حاضر تشکلات مشخصی و سخنگوی معینی ندارد، ولی سرعت متشکل خواهد شد.

**راه مجاهد:**  
با بد توجه داشت که آمریکا شدیداً روی مصرف گرائی و متشکل کردن این طبقه نیروی گذاشته است. به نظر میرسد که آمریکا در مورد ایران حتی چندان امدی به خط میانه که تا حدی با سندیه ارزشهای ملی و مذهبی است، ندارد. جریاناتی در داخل تلاش دارند تا دولت جمهوری اسلامی سقوط کند، تا کشور به کام آنان نگردد. آنان در غفلت محض سر میزنند، چرا که برگ مصرف گرائی اینها را علیه جمهوری اسلامی برانگیخته تا بعداً "حدا حداً" آنها را هم سلعد.  
امدواریم در این زمینه که ریسختری شده تا دشمن اصلی شناخته شود.



## اخبار نفت

اعلام جرم علیه دخالتهای امریکا در ایران و تحمیل قرارداد کنسرسیوم

اخیراً شنیده شده که دولت ایران در کادر بیانیه الجزایر در ادگانه لاهه اقدام به طرح دعوا علیه دخالت امریکا در کودتای ۲۸ مرداد و تحمیل قرارداد کنسرسیوم نفت به ضرر ملت ایران نموده و ادعای خسارت به راه مجاهد

بر عهده افراد متعهد و مطلع است که در این راه دولت جمهوری اسلامی را یاری دهند و مدارک و تحقیقاتی که در این زمینه مفید باشد ارائه نمایند.  
راه مجاهد در شماره گذشته خود به همین منظور مقاله ای تحت عنوان "قرارداد کنسرسیوم" منتشر نمود  
در حالیکه در خارج از کشور به محکوم کردن توطئه علیه حکومت دکتر مصدق میرد ازیم بهتر است در داخل هم اجازه ندهیم عده ای شخصیت آن مرحوم را به لجن بکشند.

### نظراتی پیرامون صدور نفت

۱- عده ای می گویند ما دیگر نمی توانیم روی خلیج حساب کنیم لذا باید از جاههای نفت لوله کشیم برای دریای عمان و انجا نفت صادر کنیم.  
۲- عده ای معتقدند باید آنقدر مسئله خلیج را بزرگ کنیم تا همه کشورهای خلیج به یک امنیت در رابطه با خلیج تن دهند و ما هم بتوانیم نعمتان را صادر کنیم مثلاً اگر او کشتی زد ما هم کشتی بزنیم.  
۳- عده ای می گویند از آنجا که خط امام و انقلاب آنستکه پول نفت در راه آزادی قدس

در حالیکه در خارج از کشور به محکوم کردن توطئه علیه حکومت دکتر مصدق میرد ازیم بهتر است در داخل هم اجازه ندهیم عده ای شخصیت آن مرحوم را به لجن بکشند.

و خود گفتای ایران و شیوه ای که می تواند ما را به آزادی قدس برساند اینستکه ما وابستگی خود به در آمد نفت را به کنار بگذاریم و اقتصادمان غیر متکی به درآمد نفت باشد.

### اخباری پیرامون نفت

۱- فروش نفت در کل جهان ۷۰۰ میلیارد دلار است که ۲۰۰ میلیارد آن متعلق به امریکا است.  
۲- شخصی می گفت این ارزان کردن قیمت نفت تا دو سال دیگر بیشتر قابل تداوم نیست زیرا صدور نفت آمریکا و دریای شمال به میزان فعلی قابل دوام نیست و بعد از دو سال ما شاهد تنزل فاحش در تولید نفت آنها خواهیم بود و از سال ۱۹۹۰ تقاضای نفت افزایش سرسام آور پیدا میکند. به همین دلیل است که آمریکا میکوشد قیمت نفت را از هم اکنون در حد پائین تثبیت کند.

- نفت و عربستان سعودی
- چکیده ای از گزارش وال استریت ژورنال در بهمن ماه ۱۳۴۴
- هدفهای عربستان در کاهش قیمت نفت و افزایش تولید به سطح بیش از پنجم میلین بشکه در روز شرح زیراست.
- ۱- بدست آوردن بخش بیشتری از بازار جهانی نفت و تبدیل شدن به یک قدرت صادرکننده نفت.
- ۲- بالابردن سطح درآمد و وارد کردن پول بیشتری به خزانه پادشاهی سعودی
- ۳- مقابله با "کساد حمل ناپذیر" ناشی از کاهش شدید درآمد نفت.
- ۴- بالابردن مصرف جهانی نفت از طریق ارزان کردن شدید قیمت و در نتیجه تولید زیادتر.
- ۵- برنامه ریزی صدور تولید نفت و رقابت با سایر انرژیها.

### ضمن بهره برداری از تکنولوژی غرب، غرب را محکوم میکند و با قبول علم غرب، فلسفه آنرا مورد مخالفت قرار میدهد.

پروفسور نصر که صحبت از مکمل بودن اسلام و غرب دارد منظور تسلط اسلام بر افکار عمومی غرب نیست بلکه با اصل قرار دادن تکنولوژی و علم غرب معتقد است که باید اسلام بطرف غرب برود چون در شرایط فعلی تمدن واقعی در غرب شکوفا شده است. پروفسور نصر به تسلطی که بر افکار بعضی از مسلمانان دارد هدفش بطرف غرب کشاندن روحانیت است و غرب را مبنا و اسلام را تابع میدانند. او سعی دارد با ذکر این مطلب که بنیادگرایان علم و تکنولوژی غرب را قبول دارند ولی فلسفه آنرا رد میکنند (در حالیکه علم و فلسفه جدا نیستند) بنیادگرایان را نیز به سمت غرب سوق بدهد.  
نهضت اسلامی باید هرچه بیشتر به رابطه علم و تکنولوژی غرب با فلسفه و جهان بینی غرب توجه نماید و به پاکسازی این خوش بینی وساده اندیشی در میان خود بپردازد، مبارزه با ساده اندیشی نسبت به تکنولوژی غرب راه ورود شیطان بزرگ و انحراف این نهضت مقدس را سد خواهد نمود.

### استراتژی دکتر نصر

طول دوران تحقیق خود در ریوسوت فعالیت گسترده ای در زمینه مطالعات و تدوین مکتب سنتی و تکمیل کنندگسی مذاهب مسیحیت و اسلام بخرج داد.  
دکتر نصر میگوید: البته فعالیتها ای آتشفشانی که در منطقه خاورمیانه روی داد موجب شد که افرادی چون خود ش پروفسور یوسفی... به این کشور بیایند.

### هشدار

هشدار می دهیم که اخیراً عده ای بخاطر سنگینهای فکری و با عملی با دکتر سید حسین نصر و با استفاده از وجهه ای که وی از طریق رفت و آمد با اشخاصی نظیر مرحوم علامه طباطبایی در گذشته داشته است، زمزمه انتشار مجدد افکار و کتابهای او در داخل و احتمالاً بازگرداندن نشر را سرداده اند. ذکر این نکته نیز ضروری است که متأسفانه هم اکنون بعضی از کتابهای او در زمینه اسلام شناسی در دانشگاهها تدریس میشود.  
از کلیه افراد متعهد و مسئولین دلسوز می خواهیم که به این مسئله توجه جدی تری نموده و ضمن افشای افکار و ماهیت و خطمش اشخاصی نظیر دکتر نصر با توطئه نفوذ ورخته اینگونه دستهای ناپاک و مرموز در صفوف انقلاب اسلامی مقابله کنند.

### والسلام

هدف دکتر نصر از این سخنان و تحلیها سه چیز است و استراتژی که ارائه میدهد سه مرحله دارد:  
۱- اسلام را از امام حسین (ع) جدا نماید چرا که وی معتقد است فلسفه شهادت در اسلام وجود ندارد و اصل آن در مسیحیت بوده است.  
۲- به مسلمانان و جریانی که هم اکنون در ایران و منطقه فعالیت دارند و هدفشان احیای سنت رسول (ص) است مارک و هایدگری و مارکسیستی بزند و در واقع مانع از بازگشت به اسلام اصیل گردد.  
۳- میخواهد مسلمانانی را که در شرایط فعلی علم و تکنولوژی غرب را قبول دارند بسوی فلسفه و جهان بینی غرب هم بکشاند. همان فلسفه ای که استثمار، عاقبت طلبی، سرمایه داری و فساد را توجیه میکند.  
چنین جریانی که دکتر نصر میگوید که نه امام حسین دارد و نه فلسفه حرکتش را قبول دارد، نه احیای سنت میکند و باید سنت خود را نیز از غرب بگیرد، با علم و فلسفه غرب هم تضادی ندارد طبیعی است که اگر حاکم شود نه تنها خطری برای غرب ندارد بلکه حرکتش در جهت و در خدمت منافع غرب خواهد بود. ایشان که دم از پیروزی مسلمانها میزنند از چنین پیروزی که در خط غرب است حمایت میکند.  
اینگونه سخنرانیها برای اسلام شناسی و تحلیل و خط دادن آنها به امپریالیسم بدین خاطر است که نهضتی عظیم در ایران بوجود آمده مورثی را که سالها غرب روی آن سرمایه گذاری کرده





# اخبار منطقه لبنان و فلسطین



## جوشش خون سلیمان خاطر و شکستن ثبات اسرائیل غاصب

با غریب و مسلسل شهید سلیمان خاطر برگ تازه ای از قیام مستضعفین منطقه علیه صهیونیسم گشوده شد و رژیم نامبارک برای پیشگیری از این فریاد حق طلبانه در میان توده های مسلمان و بخصوص نیروهای مسلح دستش را به خون این جوان پاکدل آلوده ساخت.

اما خون سلیمان خاطر جوشیدن گرفت و به فاصله چند روز یک سرباز اردنی بنام شهید عبدالعزیز از رود اردن شناکان گذشت و در کرانه غریب رود به سربازان صهیونیست یورش برد و جمعی از آنها را به هلاکت رساند و خود نیز به سعادت شهادت نائل شد.

هنوز چند ماهی از شهادت سلیمان نگذشته بود که هزاران سلیمان از میان ملت مصر و در صفوف نیروهای مسلح قیام کردند و به نهضت مردم مصر برای قطع دست صهیونیستها و امپریالیسم پیوستند.

۶- حکومت سلطنتی سعودی تشخیص داده که تولید کم دو میلیون بشکه ای در روز، نفوذ آن پادشاهی را در داخل کشور و منطقه، تقلیل میدهد. همچنین تولید دو میلیون بشکه، نفوذ عربستان را در سطح دیپلماسی بین المللی کاهش میدهد.

۷- مثلثی از شاخه های گان، بازرگانان و تکنوکراتهای (فن سالاران) سعودی تصمیم گرفتند که تولید نفت را علنیتر و نظارتی بیانی یک دفعه با لایبرند.

یک شرکت نفتی آمریکایی اظهار داشته، در آمد عربستان از فروش ۵ میلیون بشکه در روز به قیمت ۱۸ دلار، بیشتر است از فروش ۲ میلیون بشکه به قیمت ۲۸ دلار اوپک.

کاهش اولیه ۵ دلاری قیمت نفت خام در اوپک با کوشش عربستان انجام گرفت. مصرف نفت را با لایبرند، چرا که قیمت دلار که بر مبنای آن، درآمد نفت پرداخت می شود، در برابر ارزهای دیگر بالا رفت و کاهش قیمت را خنثی نمود. ولی حالا پادشاهی سعودی معتقد است، تنها کاهش شدید و یک دفعه، قیمت است که تقاضا برای نفت را زیاد کرده و مصرف را بالا میرسد.

**راه مجاهد:**  
آقای مهندس غرضی وزیر سابق نفت در مجلس شورای اسلامی اینگونه توضیح داد که بیگان بعنوان برگ برنده، انتخاباتی گفت "اینادی مادر اوپک قیمت نفت را کاهش دادند و باز هم این کاهش ادامه پیدا خواهد کرد." (توطئه ای است که عربستان محری آن است) چندین ماه پیش کی سبج گرفته بود: "کاهش قیمت برای سقوط ایران است. در حالیکه دوستان ما لطمه خواهند خورد.

جوشش خون سلیمانها در مصر و کشورهای منطقه صهیونیستها را با این مشکل روبرو ساخته که دیگر چگونه میتوانند به ارتشهای رژیم صهیونیستی مرجع عرب اعتماد کنند. ارتشهایی که همواره حافظ امنیت مرزهای اسرائیل بوده و به امداد اجازه عملیات مسلحانه علیه آنها را نمیدادند اکنون اسرائیل ملاحظه میکند که خود این ارتشها به کانون قیام بر علیه صهیونیستها تبدیل میشوند.

تیمسار "برنجیان" مسئول ضد اطلاعات نیروی هوایی در رژیم شاه معدوم در سال ۵۷ میگفت ۴۴ ارتش ما افکارشان با (امام) خبثت است لذا این ارتش دیگر قابل اعتماد نیست

لبنان قهرمان و اعتراف صهیونیست

رادیو شیطان بزرگ: آیا لایهان سیاستمدار کهنه کار صهیونیسم و وزیر خارجه اسبق اسرائیل در یک سخنرانی گفته است: "فریبی که اسرائیلیان در لبنان خورد، در تاریخ قوم یهودی سابقه است."

**راه مجاهد:**  
دفع تجاوز از صهیونیستهای اشغالگر در لبنان درسی است که انقلابیون لبنان از انقلاب اسلامی گرفته اند و این یکی از برکات دفاع مقدس ما علیه توطئه کذب دیوید است. این در حالیست که هنوز مترقی ترین کشورهای عربی که همسایه لبنان است اعلام دفع تجاوز از اشغالگران اسرائیل ننموده است. حالام برخی از روشنفکران مذهبی معنی دفع تجاوز و محاکمه متجاوز را درک نکرده و نمیدانند چقدر به امنیت و آرامش جهان کمک خواهد کرد، تا دیگر قدرتمندان صورتجا و زبیه ملتستهای مستضعف را نکنند.

اعتراف ابا ابا ان مقامات شرق غرب نشان میدهد که اراده دفع تجاوز در ایران، افغانستان، ولستان در عبرتی برای ابرقدرتها بوده است.

### علت حمله اسرائیل به لبنان

لبنان تا قبل از حمله اسرائیل تبدیل به کانونی شده بود که تمام نهضت های آزادی بخش منطقه را در دل خود جای داده بود. و این یکی از امتیازهای بزرگ لبنان بود و یکی از اهداف مهم اسرائیل از حمله به لبنان متلاشی کردن همین کانون تجمع نهضت های آزادی بخش بود.

**راه مجاهد:** ایران هم در اوایل انقلاب وضعیتی این چنین داشت، یعنی از یک طرف تمام گروهها و جریانات فکری در ایران فعال بودند و به نشر عقاید و افکار خود می پرداختند و از طرف دیگر مرکزی برای فعالیت تمامی نهضت های آزادی بخش بود.

عمل وجود چنین کانونی برای ابرقدرتها و آمریکا بسیار مشکل بود و به همین جهت از طریق عناصر و استه خود در داخل ایران، یعنی دستهای مرموز و کودتاگران خرنده که آبت ۵۵۰۰ منتظری به کرات در صحنه های خوده آنان اشاره کرده اند در ایران فعال شدند. این دستهای مرموز از یک طرف گروهها را تحت فشار قرار دادند و آنها را به مبارزه مسلحانه کشاندند و از طرف دیگر با نفوذ در گروهها آنها را به مبارزه مسلحانه علیه جمهوری اسلامی رساندند. در صورت بقای آن الگوی اولیه که در آن تمام گروهها فعال بودند و نقطه نظرات خود را می گفتند و بر خورد عقاید می شد، بتدریج خط مشی آزادی قدس چای افتد و این الگوی بود که برای امپریالیسم به هیچ وجه قابل تحمل نبود.

### عرب مسلمان ضد صهیونیست خواهان حکومت اسلامی

رادیو آمریکا  
یک تحلیلگر امریکائی گفته بود:  
خطری که منطقه را تهدید میکند آنستکه عربی که کینه ضد اسرائیلی دارد با اسلامی که ضد صهیونیست است و خواهان حکومت اسلامی است پیوند بخورد.

### راه مجاهد:

آمریکا به همین عنصر "عرب مسلمان ضد صهیونیست خواهان حکومت اسلامی" تروریست می گوید.  
نکته جالب توجه آنکه این عنصر قدرت جذب مسیحی ها را هم دارد و مانع این جذب را در لبنان مشاهده کردیم و دیدیم که چگونه مقاومت مسلحانه در جنوب لبنان مسیحیان و حتی حزب فالاترا را هم به مغله با اسرائیل واداشت.

### خواست امپریالیسم سرکوب نهضتها بدست مسلمانان

رادیو اسرائیل در تحلیلی پیرامون محاکمه دونفری که هواپیمای عربستان را به ایران آورده بودند گفته بود:  
ایران چون انگیزه هواپیماربا بیان غیر سیاسی بود آنها را محاکمه کرد و اگر عمل آنها یک عمل سیاسی بود ایران هرگز بمحاکمه آنها تن نمی داد.

**راه مجاهد:** بنظر میرسد که خط رادیو اسرائیل این است که ایران را به آنحسا بکشاند که اعلام کند ما حتی کسانیرا که انگیزه سیاسی داشته باشند را هم محاکمه خواهیم کرد.

### پیرامون کودتای یمن جنوبی

پیرامون کودتای اخیر یمن جنوبی گفته میشود: علی ناصر محمد از یک قبیله با سابقه و ریشه دار یمن بود. به همین خاطر هم از حسن بومیگری و ناسیونالیستی بالایی برخوردار بوده و هم پایگاه زیادی در بین مردم یمن جنوبی داشت. وی با اینکه رابطه خوبی با شورویها داشت

### مرزبندی حق و باطل و مشکل ابرقدرتها

رادیو آمریکا و اخیراً در ماه:  
یک تحلیلگر آمریکایی پیرامون منطقه خاور میانه در تحلیلی بدین مضمون گفته بود: تا بحال در منطقه چندین عشیره و زبان و طایفه مختلف وجود داشت، که قدرتهای خارجی با تکیه بر این اختلاف میتوانستند در هر نقطه منطقه به مقابله با جریانات مخالف خود برخیزند و هر قبیله یا طایفه ای را بر علیه دیگری بشورانند. این تحلیل گردادامه صحبت خود گفته بود: اما اکنون خط امام خمینی مسئله جدیدی را مطرح میکند که این مسئله مشکل بزرگ آمریکا شده است. آن مسئله این است که خط امام حدای تمام اختلافات و حناج بندیها مطرح میکند که یک "حق" وجود دارد و یک "باطل" است. این تحلیل گردادامه میدهد که خط امام میگوید "حق" مسلمان ضد صهیونیست است و "باطل" اسرائیل اشغالگر. از نظراین تحلیل گرایسن تقسیم بندی ساده کار انتخاب را برای مردم منطقه بسیار راحت کرده و می آید حق را انتخاب میکنند که این سرمنشا مشکل بسیار بزرگی برای ابرقدرتها شده است.

### توطئه ارتجاع منطقه

اخیراً ارتجاع منطقه در مناطقی سنی نشین جنوب ایران روی دو مسئله دست گذاشته است:  
۱- تبلیغ وهابیت.  
۲- تبلیغ دشمن اصلی بودن شوروی

**راه مجاهد:** این دو خط تبلیغی افراد را به وحدت با آمریکا و ارتجاع منطقه میرساند.

### خبری از نهضت مقاومت افغانان

بهمن ۶۴  
مجاهدین افغانی اکنون از دو جهت تحت فشار هستند:  
۱- شیوه جنگی جدید شوروی که عبارت از ضربات جریکی سریع است. اخیراً شوروی از شیوه مین گذاری در جاده های مجاهدین افغان استفاده میکند.  
۲- اختلاف انداختن بین جریانه های مختلف افغان.  
شخصی میگفت مسائل ایران در افغانستان تا تیرانی دارد، بطور مثال پیروزی ایران در جبهه ها در روند مذاکرات و تسودر رابطه با افغانستان تا تیرا شکار دارد و نمود این تا تیر بعد از پیروزی فتح المبین آشکار بود.

ولی به این آسانی تسلیم نظرات آنها نمیشد.  
این کودتا که نقش شوروی در آن بر کسی پوشیده نیست، به این دلیل بوده است که فردی "بی بته" (بی ریشه) حاکم شده و محری خوبی برای سیاستهای آنها باشد.

نظریاتی داشتند استعفا میداد و چون مجلس نبود که رای تمایل بدهد پادشاه جانشین او را تعیین و فرمان انتصاب او را موشح میکرد هیچ وقت دیده نشده که با حضور مجلسین، پادشاه یا فرمان نخست وزیری را عزل کند آن هم با آن تشریفات و تانک و توپ و مسلسل و دیگری را به جای او منسوب نماید و در ۲۲ مرداد که تاریخ صدور سند است و شب روز ۲۳ مرداد که آن ابلاغ شد مجلس شورای ملی وجود داشت پس از شبی که سند مستخط ملوکانه ابلاغ شد تا ساعتی که خانه من بمباران گردید دولت اینجانب رسمیت داشت...

(مصدق در محکمه نظامی ص ۹۱ و ۹۲)

۳ اصل ۴۴ متمم قانون اساسی که به موجب آن شخص پادشاه از مسئولیت مبراست و وزیران دولت در هرگونه امور مسئول مجلسین هستند... مثبت این است که نه فقط در مورد عزل و نصب وزرا بلکه در هیچ امری از امور مملکت اعلیحضرت همایونی شخصا اختیار اقدام و عملی ندارد... زیرا هر کس اختیار اقدام به امری و انجام عملی را داشته باشد بایستی نسبت به آن اقدام و عمل مسئول باشد تا عنداللزوم برای خیر و شر و نیک و بد آن مواخذه گردد... حال اگر شخص شاه در امور مملکت شخصا اقدام داشته باشد باید دید معنای اصل چهارم و چهارم متمم قانون اساسی چه خواهد شد بدیهی است معنای آن این خواهد بود که شاه حق دارد هر چه میخواهد بکند و هیچ مسئولیتی ندارد ولی وزیر که در اقدام شاه دخالت و اختیاری ندارند مسئول مجلسین هستند و برای اعمال شاه که او بدو مسئولیت حق انجام آنرا داشته مورد تعقیب و مجازات قرار نمیگیرند این درست معنای همان ضرب المثل معروف است که "گله کرد در بلخ آهنگری، به کاشان زند گردن مسگری" و برخلاف این اصل اساسی حقوقی است که لا تزر وازره وزرا حسری می باشد...

(مصدق در محکمه نظامی ص ۵۰۸)

"این اختلافات حضورتان عرض کنم تا زه در این مملکت نشده است محمد علی شاه هم همین را میگفت که "من باید وزیر اعزل بکنم و نصب بکنم... روی همین اصل رفت به باغشاه پس از چند روز مجلس را بمباران کرد..." (مصدق در محکمه نظامی ص ۱۴۲)

از آنجا که در آن شرایط به دلیل عدم تحریف تاریخ، انقلاب مشروطه غیر قابل شک بود و همه جریانات اعم از حق و باطل حقانیت آن را قبول داشتند دکتر مصدق با اتکا به انقلاب مشروطه عدم انسجام قانون اساسی را حاصل میکرد و از طرف دیگر برخورد ثریا قانون اساسی برخوردی تعالی بخش بود با توجه به این مطلب به عمق ضرباتی که از تحریف تاریخ (تحریف نهضت ملی و مشروطه و...) ممکن است بر انقلاب وارد شود میتوان پی برد مثلا اگر با تحریف تاریخ، نهضت ملی یک نهضت لیبرالی معرفی گردد به قانون ملی شدن صنعت نفت کم بهاداره شده و با قرارداد آمریکایی کنسرسیوم که پس از کودتای ۲۸ مرداد منعقد شد نمیتوانیم در دادگاه لاهه برخورد کنیم ولی با مبنای گسری

قانون ملی شدن نفت میتوان علیه امریکا که در قرارداد کنسرسیوم، قانون ملی شدن نفت را زیر پا گذاشته اعلام جرم کرد زیرا قرارداد کنسرسیوم قراردادی برخلاف قوانین کشوری ما (قانون ملی شدن نفت) بوده است و یک قرارداد غیرقانونی میباشد.

دولت اتحاد جماهیر شوروی پیشنهاد امتیاز معادن نفت شمال را داد چون من با این پیشنهاد موافق نبودم و با امتیاز نفت جنوب هم خصوصا با تعدید آن مخالف بودم و در دوره دیکتاتوری که این امتیاز داده شد کسی را برای حرف زدن نبود و... در

اگر دکتر مصدق "الاهم و فالاهم" نکرده بود و به لایحه نفت شمال بدون اشاره به نفت جنوب میپرداخت در تضاد روس و انگلیس به انگلیس خدمت کرده بود.

۲) اصلی فرعی کردن تضادها

از میان تضادهایی که هر جامعه و انقلابی با آن مواجه است، یکی از تضادها نسبت به سایرین اصلی تر و برگزیده تر میباشد بطوری که فعال شدن در جهت حل تضاد اصلی به شیوه اصولی، به یک مرتبه ای سایر تضادها را نیز حل خواهد کرد عدم اصلی فرعی کردن تضادها موجب میشود که به خرید کاری پرداخته و از عمل صالح زمان (حل تضاد اصلی) غافل گردیم یکی از شیوه های دکتر مصدق در برخورد با تضادها آلا هم فالاهم کردن بود مثلا در دوره چهارم هم مجلس در زمانی که بین روس و انگلیس بر سر غارت منابع ملی ایران تضاد وجود داشت و در دوره رضاخان قرارداد ۳۲ ساله نفت جنوب با انگلیس تمدید شده بود از طرف دولت شوروی پیشنهاد امتیاز معادن نفت شمال داده شد و این پیشنهاد بعنوان لایحه ای در مجلس به بحث گذاشته شد برخورد دکتر مصدق با این لایحه این بود که بین روس و انگلیس اصلی فرعی کرده و انگلیس را که از سالها پیش (تقریبا از سال ۱۹۰۱) مشغول غارت نفت ایران بود دشمن اصلی گرفت و لایحه امتیاز نفت شمال را وسیله ای کرد برای رد تجدید قرارداد نفت جنوب با انگلیس زیرا اگر غارتگری نفت جنوب توسط انگلیس محکوم میشد لایحه امتیاز نفت شمال نیز که محتوایش با تجدید قرارداد نفت جنوب با انگلیس یکی بود تصویب نمیشد ولی در شرایطی که انگلیس مشغول غارت نفت جنوب بود و دولت روسیه نیز بر سر غارت بیشتر نفت تضاد داشت. اگر دکتر مصدق اصلی فرعی نکرده بود و به رد لایحه نفت شمال بدون اشاره به نفت جنوب میپرداخت در تضاد روس و انگلیس به انگلیس خدمت میکرد (تابع تضادهای باطل شدن) ولی با آلا هم فالاهم کردن به دام هیچیک از قطبها نیفتاده و از خط استقلال خارج نشد تحلیل خود دکتر مصدق از قضیه فوق چنین است:

"موقعی که کافتارادزه به تهران آمد و از

ابتدای دوره چهارم هم که افتخار نمایندگی مردم تهران را در مجلس داشت نمایندگان هواخواه شرکت نفت هرگز نمی گذاشتند در اطراف این امتیاز صحبتی بشود این بود که تقاضای امتیاز نفت شمال وسیله شد که من در نطق هفتم آبان ماه ۱۳۲۳ اول مضار و مفاسد امتیاز نفت جنوب را بیان کنم و بعد به همان عمل با دادن امتیاز نفت شمال مخالفت نمایم." (مصدق در محکمه نظامی ص ۱۲۹)

۳) شیوه درآمدن از دوراهی اضطرار پیشتازی در عمل صالح است

یکی از شیوه های باطل این است که همیشه جریان حق را در یک دوراهی اضطرار قرار میدهد بطوری که اگر در این دوراهی هر کد امر انتخاب شود به نفع باطل باشد تا بطور تدریجی در این دوراهی جریان حق فرسوده شده و باطل بطور تدریجی حاکم گردد اگر نیروهای انقلاب شیوه های اصولی برای درآمدن از این دوراهی های باطل نداشته باشند نمی توانند بطور اصولی با این شیوه کودتای خزنده برخورد کنند به همین دلیل اشاره ای به شیوه ای که دکتر مصدق برای رهایی از این دوراهی داشت مینمایم.

پس از اینکه کودتای ۲۵ مرداد ناکام ماند قرار بود روز ۲۶ مرداد نیروهای چپ به خیابانها ریخته و مجسمه رضاشاه و شاه را پائین بکشند اگر دکتر مصدق که نخست وزیر وقت بود عکس العملی نسبت به این حرکت نیروهای چپ نشان نمیداد پس از سقوط مجسمه ها در یک دوراهی قفسار میگرفت و اگر میخواست سکوت کند در این صورت مارک همگاری با نیروهای چپ میخورد و تضادش با نیروهای مذهبی تشدید میشد (تشدید تفرقه در صفوف انقلاب) و اگر میخواست برای اینکه مارک همگاری با نیروهای

چپ را نخورد جلوه حرکت آنها ایستاده و مانع ساقط کردن مجسمه ها گردید در این صورت از رضاشاهی که سابقه خبیانتش به مردم و مملکت و وابستگی اش به استعمار انگلیس مشخص بود دفاع کرده بود که حرکتی بود برخلاف اصول نهضت ملی، بنابراین یکطرف این دوراهی دفاع از مجسمه ها و طرف دیگرش دفاع از نیروها چپ بود که هر دو راه به ضرر حکومت ملی تمام میشد شیوه دکتر مصدق برای درآمدن از این دوراهی پیشتازی در عمل صالح یعنی انداختن مجسمه ها بود بدین طریق که مستقل از حرکت نیروهای چپ میدید که عمل انداختن مجسمه ها صالح و اصولی است به همین خاطر در این حرکت پیش قدم شد و قبل از اینکه نیروهای چپ دست به این عمل بزنند به افراد و رجبیه طس پیشنهاد کرد که خودشان مجسمه ها را ساقط کنند با این شیوه که تحقق "والصباقت سبقتا" میباشد از دوراهی اضطرار به بهترین صورت خارج شد.

دکتر مصدق مجسمه ها را در آن زمان پدید میآورد همچون گوساله سامری میدانست به همین خاطر برداشتن آنها را حرکتی اصولی میشمرد. چنانچه طی دفاعیاتش در دادگاه نظامی می گوید:

"... هر کس برای پیشرفت مقصود خود یک مجسمه ای میساخت و بعد هم یک دعوتی میداد یک تلگرافی هم میکرد که این شخص مجسمه ای ساخته است برای چه این مرد مجسمه میساخت؟ برای اینکه مخالفین خود را بعنوان بی احترامی به آن مجسمه گرفتار کند..." (مصدق در محکمه نظامی ص ۷۲۲)

طبق تحلیل فوق ساختن مجسمه ها سرچشم بود برای سرکوب مردم در زمانی که حرکتی علیه مجسمه ها نمودند. این دوراهی نیز پاره ها را انقلاب اسلامی تجربه شده است مثلا در زمانی که تضاد بین انجمن عافیت طلب و حزب توده تشدید شده بود و حزب توده به انجمن عافیت طلب حمله میکرد عده ای از نیروهای انقلاب به دلیل عدم مارک حزب توده خوردن و در برخورد با انجمن سکوت کردند در صورتی که انجمن عافیت طلب همگام با تدریج مشغول تصفیه کارهای خط امامی بود که این حرکت در خط کم محتوا کرد نظام و در نهایت جدا کردن نظام از نهضت محسوب میشد و این سکوت راه اصولی ای برای درآمدن از دوراهی فوق (مارک توده ای خوردن) مارک انجمن خوردن) نبود بلکه لیلاینگ مبارزه با انجمن عافیت طلب عملی خیر و صالح بود باید به خود انتقاد میکردیم که از حزب توده در مبارزه با این جریان انحرافی سبقت نگرفته ایم و با مبارزه بنیادی با انجمن عافیت طلب در واقع با حزب توده نیز که در شیوه ها با انجمن وحدت داشت بهترین مبارزه صورت میگرفت. منطق "تعرف الاشیا باضدادها" ریشه آید و لولوزیک عدم درآمدن از دوراهی اضطرار میباشد زیرا طبق این منطق هر جریان را میشود از ضدش شناخت یعنی در شرایطی که حزب توده و انجمن عافیت طلب به صورت قطب درآمدند هر جریان با یک طرف این قطب تضاد داشته باشد با قطب دیگر وحدت دارد

یکی از شیوه های دکتر مصدق این بود که با اصلت به اصول نهضت ملی برخورد تعالی بخش با قانون اساسی میکرد

# تکلیف الهی و طاقت بشر

بزنید هلاکت است . با توجه به قاعده "رفع تکلیف بما لایطاق" برآستی با تعداد اندک نیروی امام و امکانات محدود و عدم بسیج مردم کوفه و بی آبی و ... که توانایی مقاومت در برابر لشکر عظیم و مجهز دشمن سلب می شد امام حسین علیه السلام چرا به این اصل عمل نکرد؟ امام حسین (ع) معنای واقعی زندگی را در عمل به تکلیف الهی و هلاکت را در انجام ندادن تکلیف الهی می دانست و به آنها نیز چنین جواب داد . و با این جواب خود این اصل را برای همیشه وتو کرد .

\*\*\*\*\*

حضرت علی علیه السلام در نیایش کعبه میگویند "یا الهی صبرت علی عذابک فکیف اصبر علی فراقک" خدا ایا اگر عذابت را تحمل کم ولسی چگونه دوری تو را تحمل کنم؟ امام علی علیه السلام طاقت و تحمل دوری خدا و لحظه ای توقف در راه خدا را ندارد . اما عده ای به استناد قاعده "رفع تکلیف بما لایطاق" میگویند : طاقت بپیمودن راه و انجام تکلیف الهی را نداریم .

این دو بینر است نسبت به طاقت انسان علی علیه السلام ذره ای عافیت طلبی و تن آسایی در راه خدا ندارد . اما جریان دیگر به

مرحوم طالقانی از این آیه چنین نتیجه میگیرند که وسع و توانایی بشر ثابت و ایستا نیست بلکه با انجام تکلیف الهی وسع و توانایی هم افزون می شود لذا نباید به طاقت محدود بشر اصالت داد و آن را مبنا گرفت بلکه نیاز به رشد و کمال اصالت دارد . بنابراین تمامی تکلیف الهی در وسع و توانایی بشر هست و بایستی تسلیم به آن شده و با انجام آن مرتبه و وسع خود را را تعالی دهیم .

برای تایید مطالب فوق به تفسیر نمونه نیز رجوع می کنیم :

تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۲۹۴  
"وسع" از نظر لغت به معنی گشایش و قدرت است . بنابراین آیه این حقیقت عقلی را

چرا که ایمان داشتند انسان در انجام تکلیف الهی وسع و توانایی اش رشد و تعالی می یابد .

بررسی آیه مورد استناد :

۱- بحث لغوی :

• برای روشن تر شدن بحث معنی کلمه "وسع" را در لغتنامه های متفاوت بررسی می کنیم .  
وسع در قاموس قرآن بمعنی "فراخی و گسترش" و هم چنین "طاقت و توانایی" آمده است .  
وسع در المنجد بمعنای "بسط و کثرت" و "ضد ضاق" آمده است .  
وسع در مفردات راغب بمعنی "سعه و گسترش" آمده است .

نتیجه : وسع سببه معنای گسترش و بسط و کثرت می باشد و در هیچ لغتنامه ای بمعنای ناتوانی و عدم طاقت نیامده است . لذا معنای آیه - - - - - چنین می شود که هیچ تکلیف الهی نمی توان یافت که در وسع و توانایی انسان نباشد . به عبارت دیگر همه تکالیفی که خداوند به انسان امر کرده است در وسع و توان بشری هم هست .

۲- تفسیر ائمه

امام صادق (ع) در پیرامون آیه فوق چنین می گویند : **والله ما کلفنا الله العباد الا دون ما یطیقون** . . . . . بخدا قسم ، خدا تکلیف نکرده است بندگان را مگر کمتر از آنچه طاقت دارند .  
امام بد نبال این مطلب تکلیف نماز و روزه و خمس و . . . را می شمردند و در پایان می گویند : **و هم یطیقون اکثر من ذلک** " یعنی مردم بیش از این تکالیف واجب توانایی دارند .  
" کتاب اعتقاد صدوق "

۳- تفسیر پرتوی از قرآن :

" لا یكلف الله نفساً الا وسعها " تکلیف نمی کند خدا مگر به اندازه توانش .  
" وسع بمعنای توان و کنایه از ظرفیت نفس و معنای اصلی آن وسیع یا وسعت است اضافه آن به نفس وسعها شامل هر گونه توان نفسانسی از قدرت دریافت و اراده و اختیار و اعمال می شود و هر چه در طریق کمال این میدانها وسیعتر و توان اندیشه و اراده بیشتر گردد تکلیف و مسئولیت افزایش می یابد یعنی در هر مرتبه ای که وسعی می یابد همشرا افزونتر و توانش کمتر و مسئولیتش بیشتر و یا شدیدتر می گردد . همین مصیر اختیاری و کدح به سوی رب است . **رنا و الیک المصیر** یا ایها الانسان انک کادح الی ربک کدحاً فملاقیه ، انشاقاق " پس در این مسیر هر تکلیف که انجام شود تکلیف و بسا تکالیف دیگری رخ می نماید و گرونده پویا ، باید چشم و گوش با اشارات و فرمانهای داشته باشد که در می یابد و پیوسته سمعنا و اطعنا **غفرانک رنا و الیک المصیر** گوید و جز فرمانبرداری و کسب عمل توشه ای نجوید .

ضرورت بحث :  
۱- جنگ اسلام و کفر مسئله عدم توانایی در شرایط فعلی دفع تجاوز از کفار بعضی امری مسلم و ضروری است و مشروط به قسوی و اجازه نیست . اما بعضی استدلال میکنند چون جنگ در طاقت و توانایمان نیست از عهد ما ساقط است و بایستی صلح شود .  
اینان با استناد به قاعده فقهی "رفع تکلیف بما لایطاق" موضع خود را شرعی قلمداد میکنند بارها دیده ایم عمل به این تفکر بسیاری از حرکت های انقلابی راغنی میکند و بهترین توجیه شرعی برای عافیت طلبانی است که می خواهند از صحنه مبارزه و شهادت بگریزند . لذا در این مقاله به بررسی این نظریه می پردازیم .  
۲- حرکت امام حسین (ع) و ائمه و انبیاء و - - - - - ایثار رزمندگان طبق این نظریه قابل تبیین نبوده و حتی مورد شک و سئوال واقع میشود .

دو برداشت از قرآن :

۱- مبنای عمل طاقت محدود بشر است :  
صاحبان این تفکر برای اثبات نظریه خود به آیه " لا یكلف الله نفساً الا وسعها " (تکلیف نمی کند خدا به کسی جز به اندازه وسع او) - - - - - تمسک میشوند . از این آیه چنین برداشت میکنند که هر چه در طاقت انسان نباشد تکلیف هم ساقط میشود .  
بطور مثال می گویند : اگر روزه در طاقت و توانایی کسی نباشد خدا تکلیف روزه را از او برداشته است . یا اگر کسائی در طاقت و توانایی خود نمی بینند که به جبهه بروند تکلیف جنگ با کفار از آنها ساقط میشود مثل مرضی یا علیل و غیره . این افراد در شرایط مبارزه با سلطنت می گفتند ما نمی توانیم زنده ان بپوش طاقت شکنجه نداریم ، خانواده مان بی سرپرست می شوند و طاقت ندارند لذا تکلیف از ما ساقط است اینها مبنای تکلیف انسان را طاقت محدود بشری وضع موجود او می گیرند و نیاز به رشد و تعالی و فطرت کمال جوی انسان را نادیده می گیرند .

۲- مبنای عمل تکلیف الهی است :

دسته ای دیگر در برداشت از آیه لا یكلف الله نفساً الا وسعها به تکلیف الهی اصالت داده و طاقت بشر را تابع آن می نمایند . این دسته استدلال می کنند تمام تکالیف الهی حتماً در طاقت بشر هست و خدا هیچگاه نامناسب و بدون جهت تکلیفی قرار نمی دهد لذا باید تسلیم تکلیف الهی شویم که در این مسیر طاقتمان هم افزون خواهد شد .  
بطور مثال ، جنگ با کفار را تکلیف الهی دانسته و خود را تسلیم آن می نمایند و در جبهه نیز صلاحیت و چگونگی مبارزه با کفار را هم می آموزند و در ضمن مشکلات خانوادگی آنها هم به برکت بسیج مردم در جنگ اسلام علیکم کسر حل میگرد .  
در شرایط مبارزه با سلطنت صاحبان این - - - - - تفکر علیهم مشکلات خانوادگی و سختی مبارزه و قدرت رژیم ، دست از تکلیف مبارزه برداشته و خود را به خدمت این تکلیف الهی در آورند .

با توجه به قاعده "رفع تکلیف بما لایطاق" برآستی با تعداد نیروی اندک امام و امکانات محدود و عدم بسیج مردم کوفه و بی آبی و ... توانایی مقاومت در برابر لشکر عظیم و مجهز دشمن سلب میشود . امام حسین (ع) چرا به این اصل عمل نکرد؟

۱۴

عافیت جویی اصالت می دهد .

عملکرد و جریان فوق

مبارزه با امپریالیسم و صهیونیسم :  
امپریالیسم با توجه به ماهیتش برای جلوگیری از قیام ملتها و سرکوب مبارزین آن قدر فشار می آورد تا طاقت مبارزین را بسر آورد و تاب تحمل از آنان برباید . مثلاً هر چند مقاومت مردم فلسطین بیشتر میشود سرکوب و جنایات صهیونیسم و فشار آنها بیشتر می شود و یا در زندانها شکنجه حدی ندارد و طاقت و مقاومت وجود داشته باشد شکنجه را ادامه می دهند ثبات امپریالیسم در گرو این است که مبارزین طاقت از دست بدهند و از مقاومت سر بساز بزنند .

حال با توجه به این ویژگی امپریالیسم دو وجه جریان فوق در عمل چه خواهد شد .  
جریان اول می گویند وقتی طاقت نداری تکلیف

ص ۸

تایید می کند که وظایف و تکالیف الهی هیچ گاه بالاتر از میزان قدرت و توانایی افراد نیست و لذا باید گفت تمام احکام با همین آیه تفسیر و تفسیر می گردد ، و بپایندی که تحت قدرت انسان است اختصاص می یابد ، بدیهی است یک قانونگذار حکیم و دادگر نمی تواند غیر از این قانون وضع نماید .

سنت ائمه و دو جریان فوق

برای روشن شدن مطلب از سیره ائمه توشه گیری می کنیم :

حضرت امام زین العابدین در روز عاشورا بیمار بودند . ولی ظهر عاشورا وقتی شهادت یاران امام حسین را می بینند علیهم بیماری سه بار غم میدان جهاد می نمایند که امام حسین مانع می شوند . با ملاک قرار دادن اصل رفع تکلیف بما لایطاق این شوق امام زین العابدین ، امری خلاف جلوه می کند . آیا می توان گفت امام زین العابدین از یک اصل شرعی عدول کرده اند .

وقتی امام حسین علیه السلام عازم کربلا شدند گروهی پیرامون آن حضرت را گرفتند و اظهار داشتند چرا خودت را به هلاکت می اندازی؟ قدرت دشمن بسیار است و تو یارانت اندک ، توانایی مبارزه نیست و اگر دست به این کار

لازمه انقلابی بودن تحمل سختی ها است امام خمینی



بسم الله الرحمن الرحيم

**ضرورت بحث :**

از آنجائیکه يك جریان انحرافی فکری در قالب يك خط مشی انحرافی در نظام جمهوری اسلامی بطور خشنوده عمل میکند ، ضروری دیدیم که با ریشه یابی ایدئولوژیک آن ، با آن برخورد کرده ، تا بدین وسیله از ضرباتی که شیطان بزرگ آمریکا از این طریق به انقلاب اسلامی وارد خواهد ساخت جلوگیری نمائیم .

**محورهای بحث :**

- ۱- جریانی وجود دارد که معتقد است اسلام هم تمدن دارد وهم نظام .
  - ۲- جریانی که میگوید اسلام تمدن ونظام ندارد وما باید آنها را از غرب بگیریم .
  - ۳- جریانی که معتقد است تمدن ونظام را از غرب میگیریم وآیه اثر را از قرآن در میآوریم
- الف- تأویل مکتبی قرآن وتأویل من عندی قرآن
- ب- تمدن ونظام غرب يك مجموعه با پشتوانه ایدئولوژیک وفلسفی اش
- ج- تفکر اصالت به شرط خارج یا تسلیم به شرایط موجود .
- د- رابطه بادولتها بجای رابطه بانهضتها

**۱- جریانی که معتقد است : اسلام هم تمدن دارد وهم نظام**

شهید محمد حنیف نژاد میگفت از آنجائیکه مادر حال مبارزه هستیم وقانون غلبه انسداد بر قوی ، علیه امپریالیسم آمریکا را تدوین میکنیم ونیز در صدد تعالی رابطه انسانها هستیم ، نسبت به آمریکائیکها که آبولو به کره ماه میفرستند تمدن ترویج یافته تر هستیم . مفهوم سخنان او اینست که ، ملاک تمدن ونظام ، تعالی ورشد انسانها و ایجاد رابطه الهی بین آنهاست . زیرا نظام و تمدن واقعی و اسلامی همان است که حضرت محمد ص بخاطر آن به رسالت مبعوث شدند وهمان است که خط مشی اصلی و اساسی قیام امام حسین رع است .

امام حسین درابتدای حرکتشان فرمودند : من قیام میکنم برای اصلاح امت جدم . یعنی نظامی که من برای امت و برای جامعه میخواهم ، نظام وشبوه های حکومتی است که موجب رشد و تعالی انسانها شود ، تابوانند با تمام نیرو وامکانات علیه مظام اجتماعی و علیه حکومتهای جا بر دستمگر قیام کنند وبه تعبیر دیگر آن شبوه های حکومتی که هم خود ایشان در رابطه با ائمتشان اعمال میکردند وهم بسدر گرامیشان حضرت علی وهم جد بزرگوارشان حضرت محمد ص اعمال می نمودند . اینست که هم تمدن وهم نظام ، بخصوص احکام سیاسی اقتصادی ، فی الواقع در اسلام وجود

دارد ، منتهی باید با مبنای الهی و تسلیم به خدا ، آنها را از قرآن وسنت ائمه معصومین سلام الله علیهم درآورد و راهنمای عمل قرار داد .

**۲- جریانی که میگوید : اسلام تمدن ونظام ندارد وما باید آنها را از غرب بگیریم**

جریان اخیر ، اصولاً وجود تمدن ونظام را در اسلام یا منکر میشود ویا آنها را نمی بیند . و شبوه اش اینست که در روشهای زندگی وحکومتی تسلیم به شبوه های نظام و تمدن غربی میشود و آنها درستی می پذیرد ومذهب و اسلام را فقط در حوزه عبادات و . . . قبول دارد وبه آن عمل میکند ودرواقع اسلام جنبه فردی وعبادی پیدا میکند . این تفکر به دوراه معتقد است : یکی راه انبیاء که به زعم آنها عبارت باشد از عبادات وعرفان ونماز و . . . ودیگری راه بشر که شبوه های زندگی وعلم واقتصاد ونظام است .

**۳- جریانی که میگوید :**

تمدن ونظام را از غرب می آوریم . . .

این تفکر در يك وجه اش با جریان دوم سنخیت دارد که میگوید تمدن را از غرب میگیریم . اما انحراف اساسی اش در این است که اسلام ومتون اسلامی ورهنمود های اسلامی را تابع وعرض آن می کند . یعنی تمدن ونظام غربی را قبول میکند وسعی دارد که برای توجیه تمدن ونظام غرب به آیات قرآن استناد نموده وباصطلاح از قرآن برای آن آیه وروایت درآورد وبدین وسیله به نظام وشبوه های غرب جلوه اسلامی میدهد . برای نمونه به یکی گفته بودند آنا چرا شما اتومبیل آخرین سیستم سوار میشوید ؟ جواب داده بود که امام حسین ع هم بهترین اسب را سوار میشد . اینها برای توجیه رفاه طلبی خود به لغت "یسر" تمسك میکنند ومی گویند "یرید الله بكم اليسر" یعنی خداوند راحتی شما را میخواهد .

یابرای توجیه خط میانه که پایگاه امریکاست میگویند "خیر الامور او سطها" یعنی بهترین کار میانگین است . در حالیکه اوسط بمعنی عدل آمده است یعنی بهترین امور ، آن است که نزدیکتر به عدل الهی باشد . واین ترتیب "اسلامی" بعنوان توجیه گزندگی عافیت طلبا نه درست میکنند .

اخیراً یکی از مقامات گفته بود : از آنجا که در حال حاضر الگو ونمونه ای در دنیا برای نظام جمهوری اسلامی موجود نیست مامجبوریم با تلاش بسیار از مجموعه کتب اسلامی و اصول قانون اساسی ورهنمود های امام خمینی مجموعه مدونی تهیه کنیم که بانظام کنونی جهان ومسائل روز وبه حوزه های دیپلماتسی پیچیده ای که وجود دارد منطبق باشد . توجه شود که در این نظریه که ظاهراً "منسجم

میشد وشکل اسلامی وانقلابی هم دارد اولاً برای اسلام نظامی ونمونه ای قائل نیست و اسلام را فاقد نظام وشبوه های حکومتی میداند . ثانیاً : نظام کنونی جهان ومسائل روز و دیپلماسی پیچیده را پذیرفته است آنگاه سعی در انطباق اسلام وقانون اساسی ورهنمود های امام خمینی با آن را دارد .

دقیقتر اینکه در این تفکر مسائل پیچیده دیپلماسی پذیرفته شده است وبه تبع آن روی این موضوع کار میشود که يك مجموعه ای بظاهر اسلامی تدوین شود تا آن مسائل توجیه اسلامی گردد . در واقع در این تفکر شبوه های غرب جلوه اسلامی بخود می گیرند ، یعنی اسلام غریبی .

**الف- تأویل مکتبی قرآن وتأویل من عندی قرآن**

درواقع این جریان اسلام وقرآن را به رای خود تفسیر وتاویل کرده است واین بازی با قرآن وبازی با اسلام است . در حالی که جریان نخست برخوردارش با قرآن اینطور است که از تسلیم به خدا و تسلیم به اسلام وائمه معصومین علیهم السلام شروع میکند یعنی اول تسلیم به خدا میشود ، آنگاه بسا مبنای الهی از اسلام ، نظام و تمدن اسلامی را که در سنت ائمه نیز هست استخراج می کند ودرتحقق آن سعی دارد نظام کنونی جهان را بسوی آن سوق دهد . نه آنکه اسلام را منطبق با روابط پیچیده دیپلماتیک نماید . اینها معتقدند که از غرب نظام و تمدن آنها باید گرفت واستعمار آن رارها کرد . وخیلی از متفکرین اسلامی هم از همین موضع است که لغزیده اند وبانظام و تمدن غربی وحدت پیدا کرده وتد رجعا" نسبت به استعمار آن بی تفاوت شده اند .

**با این تغییر آن تمدن ونظام غرب در واقع يك عیان عید خداست در حالیکه تمدن ونظامی ، اسلامی خواهد بود که بندگی و اطاعت آگاهانه انسان رانست بر خدا زیادتر نماید و این طلب انسان و خدا همواره در حل رشد و تعالی باشد**

ب- تمدن ونظام غرب يك مجموعه با پشتوانه ایدئولوژیک وفلسفی اش مسئله ای که باید توجه نمود این است که مانیتوانیم شبوه های غربی ونظام غرب را منفک از پشتوانه ایدئولوژیک آن بیذیریم . یعنی نظام غرب خود دارای يك ایدئولوژی وبار فلسفی است . تن دادن به شبوه های دیپلماتیک غربی در واقع تن دادن به فلسفه وایدئولوژی و فرهنگ غرب است ، ایدئولوژیسی که بوسی از اسلام نبرده است ، و در صورتیکه این شبوه ها را بیذیریم در درازمدت اصول اسلامی ما خورده خواهد شد وازین خواهد رفت .

نظری هست که میگوید تمدن ونظام غرب تبلور آگاهی ناشی از عصیان وسافرمانی از دستورات خداست ، باین ترتیب که خداوند به آدم دستور داد به شجره ممنوعه (نفسه) نزدیک نشود . ولی برخی بایک تفسیر غلط از قرآن می گویند آدم در نافرمانی خدا ونزدیک شدن به درخت ، آگاه شد و تمدن ونظام غرب ثمره این آگاهی است ، آگاهیسی که بسترتوثر نافرمانی از خدا وعصیان علیه اوست ونظام غرب نتیجه يك تفسیر توراتی ، ارسطویی

میشد وشکل اسلامی وانقلابی هم دارد اولاً برای اسلام نظامی ونمونه ای قائل نیست و اسلام را فاقد نظام وشبوه های حکومتی میداند . ثانیاً : نظام کنونی جهان ومسائل روز و دیپلماسی پیچیده را پذیرفته است آنگاه سعی در انطباق اسلام وقانون اساسی ورهنمود های امام خمینی با آن را دارد .

دقیقتر اینکه در این تفکر مسائل پیچیده دیپلماسی پذیرفته شده است وبه تبع آن روی این موضوع کار میشود که يك مجموعه ای بظاهر اسلامی تدوین شود تا آن مسائل توجیه اسلامی گردد . در واقع در این تفکر شبوه های غرب جلوه اسلامی بخود می گیرند ، یعنی اسلام غریبی .

**ج- تفکر اصالت به شرط خارج یا تسلیم به شرایط موجود**

در اینجا خوبست این مطلب نیز گفته شود که این جریان ریشه ایدئولوژیکش در اصالت دادن به شرط خارج است . یعنی نسبت به شرایط موجود اصالت داده وبه آن تن می دهد ، در حالیکه باید مبنای رادون بگذارد وشرط خارج را تابع آن نماید . یعنی از نیاز اسلام وانقلاب اسلامی شروع نماید ، از نیاز امام وتوده های مستضعف شروع کند . وپس واضح است که نیاز اسلام وانقلاب وامام مردم مستضعف پذیرش تمدن ونظام وشبوه های دیپلماسی غرب نیست وانطباق اسلام وانقلاب با آن که در واقع تعدیل انقلاب راد بر دارد ، نمیباشد . بلکه نیاز اینها ایجاد دگرگونی وتحول بنیادی وایدئولوژیک در روابط دیپلماسی جهان بسوی اسلام است .

بد نیست یادی از رئیس جمهور بزرگوار شهید رجایی کنیم که ایشان بامبنای حکم ویا نیاز انقلاب ، به سازمان ملل متحد رفتند ودر آنجا مواضع انقلاب اسلامی را مطرح ساختند . که

موجب خشم وکینه امریکاشد . ویا دامن - باشد که تمام مسائل روز و دیپلماسی پیچیده آن در سالهای ۵۷ تا اواخر گروگانگیری تقریباً بطور کامل ، تابع وعرض انقلاب اسلامی بودند . و آنها بودند که مجبور میشدند خود را با انقلاب اسلامی منطبق سازند واکنون نیز تمام تحریکات سیاسی ونظامی وامنی امریکا و . . . تابع عملیات وحرکت های انقلاب اسلامی ایران ومنطقه میباشد .

د - رابطه بادولتها بجای رابطه با نهضت ها

این تفکر از آنجائی که برای نهضت ها ، نظام قائل نیست واز طرفی روابط دیپلماتیک را بسیار پیچیده میداند ، بالطبع در برقراری روابط ، رابطه بادولتها را بیشتر توجه میکند وپس آن اصالت میدهد ، تارابطه با نهضت ها را ، زیرا تمام روابط دیپلماتیک وشبوه های پیچیده سیاسی ناشی از خط مشی دولتهاست . این خطر نیز وجود دارد که این جریان بخاطر اصالت دادن به روابط دیپلماتیک جهانی به دام آنها افتاده و دستخوش توطئه های آنها بخصوص شیطان بزرگ امریکا شود . والسلام

# تحلیلی از انقلاب افغانستان (۲)

## بررسی توطئه‌ها



انجام پذیرد. درغیراینصورت استراتژی انقلاب روزتا بح ترفند جدید دشمن دستخوش تغییر و تحول میشود و انقلاب به دنبال روی نا محسوس دشمن مبتلا میگردد که نتیجه آن غلطیدن خزنده و تدریجی به دام سازشکاری و ارتجاع خواهد بود.

\* \* \*

سنا برآنچه که گذشت اکنون نیز جهت شناخت توطئه‌های بسیاری که از جانب امیرالیمم جهانی علیه انقلاب ملت مسلمان افغانستان در جریان است، ناگزیر از تشخیص محور اصلی توطئه‌ها هستیم. چرا که تنها در اینصورت قادر خواهیم بود علی‌رغم آشکال مختلف ترفندها، به هدف ایجابی اشغالگران روسی و حامیان امریکایی و صهیونیستی آن از این همه شیطنت، مکر و خدعه علیه ملتی مستضعف و فقیر دست نیابیم.

### "نفوذ فرمیسم" توطئه اصلی

"نفوذ فرمیسم" توطئه ایست که با قصد و هدف جلوگیری از رشد و تعمیق انقلاب صورت میگیرد. معنی آن "ترویج اعتقادهای تغییرات رونیایی درجهای رجوع پذیرش سیستمی فاسد" میباشد. نمودها رز فرمیسم خط مشی خروشیج و رویزیونیستیهای حاکم بر شوروی میباشد که به مستضعفین جهان "همزیستی مساومت امیرالیمیرالیمیم جهانی" را پیام میدهند.

معتقدین به این تفکر بر آنند که در درعین سازش با سر حشمه ظلم و فساد درجهان، به اصلاح روابط بین المللی و انسانی نائل آید.

وجود اینگونه برخورد های غافلتطلبانه با دشمنان ملتهای در بند که متضمن ادامه حیات شوم استعمار جهانی است، پایگاه شیاطین در انقلابها و حرکت های استقلالطلبانه بشمار میرود.

تحقق عینی و کنونی توطئه "گسترش فرمیسم" را باید در تلاش شیوه و غرب برای خانداختن شیوه های غیر انقلابی و غیر مردمی در بین انقلابیون و مستضعفین جستجو کرد.

تضاد برخی از شیوه های "انقلابی" و "فرمیستی" را شاید بتوان اینگونه ذکر نمود:

- شیوه مبارزه قهرآمیز و برانداز علیه رژیم های وابسته ضد مردمی در برابر شیوه مبارزه سیاسی - پارلمانتاریستی
- شیوه جنگ چریکی توده ای با استفاده از سلاح های خودکفا و خودیاری بر مبنای بسیج رزمندگان مومن و انقلابی، در مقابل جنگ کلاسیک با استفاده از تسلیحات پیچیده زرهی

بسم الله الرحمن الرحيم  
در شماره ۳۳ و جوه رشد انقلاب ملت مسلمان افغانستان را احمالا مورد بررسی قرار داده و طی آن جوه رشد را بطور کلی در ۴ محور زیر توضیح دادیم:

- الف: مقاومت بیروز
  - ب: تحقق وحدت نسبی نیروها
  - ج: رشد شیوه های نظامی مقاومت
  - د: خافتادن سازماندهی مقاومت در چسبه و پشت چسبه
- در این شماره به بررسی توطئه های که علیه انقلاب صورت میگیرد می نشینیم و دنباله مطلب را در شماره آینده پی خواهیم گرفت.
- محورهای مورد بحث عبارتند از:
- الف: رهبرکشی
  - ب: رهبرسازی
  - ج: انزوا و سرکوب نیروهای انقلابی

### ضرورت مرتبه بندی توطئه‌ها

در برخورد با پدیده ها و امور مختلف باید آنها را درجه بندی کرده و به هر یک متناسب با مرتبه آنها اهمیت و بها دهیم.

این مرتبه بندی شکر نعمتهای الهی، تنها راه استفاده بجا و صحیح از توان و امکانات و نیز گریز از هزرفزفتن نیروها بوده و عین "تقوا" میباشد.

در امر مبارزه و انقلاب که به حق امری ظریف، حساس و مشکل است، بیش از هر زمان دیگر رعایت اصل "الاهم فی الهم" و "اطلی فرعی" کردن امور لازم و ضروری است چرا که تنها به این ترتیب میتوان فتنه ها و توطئه های مختلف دشمنان را بخوبی و متناسب با خطر هر یک از آنها، نیرو و امکانات منظور کرد.

غفلت از این مهم موجب غفلت از خطر اصلی و سردرگمی در میان کثرت توطئه ها میشود.

غافل شدن انقلابیون از خطر اصلی، خود توطئه ای است که همواره در نظر دشمنان قرار داشته و اصولا عامل مهمی در به ثمر نشستن توطئه ها است.

آری همانطوریکه از میان دشمنان مختلف، یکی بعنوان دشمن عمده و سرچشمه همه بدبختی ها شناخته میشود، در میان ترفندهای متعددی که علیه یک انقلاب صورت میپذیرد نیز باید خطر اصلی درک شود.

مردمی افغانستان در این برهه حساس از تاریخ ملت مسلمان و سلحشور افغان اینست که در شیوه های اسلامی و مردمی انقلاب خویش با یمردی نشان داده و هشیارانه راه نفوذ شیوه های غیر اسلامی غربی را مسدود سازند. بعد از گذردن نکته لازم و اساسی یعنی "ضرورت مرتبه بندی توطئه ها" و خطر گسترش فرمیست اینک به بررسی و تحلیل ترفندهای اشغالگران شوروی و استعمارگران غربی در رابطه با انقلاب افغانستان می پردازیم.

### کودتای خزنده را "نفوذ فرمیسم"

در این شماره به بررسی توطئه بسیار مهم و پیچیده، کودتای خزنده می نشینیم و محورهای زیر را مورد بحث قرار می دهیم:

### اگر در نظر داشته باشیم که ببرک کارمل، رهبر حزب پرچم و رئیس جمهور کنونی افغانستان قبل از کودتای معتقد به مبارزه پارلمانتاریستی با رژیم وابسته حاکم بر افغانستان بوده است و اصولا این "رهبر دوا تشه انقلاب" فردی فرمیست است هدف از روی کار آمدن وی مشخص میشود.

### الف = رهبرکشی:

بر خلاف آنچه تبلیغات بسیاری از احزاب و سازمانهای افغانی و همچنین گزارشهای مطبوعات و دیگر رسانه های جمعی جهان ارائه داده اند، رهبران حقیقی انقلاب افغانستان را رهبران شناخته شده احزاب متعدد تشکیل نمیدهند. رهبران انقلاب، فرماندهان جان برکف کم نام و با کم نام و نشان نیستند که بنفشه مقاوم و متوجه درهای بخش را در دست دارند و در طی هفت سال گذشته مرکب راهوار انقلاب را در راهی صعب العبور و پرخطر، مردانه به پیش برانده اند. فرماندهانی که نه تنها بر باران خویش فرمان می رانند بلکه همه امت مسلمان افغان را به جهادی مستمر و خستگی ناپذیر همراهی میکنند و تعیین کننده کیفیت و شدت مبارزه انقلاب هستند.

این عده که عشقی جز غلبه اسلام بر کفر و آزادی مبین اسلامی خویش ندارند، کمتر شناساننده شده اند و همواره نام ایشان در لابه لای نامهای بر طمطراقی برفسورها، دکترها، مولوی ها و آیه الله ها که بعضا با کمترین صلاحیت لازم بر مسند رهبری احزاب نشسته اند کام و ناپیدا بوده است.

لیکن این امر هرگز موجب آن نشده است که تحلیلگران شرقی و غربی ندانند که از ناحیه چه کسانی ضربه می خورد و دشمنان اصلی ایشان چه افرادی هستند.

لذا می بینیم که در یکساله اخیر کمربند ترور رهبران حقیقی انقلاب بسته اند و چند تن از فرماندهان نظامی مجاهدین را به شهادت رسانیده اند.

و مگانیزه، و بر مبنای اصالت سلاح در برابر انسان. شیوه توسعه اقتصادی انقلابی و مردمی از راه بسیج توده ها و استفاده از شیوه های مردمی برای کشورهای تازه استقلال یافته. در برابر شیوه رشد و ترقی اقتصادی از طریق استفاده از تکنولوژی پیچیده، غرب و مکانیزاسیون کشاورزی در حالیکه با بیدرستی و استهانه غرب شد و ...

در رابطه با انقلاب افغانستان نیز بنظر می رسد همین توطئه، اساس و ریشه تمامی ترفندهای شیطانیه اشغالگران روسی و امیرالیمیم جهانی، علیه ملت مسلمان افغان را تشکیل می دهد.

این نظریه بر این تحلیل استوار است که کودتای باند "خلق و پرچم" و همچنین اشغال

نظامی افغانستان، با تهاجم شرق و غرب و به منظور مقابله با انقلاب اسلامی انجام گرفت و توطئه های بعدی نیز در تداوم یک سلسله اقدامات هماهنگه با هدف جلوگیری از رشد روحیه انقلابیگری اسلامی بوقوم پیوسته است.

اگر در نظر داشته باشیم که "برک کارمل" رهبر حزب پرچم و رئیس جمهور کنونی افغانستان قبل از کودتای معتقد به مبارزه پارلمانتاریستی با رژیم های وابسته حاکم در افغانستان بوده است و اصولا فردی سازشکار و فرمیست است، هدف از روی کار آمدن او مشخص میشود و جهت توطئه های رژیم افغانستان روشن می گردد.

علاوه بر این حساسیت و علاقه مندی آمریکا، تبادل نظرهای کنگره این کشور و نظرخواهی از طراحان نقشه های استعماری مانند برژینسکی را چه مسئله افغانستان، فعالیت مداوم مقامات بین المللی ترویج ارتجاع و سازش نظیر سازمان ملل و یونسکو، دلسوزی رژیم های مرتجع و لیبرال در کشورهای مصر و پاکستان در رابطه با انقلاب افغانستان در کنار توطئه فرمیستهای حاکم بر شوروی و افغانستان، همه و همه دلایل محکمی بر وجه اشتراک همه توطئه ها در "گسترش فرمیسم" می باشد.

بدین لحاظ خطر نفوذ شیوه های سازشکارانه در ابعاد مختلف انقلاب را "ام الفتن" و با خطرات اصلی توطئه های شیاطین شرقی و غربی می دانیم.

بدیهی است رسالت تاریخی جنبش مقاومت

در این شماره به بررسی توطئه بسیار مهم و پیچیده، کودتای خزنده می نشینیم و محورهای زیر را مورد بحث قرار می دهیم:

بقیه افغانستان

نحوه شهادت ایشان عمدتاً به دو طریق پیوسته است. اول: بیابگاه و محل استقرار ایشان توسط قوای دشمن شناسایی و شدت بمباران شده است. بطوریکه احتمال زنده ماندن بکلی منتفی باشد. از این طریق فرمانده مذکور به علاوه همراهان او شهادت رسیده است. دوم: مسیر راه فرمانده شناسایی شده به شخص و بر سر راه عبور او زمین قرار داده شده است. لذا مشخص میشود که اکثر فرماندهان درجه و هنگا منبرده شهادت برسیده اند، بلکه بر اثر عملکردها ملنفوذی دشمن مورد هدف بمب خمپاره و بمب میز قرار گرفته اند. نتیجه: طبیعی تر و رایج فرماندهان بوجود آمدن خلا و کمبود رهبران با صلاحیت در صحنه جنگ استقلال طلبانه، محاهدین مسلمانان افغان می باشد. این فقدان زمینه مناسب برای حاشینی افراد کم صلاحیت ترویجی اعتقاد به جنگ چریکی مردمی را پدید می آورد.

ب = رهبر سازی:

وجه تکمیل کننده، توطئه رهبر کشی (یا ایجاد خلا، رهبران با صلاحیت) در صحنه انقلاب رهبر سازی و یا جایگزینی افراد میان راه و سازش کار و غیر انقلابی در مسند رهبری انقلاب می باشد. در این توطئه از یک طرف عنا صرمیانه رور رهبری طلب بعنوان عوامل اصلی قرار دارند و از طرف دیگر آمریکا، کشورهای مرتجع منطقه و بنگاه های تبلیغاتی استعماری نظیر بی بی سی دخالت فعال شبانه روزی دارند. نیروهای فاقد صلاحیت و سازشکار را اراکه ملاکهای ارتجاعی و ضد اسلامی رهبری، نظیر: تقدم زمانی شروع مبارزات و یا تشکیل حزب، تقدم کمی نیروهای تحت فرماندهی، کمیت بنیه، تسلیحاتی و نظامی، گستردگی مناسبات تحت نفوذ و امثال اینها سعی می کنند در سازماندهی انقلاب، مقام حساس و رفیعی اختیاری نمایند و بدین ترتیب باعث انزوا و انقیاد انقلابیون حقیقی گردند. در این موقع است که حمایت های محرمانه و گاه آشکار آمریکا و کشورهای مرتجع در زمینه های آذوقه، تسلیحات، دارو و یوا نقد متوجه افراد مشخص می شود تا در اذهان عمومی بعنوان صاحبان قدرت و نفوذ در صحنه انقلاب تثبیت شوند. در این زمینه گزارش های خبری و تحلیلی رسانه های گروهی غرب از اوضاع افغانستان

نقش بسیار مؤثر و فعال را ایفا می کنند. هم چنین با بدتلاش های مختلفی که جهت تشکيل رهبران احزاب پراسم و رسم در سال های اخیر صورت گرفته است، در استمرار خط دشمنان منسبت تشکيل و تثبیت افراد قابل اتکا و میان رودانست. = انزوا و سرکوب نیروهای انقلابی موجود: در این دسته شیوه، تهمت، مارک و همچنین تبلیغات دور از واقعیت، نقشی اساسی را

رسالت تاریخی جنبش مقاومت مردمی افغانستان در این برهه حساس این است که ابر شیوه های اسلامی و مردمی خویش پایداری نشان داده و هشیاران راه نفوذ شیوه های غیر اسلامی را مسدود سازند.

ایفا می کند. مارکهای نظیر: "واستکی به کشورهای خارجی" "کمونیست و غیر مسلمان" "منافق و اخلاک گر" "سازشکار و مرتجع" از جمله مارکهای حاضر و آماده است که بر احتیای تقدم نیروهای مبارز می شود و آنقدر تکرار می گردد و در سطح وسیع مطرح می شود که خوی مسموم در فضای انقلاب ایجاد گردد و نفس کشیدن ایشان بر احتیای انجام نپذیرد. در این خاند نیست اشاره ای به توطئه "ضام الحق و رساله های استعماری غرب در این زمینه بنماشم. چند ماه پیش بناگاه در گریه های در شهر کوئته پاکستان بوجود آمد که منجر به مرگ، زخمی و دستگیر شدن عده زیادی شد. در اینجا در مقام تحلیل مفضل آن واقعه سیستم و تنبها به آنچه که مربوط به بحث میشود می پردازیم. موقعیت زمانی در گریه ها چگونه ای بود که خبر گزاران بهای جهانی به طور گسترده ای گزارشها و تحلیل های زاپرانولینان منسبت آژونگر، خونریز و تروریست بودن شعبان مخاصره می کردند و در سطح جهانی چهره ای زشت از شعبان ترسیم کرده بودند و موقعیت مکانی شهر کوئته هم گونه است که شعبان پاکستانی تعداد زیادی از سکنه شهر را تشکیل می دهند و همچنین تعداد کثیری از بناهندگان شیعه افغانی که تعداد آنها به ده ها هزار نفر می رسد نیز در این شهر به سر می برند. خبر گزاران از ابتدای حضور شعبان افغانی اشاره می کردند و ایشان را در درگیر بها شریک قلمداد می نمودند. هدف از این امر آن بود که شعبان افغانستان را آژونگر طوطه دهند و زمینه محدود شدن وسعت فعالیت

ایفا می کند. مارکهای نظیر: "واستکی به کشورهای خارجی" "کمونیست و غیر مسلمان" "منافق و اخلاک گر" "سازشکار و مرتجع" از جمله مارکهای حاضر و آماده است که بر احتیای تقدم نیروهای مبارز می شود و آنقدر تکرار می گردد و در سطح وسیع مطرح می شود که خوی مسموم در فضای انقلاب ایجاد گردد و نفس کشیدن ایشان بر احتیای انجام نپذیرد. در این خاند نیست اشاره ای به توطئه "ضام الحق و رساله های استعماری غرب در این زمینه بنماشم. چند ماه پیش بناگاه در گریه های در شهر کوئته پاکستان بوجود آمد که منجر به مرگ، زخمی و دستگیر شدن عده زیادی شد. در اینجا در مقام تحلیل مفضل آن واقعه سیستم و تنبها به آنچه که مربوط به بحث میشود می پردازیم. موقعیت زمانی در گریه ها چگونه ای بود که خبر گزاران بهای جهانی به طور گسترده ای گزارشها و تحلیل های زاپرانولینان منسبت آژونگر، خونریز و تروریست بودن شعبان مخاصره می کردند و در سطح جهانی چهره ای زشت از شعبان ترسیم کرده بودند و موقعیت مکانی شهر کوئته هم گونه است که شعبان پاکستانی تعداد زیادی از سکنه شهر را تشکیل می دهند و همچنین تعداد کثیری از بناهندگان شیعه افغانی که تعداد آنها به ده ها هزار نفر می رسد نیز در این شهر به سر می برند. خبر گزاران از ابتدای حضور شعبان افغانی اشاره می کردند و ایشان را در درگیر بها شریک قلمداد می نمودند. هدف از این امر آن بود که شعبان افغانستان را آژونگر طوطه دهند و زمینه محدود شدن وسعت فعالیت

وجه تکمیل کننده توطئه رهبری کشی، ایجاد خلق رهبر - ان با صلاحیت و جایگزینی افراد میان راه و سازشکار و غیر انقلابی بر مسند رهبری انقلاب میباشد. ۶۱۵

در اینجا قسمت اول بحث بررسی توطئه ها را با بررسی توطئه کودتای خزنده به میان می بریم و در شماره آینده به تحلیل دیگری توطئه هایی که علیه ملت مسلمان افغانستان صورت میگیرد می پردازیم. بدیهی است که چون مطالب فوق تنها برداشتی از حقایق بوده و عاری از ضعف نیست انتظار داریم انقلابیون و صاحب نظران مسئله افغانستان این مطالب را از غریبال ظریف بحثهای عمیق تر خویش گذرانده و به تصحیح و تکمیل آن بپردازند. اعشاء الله

از ص ۲۲ بقیه دعا

است. صبح در مندانی که در دین و در انحراف یاران و در انحرافات تاریخی را دارند. صبح در مندانی که در ترس از بدعتها آنان را لحظه ای آرام نمیدهد و صبح همه عارفان و محبان خداست که به سوی خدا اوج میگیرند. اللهم اجعل صاحبنا صاحب الحسین اللهم اجعل یومنا یوم الحسین

خداوند صاحب نعمات و حسنات

امام دیگری جایی میسرند که میفرمایند اللهم انت ولی نعمته و صاحب کل حسنه که تنها صاحب نعمات و حسنات خداست و میبیند که صاحب پیروزی عاشورا خداست و میبیند که صاحب تمام لحظات عمرش هم خداست. میبیند که خدا صاحب و ولی لحظات استیجاب دعا ایشان است و با چنین تکراری است که هرگز غرور به انسان دست نمیدهد که پیروزی را به خود نسبت دهد. ثانیاً غم ها و ناراحتی های دنیا ما را از راه بد زمین کند چرا که آنها را نعمات خداوند است. صاحب نعمات میدانند و دیگر آنکه ظواهر و نیوی ما را فریب نمیدهد و مابد نیال ظواهر ناپایداری نیوی گرفته و غم و اندوه روزگار ما را از نیای در نمیآورد و نه دوری و ستان و نه شماعت دشمنان انسان را از حرکت باز نمی دارد و میبینیم که امام با توجه به رفتن یاران و سرزنش دشمنان و وجود لشکر ۳۰ هزار نفری باز به میدان میروند چرا که خدا را صاحب ولی نعمت خود میدانند و از او یاری میخواهند.

خداوند منتهی آمال عاشقان است

امام در انتهای دعای خویش میفرمایند اللهم انت... منتهی کل رغبه که تویی ملت های همه آمال و آرزوها که همه جیر بسوی توست و همه حرکتها برای توست. بنظر میرسد که چون امام خدا را منتهای همه آمال و رغبتها میدانند قادرند که در رحین دعا عاشورا را در نظر بسازند چرا که عاشورا روز لقای خدا و پیوستن به معبود ولی نعمت است و روز وصل عشاق به معشوق، روز تحقق پیروزی و عینیت یافتن مکتب است.

خدا یا بر صاحب عاشورای امام حسین (ع) را بدم و آغازگر صحنه رانیایش امام حسین (ع) قرار ده و خدا ایات ترسها و ایات هار از ما در و رکن و ما را چنان کن که عاشقانه در راهت جان ببازیم و شکوفه های امید را در دل ما شکوفا کن و امید به تو یاری تورا در دل و سرمان حای ده که از تو یاری تو به سوی تو حرکت نمائیم خدا یا ما را همچون امام حسین (ع) کن که تورا صاحب نعمات و حسنات بد انیم و تو را منتهی آمال و آرزوها قرار دهیم و بتوانیم که بسوی تو حریص تر شده و میل ما از ظواهر دنیا بیاید و جنگها و مبارزات در راه تو را وسیله رشد و ارتقا بد انیم و تویی نعمت ما باشی.

انشاء الله تعالی



تداوم شیوه امپریالیستی اشغالگری روز بروز شوروی را در با تلاق شیوه های امپریالیستی بیشتر فروخواهد برد.

# توشه گیری از نهج البلاغه

## با استفاده از سلسله درسهای آیت الله العظمی منتظری

### جهاد

مطالب داخل گیومه نظریات غیره  
عالیقدر آیت الله منتظری می باشد.



« وَمِنْ خُطْبَةٍ لَهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «  
لَمَّا قَرَأَ رَجُلٌ مِنْ رِجَالِهِ آيَةَ اللَّهِ تَوْبَتِ الدَّلِيلِ  
وَتَمَلَّكَ الْبَلَاءُ، وَدَبَّتْ بِالضَّغَارِ وَالْفَلَاءِ،  
وَضَرَبَ عَلَى فُلَيْهِ بِالْإِنْبَاءِ، وَأَدْبَلَ الْحَقُّ مِنْهُ  
بِضَمِّ الْجِهَادِ وَسِمِ الْخُفِّ وَمِيعَ النَّصْفِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

در این برداشتها از سلسله درسهای آیت الله منتظری استفاده شده است. در این شماره برآنیم تا از فراز دوم خطبه (۲۷) توشه گیری کنیم. این خطبه در رابطه با جهاد است. در توشه گیری قسمت اول خطبه جهاد (راه ۳۳) فراز اول، موقعیت خطبه، تعریف از اوزار جهاد و اقسام آن و تأثیر آن در زندگی، و محشر بر روی تقوا و تقیه در عمل صالح و در فرهنگ عافیت طلبانه آمد. و اما دنباله آن از فراز دوم خطبه (۲۷) می باشد.

« قَمْرٌ زَكِيٌّ رَجَبَةٌ عَنْهُ أَلْبَسَهُ اللَّهُ تَوْبَةَ الدَّلِيلِ  
وَتَمَلَّكَ الْبَلَاءُ، وَدَبَّتْ بِالضَّغَارِ وَالْفَلَاءِ،

بنابراین کسی که از جهاد دوری جوید و ترک آن بگویی، خدا به او لباس خواری و جامه بلا و گرفتاری سیوشاند و از حقارت هستی آن خوار و زبون میگردد.

کسی که اعراض می کند از جهاد، خدا او پوشا جامه مذلت و خواری این آدم ذلیل می شود. آدم وقتی که جهاد نکند می آید بند تو سرش می ززند و بندش را می برنند، اقتصادش را می برند، نفسش را می برند همه چیز کشورش را می برند آخ نمی گوید این آدم يك ذليل است ليكسرود بئس الكفار والقفا يعني ذليل و خوار می شود دشمن نفت را می برد تو سرت هم می زند خوارت هم می کند.

شیطان بزرگ همزمان با القای فرهنگ مصرف و تحمل گرای و پاک سازی روحیه ضد ظلم و شهادت طلب و جان برکف دست به گسترش شهرها و کارخانجات مونتاژ زد و هوا انقلاب به اصطلاح سفید مردم را از روستاها و امر کشاورزی به شهرها کشانده و در کارخانجات مونتاژ و وابسته اسیر کرد تا

به مرور زمان اقتصاد که متکی به مردم کشاورز بود بر جیده و متکی به درآمد باد آورده چون نفت کرد. نفتی که بازارش در دست خودش بود. خلاصه ما راحتی برای نان شب هم به خودش محتاج کرد. با انقلاب و سرنگونی شاه رشته های آمر- یکا بوسیله بسیج مردمنه شد. اما تا زمانی که ما اقتصادمان اقتصاد تک پایه است این پنجه شیطان و جای پای او در درون نمایان است و با توجه به جنگ تحمیلی و تأثیری که صدور انقلاب و جنگ در منطقه دارد هر لحظه ما باید خود را آماده برای کندن از نفت بنمائیم. با توجه به پایگاهی که شیطان در اوپک و صدام و منطقه دارد. بجاست باتکیه به این بسیج میلیونی توده ها جان برکف که در امر جنگ و کشاورزی آماده جهاد هستند خود را از نظر اقتصادی از یوغ وابستگی نجات دهیم و جهاد مادر امر خود کفایی در کنار جنگ رو آوردن به بسیج مردم در گسترش کشاورزی، و دامداری، شیلات، و کماهای و اوطالبا نه مردم در ادا ره امور کشور می باشد.

وَضَرِبَ عَلَى فُلَيْهِ بِالْإِنْبَاءِ،

و میخوردی بر دلش جیره میشود.

يك همجی آدمی سدهای زیادی در

قلبش زده و اصلا این آهی که توسری خوار است. و اصلا فرهنگش را هم از دست می گیرند این غرب وقتی می خواهد کشورش را اشغال کند، می خواهد نفتش را ببرد، اقتصادش را قبضه کند، اول می آیند فرهنگ کشور را می گیرند و روحیه مردم را ضعیف می کنند.

اصلا نحوه درک مردم را از بین می برند مردم مثل این است که اصلا درگیر نمی فهمند که دارند توسری می خورند. اصلا به خیال شان اینها خلق شدند برای اینکه توسری بخورند. توکر باشند و آنها آقا.

اصلا مثل اینکه فهمشان این است اصلا تشخیص اینکه ما می توانیم آقا باشیم سر نوشت کشورمان دست خودمان باشد. این آدمهایی که جهاد را ترک می کنند زده می شود به قلبشان پرده هایی می کشند پیدا می شود و دیگر درک هم ندارند.

انسان برای اینکه ابهت و مسائل کاذب و نیامی زهنش را کور نکند و خود را در برابر شیطان نیازد. همیشه باید در صدد برپایی حق باشد و با جهاد در همه زمینه ها خود را از وابستگی به غیر نجات دهد و کسی که دوری کند از جهاد این آدم اسیر قدرت ظاهری دشمن می شود.

امپریالیسم برای اینکه بتواند منابع کشور های مستضعف را بلعد و آنها را زیر سلطه خود بگیرد در اولین قدم سعی در از بین بردن فرهنگ رزمنده پرور انسان کرده و با جایگزین ساختن فرهنگ عافیت طلبانه و تبلیغ روی تمدن پوخالین غرب سعی می کند خود را از قیام و جهاد مردمی موصون بدارد.

در قرنهای اول و دوم بعد از ظهور اسلام نظام استکباری بنی عباس کتابهای مختلف

ارسطو را به ایران آورد. و در مدارس و مکاتب فرهنگی نشر داده و اندک اندک -

منطق یونانی غربی ارسطو وسیله ای برای درک و فهم و شناخت همه امور مذ هبی و سیاسی و اقتصادی قرار گرفت و از آنجا که این

منطق خود را تنها روش تفکر صحیح معرفی کرده است بتدریج کلیه فهم قرآن نیز شد

در حالی که امام عزیزمان گفتند: وقتی که کتاب ارسطو و امثال او را نگاه می کنیم بوی

از آنچه که در قرآن کریم است در آنها نیست. (۱)

نوعی از این شخص گرفته می شود و تَضْيِيعُ الْجِهَادِ برای اینکه جهاد را تَضْيِيعُ کرده، دولت

حق از این گرفته می شود، به دیگران داده می شود.

وَسِمِ الْخُفِّ یعنی مکلف می شود به ذلت یعنی وادار می شود به توسری خوردن

وَسِمِ الْخُفِّ یعنی توسری خوردن و منع نصف این آدم منع می شود از انصاف

اقتصادش را می برند همه چیزش را می برند. هرچی هم بگی، حق را می کشند.

کسی که جهاد را ترک کند، ذلیل میشود نحوه درکش اصلا فرق میکند و عقلش هم مثل اینکها زد دست میدهد، خودیت خودش را هم از دست میدهد. " آیتا... منتظری "

از آنجا که نظام غرب بر منطق صوری استوار است لذا تمدن غرب همواره پیشتاز ما بوده و ما اندک اندک باور می کنیم که غرب آقا و سید نبی است. پذیرش سیادت آمریکا باعث می شود که همانطور که او خود را مالک و سرور همه مردم می داند ما نیز او را از نظر اقتصادی و علوم نظامی... الگوی خود بدانیم و غبطه کسب آن علوم و برپایی آن نظام را بخوریم.

مفتون تمدن و فرهنگ غرب شدن، گام اول تن دادن به حاکمیت سلطه گران است. چرا که با پذیرش فرهنگ و تمدن غربی بعنوان يك الگو باید مال، رهبری و سیادت غرب را پذیرا شد.

اساسی ترین گام برای رها شدن از بند وابستگی و تمدن ظاهری غرب، پاکسازی فرهنگ و وایدولوژی غربی از درون فرهنگ خود می باشد. چرا که استکبار جهانی در طول

(۱) صحیحهای امام بمناسبت روز تولد رسول اکرم در سال ۱۳۶۲ (۲) مطالب داخل پرانتز نظریات فقیه عالیقدر آیت الله العظمی منتظری می باشد.

ن... ا... یحب الذین یقاتلون فی سبیلہ صفا گانه بنیان مرصوص سوره صفا آیه ۴ خدا آن مومنان را که در صف جهاد با کافران مانند سدا هنین همدست و پا پیدا رند بسپار دوست می دارد.



# نیایش هستضعفین

عرفان در صحنه

یان اسلام است به نبرد ادامه میدهند  
و آغازگرهای بر خونبار در تاریخ میگردند.

## الهام از نهضت حسینی ویافتهن شرح

ماهم از همین قسمت دعوتشدهای برگزیده  
که اگر همه نهضت ها و انقلابات صاحب جنب  
سینتر و تفکری گردند در مقابل با سختی  
و شداید هرگز ما یوس نمیگردند و به بن بست  
نمی رسند بلکه با چنین تفکری هر لحظه  
شتاب انسان بیشتر میگردد و نفس مطمئنسی  
میشود که هرگز شکست بردار نیست و یقین است  
پیروزی دارد و اسبابها را مینا قرارند او و از آنها  
در مسیر الهی خویش استفاده مینماید. پس  
باید امید داشت که اگر همه نهضت ها مسلح  
به مکتب حسینی گردند و این مکتب راهنمای  
عملشان قرار گیرد. هرگز بن بست و انتهای  
کاری وجود ندارد بلکه خداست که ابتدا  
و انتهای کارشان است.

وجود ندارد. همچنین گفته شد که نیاز به  
خدا مایه امید واری امام بوده و از خدا  
خط مشی و یقین در آن رسیده اند و خط مشی  
امام تکلیف الهی بودند نه خط مشی من.  
در آوردی و گفته شد امام بلاهای الهی  
را نعمت از سوی پروردگار میدانستند و اساس  
و مبنای نیروی دفاعی و سازوبرگ، چاره ساز  
خویش را نیایش خدا اقرار دارند و از خدا  
همه چیز رسیدند و تکلیف الهی را به نحو  
اکملی طی نمودند. ما هم به این امید دعا  
را دنبال نموده تا بتوانیم حسین گونه شده  
و تکلیف الهی خویش را در این مرحله از زمان  
انجام دهیم.

## تکیه به خدا از موضع اضطراب و فشار نیست

نیایش امام وسیله و کار ساز کار اوست نه  
آنکه از موضع فشار و اضطراب باشد این نیایش  
رانه تنها گانه راه رشد و ارتقا به خدا  
میدانند بلکه تنه راه حل مشکلات و گشایش  
دهنده سختی هاست که مبنای رانیز  
خدا دانسته و تکیه بر وجود اوست که  
میخواهد موانع را بر طرف نماید و به اهداف  
الهی خود برسد و مینیمیم که امام با وجود  
تمام فشارها و سختی ها هرگز کمکی از کسی  
نخواست حتی از یاران و اهل بیت خواست  
که در همان شب عاشورا در تاریکی شب  
گریه را ترک نمایند. چرا که امام چاره ساز  
واقعی را خدا میدانستند.

ترجمه لغات  
کم : چه بسار  
هم : حزن و اضطراب  
ضعف : ناتوانی  
قلیل : کم  
خذل : رها کردن ، یاری نکردن  
خذلان : آن است که یاری دوستی  
امید و آری باشد و آن دوست او را رها کند  
واگذاشتن  
شمت : شتمت  
شکوه : توصیف گرفتاری ها  
رغب : اصل رغبت به معنی وسعت است  
درست شدن مایل بودن ، حریص بودن  
کشف : ازاله ، اظهار  
فرج : شکاف  
نوءار : قلب  
نزول : اصل نزول به معنی فرود آمدن  
است

## دعای امام حسین (ع) در صبح روز عاشورا

اللهم انت ثقتی فی کل کرب و انت  
رجایی فی کل شده و انت لی فی کل  
امرا نزل بی ثقه و عده ، کم من هم  
من بضعف فیه الفواد و تقا ، فضع  
الحبله و یخذل فیه الصدق و شمت  
فیه العدو ، فانزلته بک و شکوته  
الیک و رغبه منی الیک عن سواک  
ففرجته عنی ، فکشفته و کففتنی  
فانت ولی کل نعمه و صاحب کل حسنه  
منتهی کل رغبه

بار الهاتویی در هر گرفتاری و بلا و امتحان  
و اندوه پناهگاه ، محل وثوق ، اعتماد  
تکیه گاه من ، تویی منشا امید واری من  
در هر سختی و پشامد و در هر امر و بلا و مشکل  
و حادثه ای که بر من فرود آید ، تنها و تویی  
و محل ذخیره و آماده ساز و چاره ساز و ملجا  
من تویی . چه بسیار گرفتاری و غمهای  
کمر شکن که دل را ناتوان میساخت و چاره  
از آن کم و کم می شد که با دیدن آنها و ستان  
در وری حسنه و مارا رها کرده و دشمن زبان به  
شتمت می گشود پس آنرا به پیشگاه تو آورد مو  
شکایتیم را به نزد تو گفتیم و تو در آن به من فرج  
و گشایش دادی و آن مشکل را از من دور ساختی  
و از امواج اندوه نجات بخشیدی .  
ای خداتویی صاحب همه نعمات و حسنات  
تویی نهایت هر میل و رغبت .

خلاصه : در شماره های ۲۸ ، ۳۰ ، ۳۲ سه  
نقره اول دعا گفته شد : امام حسین (ع) خدا  
را تنها تکیه گاه و ثقه خود میدانند و در سایه  
تکیه به خدا به آرامش و اخلاق اسلامی  
و شیوه های اسلامی دست یافته و به لقاء الله  
رسیدند و گفته شد که نیاز و رغبت به خدا در  
سختی ها زیاد تر میگردد ، البته به مفهوم  
این نیست که در شرایط معمولی رغبت و نیاز

## صبح عاشورا آغازی گردید

بر صبح همه نهضت ها ، صبح همه  
مشاققان و دردمندان که درد  
دین و درد انحراف یاران و درد  
انحرافات تاریخی را دارند .  
صبح دردمندانی که در دترس  
از بدعتها نان را لحظه ای  
آرام نمیگذارند .

## تحلی فرج و گشایش خدا و روحیه پیروز امام

با شروع این قسمت دعا که امام میفرماید  
" ففرجته عنی و کشفته و کففتنی " سوالی  
 مطرح است که چگونه امام بلا فاصله بعد  
از دعا استجاب دعایشان را میبینند بنظر  
میرسد که امام با مینا قرار دادن الله و تکیه  
به او در همان لحظه دعا استجاب دعا را  
میبینند عنایت پیروزی امام در این است که  
همان لحظه دعا استجاب را میبینند .  
آری انسان در ضمن دعا تعالی می یابد  
و با هر قسمت دعا به خدا نزد یکتر میگردد و در  
ضمن دعا رشد لحظه به لحظه دارد . با  
همین کیفیت است که امام حسین در صبح  
عاشورا پس از این دعا به میدان میروند و با  
قاطعت و یقین کامل که پیروزی از آن لشکر -

## دعای صبح عاشورا چشم انداز پرشور عاشورا

امام توانست با چنین نیایشی چشم انداز  
پرشور عاشورا را ببیند و صبح عاشورای خود را  
با چنین نیایشی آغاز نمود که خود نیایش  
آغازگر همه نهضت ها و حرکتهاست و صبح  
عاشورا آغازی گردید بر صبح همه نهضت ها  
و انقلابات و حرکتهای پر جوش و خروش  
کفایت مکتب حسینی . صبح همه مشاققان  
و عاشقان ، نیازمندان و دردمندان به الله  
بقیه درص ۳۰

پروانه رسمی انتشار راه مجاهد

جمهوری اسلامی ایران  
وزارت مشاوران عالی  
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

آقای لطف علی  
بزرگوار ایرانی  
پروانه شماره ۱۳۵۸/۵۰۲۰  
تاریخ ۲۵/۱۰/۶۸  
مکان تهران

## نخچه اشتراک

از کلیه برادران و خواهرانی که علاقه مند به  
و انقیاد اشتراک نشریه "راه مجاهد" هستند ، خواهشمندیم  
کتابهای کتبی خود را به صندوق پستی ۱۷۱۸۵/۵۴۴  
در این موقع ارسال دارند . بهای اشتراک :

کتاب اشتراک آمریکا و مساره	۸۰۰ ریال
کتاب اشتراک مساره	۴۰۰ ریال

های آذوقه ، تسلیحات ، اشتراک را در شعب بانک صادرات به  
افراد مشخص می شود تا در قرض الحسنه شماره ۴۹۸/۶۰۰۲۹  
صاحبان قدرت و نفوذ در میدان قیام به نام لطف... میبندیم  
شوند . در این زمینه گزاره و فتوکی آنرا به آدرس بالا  
رسانه های گروهی غرب

## ماه مجاهد

در راه قیام و جهاد  
نشریه نهضت مجاهدین خلق ایران  
زیر نظر شورای نویسندگان  
صاحب امتیاز و مدیر مسئول:  
مهندس لطف الله مشمی  
صندوق پستی : ۱۷۱۸۵/۵۴۴

این سی و پنجمین شماره راه مجاهد است که با  
اهداف مذکوره در آئین نامه منتشر شده است .  
کلیه انتقادات و پیشنهادات و طرحهای خود  
را در جهت بهتر شدن کیفیت نشریه ، هر چه سریعتر  
در اختیار ما قرار دهید . با تشکر راه مجاهد

دیگری که مسلمان هستند و استقلال ، آزادی ، جمهوری اسلامی را میخواهند تفاهم داشته باشید امام خمینی